ف ۹۰
۲

میکروفیلم تهیه شد

۱۳۸۶/۱۶۱ - ۶

آستان قدس

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

ناقص الاول والآخر. کاملا آثاری نخودی عطادس

نام کتاب: جامع عباسی

مؤلف متن: شیخ بهائی محشی

جلد تیماجی ضربی کهنه در شکل ترنج نقش سلطان الوکس عباس موسی الرضا

شارح مترجم

تاریخ تحریر نوع خط: نخ تعداد سطر: ۱۵

جزء کتب: فقه زبان: فارسی عدد اوراق: ۱۳۳

طول: ۱۷/۵ عرض: ۱۰ شماره عمومی: ۲۴۲۹۱

وقفی آستان قدس تاریخ وقف ۱۸ امرداد ۱۳۷۷

خریداری خریداری

ملاحظات

۳۴۳

در اینجا نباشد **چهاردهم** در جایی که مست کننده در اینجا
باشد **پانزدهم** در روی خرمن گندم نماز کردن هر چند
که او را بگل اندود کرده باشند **شانزدهم** در محلی که اکثر
اوقات در اینجا آتش بسوزانند مثل تون حمام و
مطبخ هر چند که در وقت نماز خالی از آتش باشد
هفدهم آنکه مرد در جایی نماز گذارد که در پهلوی او
مقدم بر و زنی نماز گذارد خواه محرم باشد و خواه
نامحرم باشد هرگاه میانه ایشان حایلی نباشد یا مقدار
ده ذرع بذرع دست دور نباشد اما اگر زن در پس
سر مرد باشد کراهیت بر طرف میشود و احتیاج بحایلی
یا دوری ده ذرع دست نیست و بعضی از مجتهدین
نماز مرد و زن را باطل میدانند هرگاه مقارن تکبیره
احرام گویند و الا نماز آنکه تکبیر احرام بعد از دیگری
گوید باطلست بشرط آنکه زن در پهلوی مرد یا مقدم
بر مرد نماز گذارد و حایل و دوری ده ذرع باشد.

هجدهم نماز گذاردن بران خاکی مورچها ان سوراخ
جرز بیرون می‌اورند و درجایی که حیوانات انجا ذبح
میشود و در شوره زار نماز کردن نوزدهم بروی برف
نماز کردن بیستم در کنده گاه اب هرچند که انجا
اب نباشد بیست یکم بر لب روان نماز گذاردن ۵
بیست دویم در جاده راه نماز گذاردن بیست سیم در زمینی
که شقایق رویده باشد بیست چهارم در خانه که مصور
باشد بیست پنجم درجایی که شتران می‌خوابند هر
چند که از شتر خالی باشد فصل در احکام مساجد
بنا نهادن و عمارت کردن ثواب عظیم دارد از حضرت
امام جعفر صادق ع منقولست که هر کس مسجد بنا
کند خدای تعالی در بهشت خانه از برای او بنا کند
و احادیث در ثواب بنا نهادن مسجد بسیار است
و بدانکه چهل امر تعلق بمسجد بنا نهادن دارد دوازده
امر سنت و هفده امر مکروه و یازده امر حرام اما

دوازده

۲

دوازده امر سنت اول انکه بنای مسجد بسیار بلند
و بسیار پست نباشد دویم انکه طهارت خانه ۵
مسجد را نزدیک مسجد نسازد سیم انکه
شخصی که داخل بمسجد میشود اول پای راست را
پیش کند و وقتی که بیرون رود پای چپ را چهارم
انکه پیش از داخل شدن ملاحظه کفش خود کند
که نجس نباشد پنجم انکه در وقت داخل شدن
این دعا بخواند که بِسْمِ اللهِ وَالسَّلَامُ عَلَىٰ رَسُولِ
اللهِ وَصَلَوَاتُ اللهِ وَصَلَوَاتُ مَلَائِكَتِهِ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ رَبِّ
اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ ششم در وقت
بیرون رفتن نیز این دعا بخواند هفتم بر وضو بودن
در وقت داخل شدن هشتم انکه چون داخل شود
دو رکعت نماز تحیت مسجد بگذارد نهم انکه اکثر
اوقات بمسجد تردد نماید و مسجد را خوشبو کردا

نیدن دهم در مسجد رو بقبله نشیند و حمد
خدای تعالی بجای آورد و صلوات فرستادن و
حاجت از رب العزة طلبیدن یازدهم چراغ در مسجد
روشن کردن چه از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
منقولست که هر کس چراغی در مسجد روشن کند
جمیع ملائکه و حاملان عرش از جهت او استغفار
کنند تا مادام که چراغ روشن باشد دوازدهم مسجد را
جاروب کردن خصوصا در روز پنجشنبه و شب
جمعه و از حضرت امام موسی کاظم ع منقولست که
حضرت پیغمبر ص فرمود که هر کس روز پنجشنبه یا شب جمعه
مسجدی را جاروب کند و بمقدار سرمه که در چشم
کشند خاک و بر از مسجد بیرون کند خدای تعالی
جمیع گناهان او را می آمرزد و اما آن هفده امری
که تعلق بمسجد دارد و آنچه مکروهست آنست که
اول آنکه دیوار مسجد کنگره داشته باشد دویم

آواز

آواز در مسجد بلند کند سیم شمشیر از غلاف بیرون
کند چهارم شعر خواندن پنجم خواب کردن ششم
خرید و فروخت کردن هفتم اطفال را و دیوانها
را در مسجد گذاشتن که داخل مسجد شوند هشتم
حکایات امور دنیا کردن نهم وضو کردن در مسجد از حدث
بول و یا غایط دهم برهنه کردن عورتین یا ران
یا زانو را یازدهم شخصی را حد زدن دوازدهم بر دیوار
مسجد صورت چیزی کشیدن که جان نداشته باشد
درخت و غیره سیزدهم آب دهن یا بلغم در مسجد افکندن
چهاردهم داخل شدن شخصی بود در مسجد که از دهن
او بوی سیر و پیاز و امثال آن آید پانزدهم مسجد را مکتب
مکتب کردن شانزدهم بعمل آوردن اهل حرفت حرفت
خود را بتخصیص تیر تراشی هفدهم بمسجد بفارسی
یا ترکی یا بزبانی که غیر عربی باشد حرف زدن و اما آن
یازده امری که حرامست اول مسجد را بطلا نقش

کردن دوم سنگ ریزه که فرش مسجد باشد از مسجد
بیرون کردن سیم در مسجد چیزی نجس داخل
کردن هرچند سرایت بمسجد نکند چهارم درنگ
نمودن جنب یا حایض و نفسا در مسجد پنجم فروش
که وقف مسجد باشد در غیر مسجد فرش کردن ششم
چیزی از زمین مسجد داخل ملک خود یا داخل توجه
کردن هفتم میت در مسجد دفن کردن هشتم صورت
جاندار در دیوار مسجد کشیدن نهم مصالح
مسجدی که منهدم شود و قابل تعمیر نباشد در غیر مسجد
بکار بردن دهم در مسجد درخت نشاندن و غیره
مبحث سیم در ملاحظه نمودن وقت نماز وقت
نماز صبح برامدن نماز صبح صادق است و وقت
آن میکشد تا طلوع آفتاب و اول وقت نماز پیشین
زیاده شدن سایه است بعد از آنکه بنهایت کوتاهی
رسیده باشد چنانکه در این بلاد واقع میشود تا
ظاهر

ظاهر شدن سایه است بعد از آنکه برطرف شده باشد
چنانکه در مکه مشرفه واقع میشود و این وقت را زوال
گویند و اول وقت عصر که از زوال مقدار ادای نماز
ظهر گذشته باشد نظر بحال مصلی پس اگر متطهر باشد
و مقیم و مقدار چهار رکعت نماز گذشته باشد نظر
بحال وقت عصر داخل شدن و اگر محدث باشد مقدار
طهارت و چهار رکعت نماز گذشته باشد و اگر مسافر
متطهر باشد مقدار دو رکعت و اگر محدث باشد مقدار
طهارت و دو رکعت گذشته باشد و آخر وقت ظهر
وقتیست که تا غروب آفتاب مقدار ادای نماز عصر
باقی مانده باشد نظر بحال مصلی چنانکه معلوم شد
و این مقدار مخصوص وقت عصر است و مقدار
ادای ظهر از اول زوال مخصوص ظهر و ما بین دو وقت
مخصوص مشترکست میان ظهر و عصر و آخر وقت عصر
تا غروب آفتاب است و آن اول وقت نماز شام است

و علامتش آن بر طرف شدن سرخیست که از جانب مشرق
ظاهر میشود و آن اول نماز خفتن وقتیست که از غروب
آفتاب مقدار ادای سه رکعت گذشته اگر متطهر باشد و مقدار
سه رکعت و وقت طهارت اگر محدث باشد و وقت مشترک
میشود میانه شام و خفتن تا آنکه باقی ماند بنصف
شب بمقدار وقت نماز خفتن را ادا توان کرد و آن خاص
نماز خفتن است نظر بحال مصلی چنانکه گذشت و جمعی
مجتهدین بر آنند که تا سرخی جانب مغرب بر طرف نشود
وقت نماز خفتن نمیشود **فصل** نماز اول وقت گذاردن
ثواب عظیم دارد بتخصیص نماز صبح و نماز مغرب و
تاخیر نماز از اول وقت بغایت مکروه هست مگر در چند جا
که تاخیر نماز از اول وقت سنتست و اما از آنجمله دوازده
جا که مشهور است مذکور میسازیم **اول** تاخیر نماز خفتن
تا وقتی که سرخی مغرب بر طرف شود و بعضی از مجتهدین
تاخیر او واجب میدانند **دویم** تاخیر نماز ظهر در بلادی

وقتی

که هوا بغایت گرم است تا وقتی که گرمی بر طرف شود **سیم**
تاخیر نماز عصر تا وقتی که سایه که بعد از زوال حادث شده
مساوی شاخص شود **چهارم** تاخیر زنی که استحاضه
داشته باشد که نماز ظهر و عصر را باخر وقت اندازد که
جمع نماز را بیک غسل دریابد **پنجم** تاخیر نماز فجر
و ظهر و عصر جهت گذاردن نوافل آنها **ششم**
تاخیر پیشنماز را تا وقتی که مامومان جمع شوند
هفتم تاخیر ماموم نماز را تا وقتی که پیشنماز
حاضر شود **هشتم** تاخیر مسافر نماز را تا فرود آمدن
هرگاه آداب نماز را در منزل بهتر بجای آورد **نهم**
تاخیر نماز مغرب و خفتن تا رسیدن بمشعر الحرام
چنانچه در کتاب حج مذکور خواهد شد **دهم**
تاخیر نماز مغرب شخصی را که جمعی انتظار او کشند
که با او افطار نمایند یا خود روزه باشد و بغایت
گرسنه شده باشد **یازدهم** تاخیر مربیه طفل ظهر

و عصر و مغرب و عشا را با خر وقت تاخیر نماز ندارد
جامه طاهر یا در جامه قلیل النجاسة در باب جنابت چنانچه
در کتاب طهارت مذکور شد دوازدهم تاخیر شخصی را
بقضای نمازهای که مشغول است نماز حاضره تا اخر
وقت و سید مرتضی تاخیر نماز حاضره را در این صورت
واجب میداند و مذهب او اینست که هر کس را نماز در
ذمت باشد واجبست علی الفور بجای اورد و او را جایز
نیست که بهیچ امر مباح یا سنت اشتغال نماید تا وقتی
که ذمت خود را از کل ان نمازها فارغ سازد اما
جمعی کثیر از مجتهدین در این باب موافقت با سید نکرده
اند **فصل** چون وقت هر یک از نمازهای یومیه
داخل شود اذان گفتن سنت مؤکد است مخصوصا
از برای نمازی که قرائت انرا بلند باید خواند و بعضی
از مجتهدین اذان را از برای ان واجب میدانند
و بعضی مخصوص ان نمیدانند بلکه اذان را از برای

هر یک

هر یک از نماز پنجگانه واجب میدانند و بعضی همین از
برای صبح و مغرب واجب میدانند و بس و اذان از برای
غیر نمازهای پنجگانه سنت نیست بلکه حرامست اما
سنت است که سه نوبت الصلوة گفته شود و در اذان
گفتن جمیع نماز یومیه ثواب عظیم است و احادیث در این
باب از انحضرت رسالت پناه صلی الله علیه و اله و حضرات ائمه
معصومین سلام الله علیهم اجمعین بسیار است مثل انکه
در حدیث امده که هر کس در شهری از شهرهای اسلام اذان
بگوید بهشت از برای او واجب میشود و باید انکه لازم
نیست که مؤذن بالغ باشد پس اگر طفل ممیز اذان گوید
کافیست و اذان زن از برای زنان و از برای مردانی
که محرم او باشند جایز است بشرط انکه اواز او را نامحرم
نشنود اما اگر زن بسیار پیر باشد و از شنیدن اواز او
حظی نباشد که اواز او را مردان نامحرم بشنوند سهل است
اما انچه باذان متعلق است سی و سه امر است نوزده امر

سنت و نه امر مکروه و دو امر حرام اما نوزده امر سنت
اول است که اذان را در اول وقت بکوید دویم انکه
مؤذن در وقت اذان کفتن وضو داشته باشد سیم
انکه در جایی بلند بایستد چهارم انکه دو انکشت خود را
در کوش خود کند پنجم انکه اذان را بتانی کوید نه بسرعت
ششم انکه در اخر هر فصل سکوت قلیل نماید هفتم
انکه اختیار مؤذنی کند عدالت داشته باشد هشتم
انکه وقت شناس باشد نهم انکه خوش اواز باشد
دهم انکه ترک حرف زدن در وقت اذان کفتن یازدهم
انکه دانستن مؤذن مسایل اذان را بطریقی که علما قرار
داده اند دوازدهم صلوات فرستادن مؤذن کسی که
اذان بشنود در وقت نام بردن حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و اله و شیخ ابن بابویه مطلقا صلواة را واجب
میداند بر هر کس که نام ان حضرت برد یا بشنود
در اذان و غیر اذان و این قول کمال قوت دارد

وان طاهر میسازد چیزی را که انکشت یا خاکستر کند اما
اکر کل نجس را خشت زنند و ان خشت را اجر سازند در طاهر شدن
خلافست و همچنین اکر کل نجس را کوزه سازند و شیخ طوسی
علیه الرحمه بر انست که هر دو طاهر میشود و این قول قوت
دارد پنجم از پاک کننده ها استحاله است تغیر صورت
نام شی نجس مثل انکه منی حیوان طاهر شود یا سک در
نمکزار افتد و نمک شود ششم انتقال یعنی نجس از جا
بجایی نقل شود مثل خون ادمی که بشکم پشه رود هفتم
انقلاب مثل انکه شراب سرکه شود هشتم نقص مثل
شیره انکور که چون اول بجوش اید نجس میشود و چون
چهار دانک ان کم شود طاهر میشود نهم اسلام
وان پاک میسازد کافر را از نجاست کفر دهم زوال
عین بطرف شود طاهر میشود یازدهم مسح بطاهر
و این در استنجاء از غایط است که مخرج را به سه سنک
یا سه کلوخ یا سه لته یا غیر ان بشرط انکه طاهر باشد

طاهر باشد و پاک کنده و مخرج طاهر میشود دوازدهم

تبعیّت مثل آنکه شخصی مسلمان طفلی را از کافر حربی

اسیر کند آن طفل به تبعیّت آن مسلمان طاهر میشود

مثل شیرهٔ انکور که جون بجوشد نجس میشود و جون

جمادا دانک آن کم شود دیک و جمجمه و رخت و بدن

بزنندهٔ آن به تبعیّت طاهر شدن آن طاهر میشود

فصل نجاست یازده است اوّل بول دویم غایط

بشرط آنکه این هر دو از حیوانی باشد که کوشت او حرام

باشد و خون جهنده داشته باشد سیّم خون از

حیوانی که خون جهنده داشته باشد خواه کوشت

آن حلال باشد و خواه حرام مکر خونی که بعد از ذبح

در اعضای حیوان بماند بشرط آنکه در وقت ذبح خون

معتاد بیرون اید خون معتاد در اعضای آن حیوان

بماند طاهر است و خوردن آن خون حلالست ٥

جهارم منی از حیوانی که خون جهنده داشته باشد

که بالای پیراهن بسته باشند نماز کذاردن ششم نماز

کذاردن در رختی شخصی که از نجاست ملاحظه نکند هفتم

نماز کردن در رختی شخصی که از غصب کردن مال مردم

ملاحظه نکند هشتم نماز کردن که در دست انکشتری

آهن باشد نهم بدون ردا نماز کذاردن دهم

آنکه زن بدون کردن بند با قلاده نماز کذارد یازدهم

آنکه خلخال در پا داشته باشد که صدا کند دوازدهم

در قبای بند بسته نماز کذاردن سیزدهم آنکه آهن طاهر

با خود داشتن جهاردهم نماز کردن مرد در جامهٔ زرد یا سرخ

پانزدهم اشتمال صما یعنی دو طرف ردا را از زیر بغل

بیرون آوردن و بر یک دوش انداختن مبحث دویم

در احکام مکان نماز بدانکه سی و سه امر است که بمکان

نماز تعلّق دارد از و دو امر واجب و جهار امر سنّت

و بیست هفت امر مکروه امّا دو امر واجب اوّل آنکه

در مکان غصبی نماز باطلست مکر آنکه مالک

رخصت دهد و همچنین در ملک شخصی بی رخصت او
نماز صحیح نیست و چهار نوع است رخصت صریح
مثل انکه مالک بکوید که در منزل من باش ۲ رخصت ضمنی
مثل انکه بکوید امروز در منزل من باش رخصت فحوائی
مثل انکه مهمانی را بخانه خود اورد دویم رخصت شاهد
حال وان در مثل صحرا و حمام و کاروانسرا است که شاهد
حالست بانکه مالک بنماز کذاردن دران راضی است
مکان نماز نجس نباشد بحیثیتی که نجاست ببدن
یا لباس مصلی سرایت کند اکرچه خون کمتر از درهم نفلی
باشد اما اکر مکان نجس خشک و نجاستان سرایت
کند نماز دران صحیح نیست هرچند خشک و نجاست
ان ببدن وجامه مصلی نرسد واما چهار امر است
که تعلق بمکان نماز دارد اول کل مکان نماز طاهر باشد
دویم انکه مکان پیشانی در بلندی و پستی با مکان
ایستادن پست تر باشد سیم انکه در برابر مصلی ستره

باشد

باشد که میانه مصلی وان پیش تر از دو ذرع یا سه ذرع
دست نباشد واکر عصای در برابر باشد کافیست ه
چهارم انکه نماز واجب در مسجد کذارده شود خصوصا
در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر صلعم و در حدیث امده که ثواب
یکنماز در مسجد الحرام برابر صد هزار نماز است و ثواب
یکنماز در مسجد پیغمبر صلعم برابر صواب ده هزار نماز است
و در هر یک از مسجد اقصی و مسجد کوفه برابر هزار نماز است
و در مسجد جامع برابر صد نماز است و در مسجد برابر بیست
و پنج نماز است و در مسجد بازار صواب دوازده نماز است
اما زنان را در خانه افضل است از نماز او در مسجد و نماز او
در خانه اندرونی افضل از خانه بیرونی و نماز او در ایوان
منزل افضل است از نماز بر بام منزل و بر بامی که فصیل دارد
افضل است از بامی که فصیل ندارد فصل اما ان بیست
و هفت امر مکروه که تعلق بمکان نماز دارد اول نماز
در حمام کذاردن اما در جامه کن حمام و بر بام حمام مکروه نیست

دوّیم درکشتی نماز کردن هرگاه قدرت بر بیرون
باشد سیّم درخانهٔ کعبه نماز واجب گذاردن امّا
نماز سنّت مکروه نیست چهارم درجایی نماز گذاردن
که در برابر مصحف گشاده باشد یا کتابی یا کاغذی نقش بسته
بشرط آنکه خطّان نمایان باشد پنجم درجایی که در برابر
چراغی یا آتشی افروخته باشد ششم درجایی که در برابر
عورت درخواب باشد هرچند محرم باشد و پشت
او بجانب مصلّی باشد هفتم درجایی که شخصی روبرو
باشد هشتم درجایی که صلاح بی غلاف باشد
در برابر نهم درخانه که مجوسی درانجا باشد امّا
اگر درخانه یهودی و نصرانی باشد نماز کردن مکروه
نیست دهم درخانه که دران خانه سگ باشد
یازدهم درجایی که در گشاده در برابر باشد دوازدهم
درگورستان نماز کردن سیزدهم درجایی که چهارپایان
بسته میشود مثل طویله و مانند آن هرچند چهارپایان

سیزدهم اظهار مؤذن حرف ها را در لفظ الله و
اله واشهد والصلوة چهاردهم اظهار حرف حا را در
الفلاح پانزدهم آنکه هرچند مؤذن از فصول اذان
گوید شنوندگان نیز آنرا بگویند شانزدهم اعاده نمودن
اذان صبح را اگر قبل از طلوع فجر بفعل آورده باشد
هفدهم حرف زدن مؤذن در اثنای اذان هجدهم
سکوت طویل در اثنای اذان نوزدهم درجانب راست
وچپ نگاه کردن مؤذن درحال اذان گفتن امّا
آن نه امر که در اذان مکروه هست اوّل آنکه از شهادتین
را زیاده بر دو نوبت گفتن چنانکه مخالفان میکنند دوّیم
اذان گفتن در وقت راه رفتن سیّم اذان گفتن در وقتی
که سوار باشد چهارم اذان گفتن جمعهٔ عصر روز جمعه
هرگاه نماز جمعه گذارند پنجم اذان جمعهٔ عصر روز عرفه گفتن
شخصی که حج گذارد ششم اذان گفتن جمعهٔ عشا در مشعر
الحرام شخصی را که حج گذارد و بعضی از مجتهدین اذان

کفتن را در این سه جا حرام میدانند هفتم اذان
کفتن قبل از انکه وقت نماز داخل شود مکر اذان نماز
صبح که قبل از طلوع فجر جایز است هشتم کفتن
الصّلوة خیرٌ من النّوم است در اذان صبح مکر برای
سبب تقیّه کردن نزد مخالفان کفتن ان سنّتست
فصل اقامت بعد از اذان سنّت مؤکّدست و بانکه
اذان کفتن ثواب عظیم دارد ثواب اقامت بیش از ثواب
اذان کفتنست و سنّتست که اواز را در ان بلند نکنند
و تانّی در ان سنّت نیست بلکه ترک تانّی در ان سنّتست
و سیّد مرتضی علیه الرّحمه اقامت را در کلّ نماز
های پنجکانه واجب میداند و بی وضو اقامت
کفتن را حرام میدانند و جمعی از علما بعد از قد قامت
الصّلوة حرام میدانند مکر حرفی که بنماز تعلّق
داشته باشد مثل التماس کردن حاضران از شخصی را
عادل که پیشنمازی ایشان کند یا امر کردن مأمومین

بانکه

بانکه صفهای خود را راست بدارند و مانند این و بدانکه
هرکاه شخصی اذان و اقامت را بجا نیاورده داخل
شود سنّتست که نماز را قطع کند و هر دو را بجای اورده
نماز را از سر کیرد و این مشروط به پنج شرطست اوّل انکه
بسهو ترک اذان و اقامت کرده باشد نه بعمد دوّم هنوز
در رکعت اوّل باشد سیّم انکه رکوع نکرده باشد
چهارم انکه وقت نماز انقدر تنک نشده باشد که اکر
تلافی اذان و اقامت نماید بعضی از نماز در خارج وقت
واقع شود پنجم انکه لازم نیاید که بعضی از نماز
در مکان غیر مباح یا در جامه غیر مباح واقع شود مثل
انکه صاحب خانه یا صاحب جامه کوید که
رخصتست که دو رکعت در خانه من یا در جامه من
بکذاری و زیاده بر دو رکعت رخصت نیست در این
صورت جایز نیست که نماز را قطع کند بعد از
کفتن اذان و اقامت نماز را از سر کیرد جهت انکه اخر نماز

در مکان غیر مباح واقع میشود و واجبست که چون
خواهد که واسطه تلافی اذان و اقامت نماز را
قطع کند قبل از قطع بکوید السّلام علیك ایّها النبیّ
ورحمة الله وبرکاته وهرکاه در اثنای اذان
از موذّن حدثی سر زند سنّتست که اذانرا قطع کند
و وضو بسازد و اذانرا از انجا که قطع کرده باتمام رساند
ولازم نیست که اذانرا از سر کیرد و سنّتست که ما بین
اذان و اقامت فاصله واقع شود و بدو رکعت یا بیك
سجده یا بیك نشستن یا بیك کام برداشتن یا بکفتن
سبحان الله یا الحمد لله واکر افضل بسجده یا نشستن
کند دران اثنا این دعا بخواند اللّهمّ اجعل قلبی بارًّا
وعیشی قارًّا واجعل لی عند قبر نبیّك صلّی الله علیه
واله مستقرًّا وقرارًا ودر وقت نشستن این دعا را بخواند
سبحان من تبید معالمه سبحان من لا ینسی ذکره
سبحان من لا یخیب سائله سبحان من لیس له حاجب

برشی ولا ترجمان یناجی سبحان من اختار لنفسه احسن
الاسماء سبحان من فلق البحر لموسی سبحان من لا یزداد
علی کثرة العطاء الّا کرمًا وجودًا سبحان من هو هکذا
ولا هکذا غیره وبعد از اقامت این دعا بخواند اللّهمّ ربّ
هذه الدّعوة التّامّة والصّلوة القائمة بلّغ محمّد صلّی الله
علیه واله الدّرجة والوسیلة والفضل والفضیلة بالله
استفتح وبالله استنجح وبمحمّد صلّی الله علیه واله
اتوجّه اللّهمّ صلّ علی محمّد وال محمّد واجعلنی بهم عندك
وجیهًا فی الدّنیا والاخرة ومن المقرّبین مبحث چهارم
بدانکه شخصی که نماز میکذارد از چهار حال بیرون نیست
یا دراندرون خانه کعبه است یا در بام خانه کعبه است
یا بخانه کعبه نقدر نزدیکست که اکر خواهد خانه کعبه را
به بیند یا انقدر دورست که دیدن خانه کعبه او را میسّر
نیست پس اکر دراندرون خانه کعبه است بهر طرف که
نماز بکذارد نماز او صحیح است بلکه در نماز چهار رکعتی

رو بدیواری از دیوارهای خانه کعبه کند بشرط انکه
فعل کثیره لازم نیاید و اکر بر بام خانه کعبه باشد نیز ان
حکم دارد و اما واجبست که انچنان باشد که در وقت
سجده کردن از بام کعبه قدری در قبله او باشد و همچنین
اکر در اندرون خانه کعبه رو بجانب در کعبه نماز کزارد
واجبست که قدری از استان در کعبه در قبله او باشد
و اما شخصی که نزدیک خانه کعبه باشد بحیثیتی که
کعبه را تواند دید مثل مردم که در مکه اند بر او لازم نیست
که در وقت نماز کعبه را ببیند اما بر او واجبست که بطریقی نماز
کزارد که اکر از میان دو قدم او تا بمیان پیشانی او در وقت
سجود خطی راست بکشند ان خط راست بخانه کعبه بخورد
و بباید دانست که از خانه کعبه تا اسمان و تا زیر زمین تمام
حکم خانه کعبه دارد پس شخصی که بر کوهی از مکه یا در جای عمیق
نماز کزارد و نماز او صحیح است اکر چه از خطی که میان دو قدم
او بطریقی که مذکور شد بکشند بر عرصه خانه کعبه نخورد

اما

١٣

اما هر کاه با انچه در حکم خانه کعبه است میرسد کافیست
فصل و ان شخصی که از شهر مکه دور است بحیثیتی که
دیدن خانه کعبه او را ممکن نیست مثل انکه در شهرهای
دیکر باشد قبله او عین کعبه نیست بلکه جهة کعبه است
یعنی جایی که خانه کعبه در انجاست نه همه انجانب بلکه
انقدار از انجانب که مصلی در جزئی از اجزای ان مقدار
تجویز کند که خانه کعبه بوده باشد و جزم کند که از ان
مقدار بیرون و از قبله مساجد و قبرهای مسلمانان
معلوم میتوان کرد و بعلاماتی که در میان فقها مشهور است
نیز معلوم میشود مثلا علامت قبله بعضی از عراق عرب
مثل بغداد انست که جدی را بر پس دوش راست بکیرند و علامت
بعضی دیکر از ان بلاد مثل شهر موصل انست که مشرق را به
جانب چپ و مغرب را بجانب راست بکیرند و علامت
بعضی از بلاد شام انست که جدی را بر دوش چپ کیرند و علامت
بعضی از ان بلاد انست که سهیل را در وقتی که بغایت

بلندی برسد در ما بین چشمها گیرند و علامت یمن
انست که سهیل در وقت مذکور در ما بین دو چشمها و اکثر
این از علم هیئات معلوم شده و در دانستن قبله اعتماد
بر این علم جایز است امّا اگر شخصی در صحرا باشد و از علامت
قبله چیزی ظاهر نباشد و شخصی یافت نشود که از قول او
ظنّ بهم رسد بر آن شخص واجبست که نماز را چهار نوبت
بر چهار جهت بگذارد اگر وقت وسیع باشد و اگر وقت
تنگ باشد بهر وقت گنجد نماز گذارد اگرچه یکنوبت
باشد بهر جانب که خواهد **فصل** اگر شخصی بعد از آنکه
نماز گذارده باشد ظاهر شود که در حال نماز روی او بقبله
نبوده بلکه پشت او بقبله بوده نماز را اعاده نماید اگر وقت
باقی باشد و قضا کند اگر وقت باقی نباشد و اگر ظاهر
شود که قبله بجانب راست یا بجانب چپ او بوده پس اگر
وقت باقی باشد نماز را اعاده نماید و اگر وقت گذشته
نمازی که کرده کافیست و قضای آن لازم نیست و اگر ظاهر

تدرکه

شود

شود که قبله نه در پس او بوده و نه در یکی از دو جانب او در این
صورة از چهار حال بیرون نیست یا قبله در ما بین پیش رو
و جانب راست بوده یا در ما بین پیش رو و جانب چپ یا در ما بین
پس پشت و جانب راست و یا در ما بین پس و جانب چپ پس در دو
صورة اوّل اگر وقت باقی باشد نماز را اعاده نماید و اگر
باقی نباشد قضا لازم نیست و در دو صورة آخر نماز را از سر
گیرد خواه وقت باشد و خواه نباشد و بی آنکه گاهی در نماز
واجبست رو بقبله کردن ساقط میشود مثل آنکه شخصی از دشمنی
که در جانب قبله باشد بگریزد و وقت نماز تنگ باشد پس
بر آن شخص واجبست که در اثناء گریختن پشت بقبله نماز
بگذارد و همچنین اگر مالک خانه شخصی را امر کند که از خانه
من بیرون رود و در خانه در جهت قبله نباشد امّا اگر
وقت تنگ نباشد نماز را در وقت گریختن یا بیرون نگذارد
بلکه صبر نماید تا وقتی که عذر برطرف شود **فصل** آنچه
در نماز معتبر است دو نوع است یا فعل یا ترک و هر یک از این

دونا یا واجباست یا سنّت وهریک ازین جهار یا بزبان است
یا بدل یا باعضا وجمیع انجه بنماز تعلّق دارد بردوازده
نوع بیرون نیست اوّل انجه بزبان براوردن ان واجبست مثل
تکبیر احرام دوّیم انجه بدل بجای وردن ان واجبست
مثل نیّت نماز سیّم انجه باعضای وردن واجبست
مثل سجود جهارم انجه بزبان بجااوردن ان سُنّتست
مثل قنوت خواندن پنجم انجه بدل بجااوردن آن
سنّتست بخاطر کذرانیدن معنی انجه در نماز خوانده میشود
ششم انجه باعضا بجااوردن ان سنُّتست مثل
دستها برداشتن درحال قنوت هفتم انجه بزبان
ترک کردن واجبست مثل کلام کردن بدو حرف که قران
ودعا نباشد هشتم انجه بدل ترک کردن واجبست
دست بستن درنماز جنانکه مذهب سنّیانست نهم
انجه بزبان ترک ان سنُّتست مثل قرائت مامُوم
باوجود شنیدن قراءت امام یازدهم انجه بدل ترک

دهم انجه باعضا ترک کردن واجبست مثل
ترک قصد بنماز در بعضی از افعال نماز

کردن سنّتست مثل فکر درکار دنیا دوازدهم انجه باعضا
ترک کردن سنّتست مثل دست برکمر زدن بطریق متکبّران
وما در رساله اثنا عشریّه که حسب الامر اشرف ارفع بفا
رسی ترجمه شده بیان کردیم که هریک ازین دوازده
نوع دوازده قسم است وهمه اقسام را بتفصیل در این رساله
مذکور ساخته ایم فصل بدانکه در جمیع نمازهای
پنجگانه یومیّه سیصد وشصت ودو فعل واجبست
باین تفصیل در رکعت اوّل بیست ویک فعل است
که واجبست دوّیم ایستادن سیّم رو بقبله کردن
جهارم نیّت کردن پنجم تکبیر احرام کفتن ششم
درنک نمودن درونت تکبیر هفتم قراءت کردن هشتم
درنک نمودن بقدر قراءت نهم خم شدن بجهة رکوع
دهم درنک نمودن در رکوع بقدر ذکر یازدهم
ذکر کفتن دوازدهم سر از رکوع برداشتن سیزدهم
لمحه درنک نمودن جهاردهم خم شدن بجهة سجود

پانزدهم درنگ نمودن در سجود شانزدهم ذکر گفتن ۵
هفدهم سر از سجود برداشتن هجدهم نشستن درمیان
دو سجده نوزدهم لحظه درنگ کردن بیستم
خم شدن بجهة سجده دویم بیست یکم درنگ نمودن
بقدر ذکر ذکر گفتن و باین بیست و یک فعل رکعت
اول تمام است و در رکعت دویم از این بیست و یک فعل
دو فعل کم میشود تکبیرة احرام است و درنگ کردن تکبیر پس انها
که واجبست در رکعت دویم تشهد است و بعد از آن جهار
فعل دیگر که واجبست که آنها را داخل رکعت نمی شمارند
اول سر از سجده برداشتن دویم نشستن سیم تشهد
خواندن چهارم درنگ نمودن در تشهد و اگر در نماز
دو رکعتی باشد سه فعل دیگر واجبست پنجم نشستن بجهة
سلام گفتن دویم سلام گفتن سیم درنگ کردن بقدر
سلام گفتن پس در نماز صبح چهل و پنج فعل واجبست
و در نماز شام سصت و شش فعل و در هر یک از نماز

ظهر و عصر و خفتن هشتاد پنج فعل واجبست و جمیع
سیصد و شصت و دو فعل که واجبست در نمازهای
پنجگانه شبانه روز بفعل اوردن و بدانکه از جمله این
افعال هشت فعل است که احتیاج به بیان دارد و آن
اینست نیت و تکبیرة احرام و قیام و قراءت و رکوع و
سجود و تشهد و تسلیم و بیان این هشت فعل در
هشت فصل تفصیل می یابد فصل اول در بیان
انچه تعلق به نیت دارد بدانکه نیت هر یک از عبادات
قصد بجای اوردن آن عبادتست از برای رضای
خدا و لا در نیت نماز تعیین باید کرد که این کدام نماز
است ادا یا قضا و واجب یا سنت و بعد از آن قصد کند
بجای می اورم از برای رضای خدای تعالی و این قصد
در نهایت اسانیست و هیچ اشکال ندارد و وسواسی
که بعضی مردم میکنند از فعل شیطانست و باین مضمون
حدیثی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

منقولست وانکه بعضی کمان برده اند که نیّت نماز مرکبست
از چند چیز مثل تعیین نماز وانکه واجبست یا سنّت یا ادا
یا قضا این کمال غلطاست واین امور منوی اند یعنی نیّت
برایها واقع میشود فصل دویم در بیان انچه تعلّق
بنماز دارد بتکبیر احرام دارد وان جهارده امراست هفت امر
واجب وهفت امر سنّت امّا هفت امر واجب اوّل انکه بلفظ
عربی کفته شود پس اکر بجای الله اکبر خدا بزرکست
بکوید نماز باطلست دویم انکه حروف تکبیر احرام از مخرج خود
بکوید بطریقی که مقرراست سیم انکه مقارن نیّت
باشد پس اکر فاصله درمیان تکبیر احرام ونیّت واقع شود
مثل انکه سکوتی یا لفظی درمیانه نیّت وتکبیر احرام
دراید مثل انکه بکوید قربة الی الله هو الله اکبر نماز باطلست
جهارم درمیان لفظ الله ولفظ اکبر فاصله درنیاید
خواه سکوت وخواه لفظ دیکر مثل الله تعالی اکبر پنجم
انکه همزه الله وهمزه اکبر را قطع کند پس اکر وصل

سازد

سازد همزه الله را باخر نیّت یا همزه اکبر را بهاء الله باز باطلست
ششم انکه جنان بکوید که خود بشنود اکرجه تقدیر باشد
مثل انکه اکر کر باشد یا دراثنای فریاد مردم تکبیر احرام
بکوید پس اکر بر تقدیر انکه کر نمیبود یا فریاد نمیبود تکبیر را
می شنید نماز او صحیحست والّا باطلست هفتم اکر
کنک باشد بدل قصد کند وبانکشت اشاره کند وزبانرا
حرکت دهد وامّا هفت امری که در تکبیر احرام بجای اوردن
ان سنّتست یکم انکه دستها برداشتن درحال تکبیر کفتن
تا برابر کوشها دویم انکه ابتدای تکبیر کفتن با ابتدای دست
راست برداشتن باشد وانتها با انتهای ان سیم انکه
کفها را در وقت دست برداشتن بجانب قبله باشد جهارم
انکه انکشتان بهم جسبیده باشد مکر دو انکشت
بزرک که از انکشتان دیکر دور باشد پنجم اهسته
کفتن تکبیر است اکر ماموم وبلند کفتن اکر امام باشد
یا منفرد باشد ششم انکه تکبیر احرام را بعد از شش تکبیر که

در اول نماز سنت است بجای آوردن یا در اثنای تنها
یا مقتدی مر امام را هفتم آنکه شش تکبیر است سنت را و
تکبیر احرام را یا دعای مقرره بفعل آورد باین طریق که
سه تکبیر بگوید و این دعا بخواند که اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمَلِكُ
الْحَقُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي
ذُنُوبِي اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ بعد از ان تکبیر گوید ذنبي
و این دعا بخواند که لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ
وَالشَّرُّ لَيْسَ اِلَيْكَ وَالْمَهْدِيُّ مَنْ هَدَيْتَ لَا مَلْجَاَ مِنْكَ
اِلَّا اِلَيْكَ سُبْحَانَكَ وَحَنَانَيْكَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ
سُبْحَانَكَ رَبَّنَا وَرَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ بعد از ان دو تکبیر
بگوید و این دعا بخواند که وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي
فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ حَنِيفًا
مُسْلِمًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ قُلْ اِنَّ صَلٰوتِي
وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ
لَهُ وَبِذٰلِكَ اُمِرْتُ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فصل سیم

آنچه تعلق بقیام دارد وان هجده امر است پنج امر واجب
وده امر سنت وسه امر مکروه اما پنج امر واجب اول
راست ایستادن پس اگر بی ضرورت پشت را خم کند و
بایستد نماز باطلست هرچند برکوع نرسیده باشد دویم
استقلال یعنی تکیه بر چیزی نکردن بحیثیتی که اگر آن
چیز برداشته شود مصلی بیفتد اما اگر بیماری باشد
تکیه کردن مقدم است بر نشسته نماز گذاردن سیم
استقرار یعنی حرکت بسیار نکردن اگر وقتی که باد تند باشد
نماز گذارد و باد او را حرکت دهد و تواند که جای
دیگر نماز گذاردن نماز باطلست چهارم بر هر دو پا ایستادن
اگر بی ضرورة بر یک پا بایستد نماز باطلست پنجم آنکه
قدمها را از یکدیگر جدا نکند بحیثیتی که از ایستادن
متعارف بیرون رود اما آن ده چیزی که در قیام
سنت است اول بخضوع وخشوع ایستادن بطریق
غلامان که در خدمت آقای خود می ایستند دویم

نظر بموضع سجود افکندن نه بجای دیگر سیم
قدمها را از یکدیگر دور کردن بمقدار سه انکشت
یا یك وجب چهارم انکشتان هر دو پاها را بجانب قبله
داشتن پنجم انکه قدمها را محاذی داشتن نه انکه
یکی پیش و یکی عقب ششم هر دو کف دست را بر دو ران
کذاشتن هفتم انکشتان دسترا ملاحظه داشتن هشتم
انکه زن قدمها را از یکدیکر دور نکند نهم انکه زن کف
دستهای خود را بر پستان خود کذارد دهم قنوت خواندن
مرد و زنرا در رکعت دوم بعد از قرائت و قبل از رکوع
مکر در نماز جمعه که مرد قنوت را رکعت دویم را بعد از
رکوع میکند و از زنان نماز جمعه ساقط است
و بدانکه قنوت سنت مؤکدست و معنی ان دعاست
خواه دست خود را بردارد و خواه برندارد و شیخ
ابن بابویه قنوترا واجب میداند و نماز بی قنوت
را باطل میداند و اکر فراموش کند انرا بعد از سر بر داشتن

از رکوع

از رکوع سنتست که به نیت قضا بجا اورد و اکر انجا
نیز فراموش کند بعد از سلام دادن نشسته قضا کند
و اکر در وقت راه رفتن بخاطر رسد همان رو بقبله کند
و بجای اورد و در قنوت هفت امر سنتست اول الله
اکبر کفتن قبل از قنوت دویم دست بالا کردن تا
نزدیك کوش در وقت تکبیر کفتن سیم انکه انکشتانرا بهم
بچسباند مکر انکشت بزرك که از انکشتان دیکر
دور است چهارم انکه در وقت قنوت دستها را بالا
برابر رو محاذی اسمان پنجم تطویل کردن قنوت
ششم کلمات فرج در قنوت بخواند و ان اینست
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِیُّ
الْعَظِیمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَ
ضِینَ السَّبْعِ وَمَا فِیهِنَّ وَمَا بَیْنَهُنَّ وَمَا تَحْتَهُنَّ
وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ و
بعد از ان بکوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا

وَاعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ هفتم بلند خواندن
پیشنماز و منفرد قنوت را و آهسته خواندن ماموم را
و امّا آن سه امر که مکروه هست اوّل دست بر کمر زدن
بطریق متکبّران دوّیم تورّک نمودن یعنی سنگینی خود را
گاهی بر پای راست و گاهی بر پای چپ انداختن سیّم
کفها را بعد از قنوت بر رو مالیدن و در قنوت کردن
بفارسی میانه علما خلاف است و اصح آنست که جایز نیست
و در کتاب حبل المتین بیان آن شده فصل چهارم
در بیان آنچه تعلّق بقراءت دارد در فاتحه و سوره
در رکعت اوّل و دوّیم از نمازهای پنجگانه امّا در
رکعت سیّم و چهارم مصلّی مخیّر است اگر خواهد فاتحه
بخواند و اگر خواهد تسبیحات اربع چنانکه مذکور
خواهد شد و آنچه تعلّق بقراءت دارد به فاتحه
و سوره امّا سی و دو امر است پانزده امر واجب و ده
امر سنّت و پنج امر مکروه و شش امر حرام امّا آن پانزده

امر که واجبست اوّل آنکه فاتحه و سوره بزبان عربی
خوانده شود اگر بزبان دیگر ترجمه از را بخواند نماز
باطلست دوّیم حرفها را از مخرج مقرّره اخراج نمودن سیّم
ملاحظه اعراب الفاظ و تشدید کردن چهارم
موافق یکی از هفت قراءت مشهور خواندن و لازم
نیست که از اوّل تا باخر بیک قراءت بخواند پس اگر بعضی
را مثلا بقراءت عاصم و بعضی را بقراءت حمزه و بعضی را
بقراءت باقی قراءت بخواند جایز است بلکه سنّت است
که در قراءت قران التزام بیک قراءت تمام نکند پنجم
مقدّم داشتن فاتحه بر سوره پس اگر سهوا سوره را
مقدّم دارد نوبت دیگر از بعد فاتحه سوره بخواند
و اگر عمدًا سوره را مقدّم دارد نماز باطلست ششم
درمیان الفاظ قراءت فاصله واقع نشود خواه سکوت
طویل و خواه بیک کلمه که غیر قران و دعا باشد
امّا فاصله بهر یک از دعا و قران جایز است بشرط آنکه

انتظار قران فوت نشود هفتم انکه اکر مصلی مرد باشد
نماز صبح و دو رکعت اول شام و خفتن را بلند
خواندن و باقی را اهسته خواندن هشتم انکه
در اول در اول فاتحه و سوره بسم الله بخواند و
ترک نکند که ان مذهب سنیانست نهم
انکه فاتحه و سوره را از بر بخواند نه از روی نوشته
قران بخواند با انکه از بر نتواند خواند نماز باطلست
دهم انکه جون سوره الم تر کیف بخواند سوره
لایلاف در عقب ان بخواند و جون والضحی بخواند
سوره الم نشرح بخواند در عقب ان و اما ان ده
یازدهم انکه قبل از شروع در فاتحه اَعُوذُ بِاللهِ مِنَ
الشَّیطانِ الرَّجیم بکوید دوازدهم انکه ملاحظه نمود
صفات حروف بطریقی که در علم قراءت مقرر است
جهر و همس و غنه و غیر ان اما ان ده امری که در خواندن
فاتحه و سوره سنت است اول انکه اشباع کسره کاف

مالک

مالکِ یوم الدین کردن دویم اشباع ضمه دال
اِیّاکَ نَعْبُدُ کردن سیم وقف تام و وقف حسن بجا
اوردن اما جهار وقف تام بر اخر بسمله است و بر یوم
الدین و بر نستعین و بر ولا الضالین و اما ده وقف
حسن بر بسم الله و بر الرحمن و بر الحمد لله و بر رب العا
لمین و بر الرحمن الرحیم و بر ایاک نعبد و بر ایاک نستعین
و بر المستقیم و بر انعمت علیهم و بر غیر المغضوب علیهم
جهارم بیشنماز قراءت فاتحه و سوره را بماموم
در نماز جهری بشنواند بشرط انکه بسیار بلند بخواند
بطریق اذان پنجم بلند خواندن بیشنماز و منفرد
بِسْمِ الله در رکعتی که فاتحه و سوره را اهسته
باید خواند ششم بعد از خواندن فاتحه و سوره
بمقدار یک نفس ساکت شدن هفتم انکه جون
سوره والشمس بخواند بعد از تمام کردن صدق
الله بکوید و جون سوره اخلاص بخواند بعد از

کردن ان کذالک الله ربی سه نوبت بکوید هشتم
انکه در نماز صبح سوره بخوانند که درازی او مثل
سوره عم و سوره القیمه باشد و در نماز ظهر
سوره والشمس و سوره اعلی بخوانند و در نماز شام
و خفتن مثل سوره انا انزلنا و سوره اذا جا بخوانند
و در نماز ظهر روز جمعه سوره منافقین بخوانند
واما ان پنج امری که در خواندن فاتحه و سوره
مکروه هست اول ادغام میم الرحیم در میم مالک
دویم بعد از فاتحه دو سوره خواندن و بعضی
از مجتهدین از احرام میدانند سیم مکرر خواندن
یک سوره در دو رکعت مگر سوره اخلاص که مکرر
خواندن او مکروه نیست چهارم عدول نمودن
از سوره بسوره دیگر قبل از انکه نصف سوره اول
خوانده شود و بعد از ان حرامست چنانکه مذکور
خواهد شد اما عدول نمودن از سوره اخلاص

وسوره

وسوره قل یا ایها الکافرون بسوره دیگر حرامست
خواه از قبل خواندن نصف و خواه بعد از ان پنجم
بسیار کشیدن مد الف خواه متصل و خواه منفصل
واما ان شش امری که در خواندن فاتحه و سوره بفعل
اوردن ان حرامست اول مین گفتن بعد از خواندن فاتحه
اول سوره طویل خواندن که موجب ان شود که
بعضی از افعال واجبی نماز در خارج وقت واقع شود
دویم سوره از سورهای عزایم خواندن که قبل از این
مذکور شد سیم خواندن فاتحه یا سوره بطریق
تحریر و نقش و صوت چهارم عدول نمودن از
سوره بسوره بعد از خواندن نصف سوره اول نه
قبل از ان مگر از سوره اخلاص یا سوره قل یا ایها
الکافرون که مطلق حرامست خواه عدول قبل از
خواندن نصف و خواه بعد از ان الا عدول نمودن
ازین دو سوره بسوره جمعه و سوره منافقین در نماز

جمعه وظهر که ان جایز است امّا بد و شرط پنجم
انکه اختیار ان دو سوره از روی عمد نکرده باشد
ششم انکه بنصف نرسیده باشد و هرگاه از سوره
بسوره دیگر عدول نماید واجبست که بسم الله را اعاده
نماید و اکتفا به بسمله که در سوره اوّل خوانده
نکند و بلند خواندن زن فاتحه یا سوره را بنوعی
که نامحرم بشنود امّا اگر زن بسیار بی باشد که مرد را
میل او نشود جایز است که نامحرم اواز او بشنود وبلند نکله
در رکعت سیّم و چهارم اگر بجای فاتحه سُبحانَ
اللهُ وَالحَمدُ لله وَلا اِلهَ اِلّا اللهُ واللهُ اَکبر بخواند
واجبست که اهسته بخواند و اولی انست که استغفر الله
در اخر ان بگوید و اگر مجموع را مکرّر سازد تا سه
نوبت افضل خواهد بود و اگر در رکعت اوّل و دوم ببر
خواندن فاتحه فراموش شود اولی انست که در رکعت
سیّم و چهارم بجای تسبیحات فاتحه بخواند

فصل پنجم در بیان انچه تعلّق برکوع دارد و ان بیست
و شش امر است شش امر واجبست و شانزده امر سنّت
و چهار امر مکروه و امّا ان شش امر واجب اوّل
انکه خم شود انقدر که کف دستها بزانو برسد
امّا دست بر زانو گذاشتن واجب نیست دویم سُبحانَ
رَبّیَ العَظیمِ وَبِحَمدِهِ گفتن یا سه نوبت سُبحانَ
اللهِ گفتن و اگر ضعفی و رنجی داشته باشد یکنوبت
سُبحانَ اللهِ کافیست سیم درنگ نمودن بقدر
ذکر چهارم انکه چنان گوید که خم دبشود الرسقه
باشد چنانکه مذکور شد پنجم سر برداشتن از ان
ششم لحظه درنگ نمودن بعد از سر برداشتن
و امّا ان شانزده امری که در رکوع سنّت است اوّل
انکه چون خواهد که خم شود الله اکبر بگوید دویم
انکه در حال رکوع زانوها را به پس برد و پیش نیاورد
سیم انکه خود را راست بدارد بنوعی که اگر قطره ابی

برو ریخته شود بجای خود بایستد چهارم انکه
کردن را موازی پشت بکشد پنجم انکه نظر بمابین
دو قدم خود اندازد ششم انکه دو دست خود را
از پهلوی خود دور کند هفتم انکه دو کف بر زانو
کذارد هشتم انکه انکشتانرا از هم دور کند نهم
انکه دست را بر زانو پیش از دست چپ بکذارد دهم
انکه زن دو کف دست خود را بالاتر از زانو کذارد یازدهم
مکرر کفتن سبحان ربی العظیم و بحمده تا سه نوبت
و پنج نوبت و افضل از ان هفت نوبت است دوازدهم
انکه قبل از کفتن سبحان ربی العظیم و بحمده این دعا
بخواند که اَللّٰهُمَّ لَکَ رَکَعْتُ وَلَکَ اَسْلَمْتُ وَبِکَ
اٰمَنْتُ وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ وَاَنْتَ رَبِّی خَشَعَ لَکَ سَمْعِی
وَبَصَرِی وَشَعْرِی وَبَشَرِی وَلَحْمِی وَدَمِی وَمُخِّی وَ
عَصَبِی وَعِظَامِی وَمَا اَقَلَّتْهُ قَدَمَایَ غَیْرَ مُسْتَنْکِفٍ
وَلَا مُسْتَکْبِرٍ وَلَا مُسْتَحْسِرٍ سیزدهم انکه اکر پیشنماز باشد

ذکر

ذکر رکوع را بلند بکوید چهاردهم اکر ماموم باشد ذکر را
اهسته بکوید پانزدهم انکه اکر منفرد باشد ذکر را
بطریق قراءت کوید در جهر و اخفات شانزدهم انکه
چون سر از رکوع بردارد سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِیْنَ اَهْلِ الْکِبْرِیَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَالْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ
اما ان چهار امری که در رکوع مکروهست هیفدهم
انکه دستها را در رکوع در دو پهلوی خود چسبانَد
نوزدهم سر را بزیر افکندن بر وجهی که سر موازی پشت نباشد
سیم انکه پیشنماز ذکر را بیشتر از سه نوبت کوید که
کمان داشته باشد که ماموم ان بواسطه ضرورتی
تعجیل دادن چهارم دو کف دست را در وقت رکوع
درمابین زانوها کذاشتن و بعضی از مجتهدین این
را حرام میدانند فصل ششم دربیان انچه تعلق بسجود
دارد و ان سی و هفت امر است ده امر واجب و بیست
پنج امر سنت و دو امر مکروه اما ده امری که واجبست

اول انکه بر مجموع هفت عضو سجده کند که آن پیشانی
و دو کف دستها و دو زانو و دو انکشت بزرك پایها ست
دویم انکه سنکینی خود را بر کل این هفت عضو اندازد
پس اکر بر بعضی مطلق سنکینی ننهد اند نماز
باطلست اما لازم نیست که سنکینی انداختن بر همه
اعضا مساوی باشد سیم انکه هر یك از این هفت
عضو مستقر باشد یعنی بر محل خود قرار کرفته
باشد پس اکر بر روی برف یا نرمه پنبه یا پشم
سجده کند بحیثیتی که بعضی از اعضا مستقر نبوده
باشد نماز باطلست چهارم انکه پیشانی را بر خاك
کذارد یا بر چیزی که از خاك روییده باشد بشرط
انکه خوردنی و پوشیدنی نباشد بحسب
عادة پنجم انکه کفتن سبحان ربی الاعلی و بحمده
یا سه نوبت سبحان الله کافیست ششم درنك
کردن بقدر ذکر هفتم ذکر را چنان کوید که خود

نشنود

نشنود همچنانکه در رکوع کذشت هشتم سر از سجده
اول برداشتن نهم بعد از سر برداشتن لحظه درنك
نمودن دهم نوبت سر از سجده کردن بطریق سجده اول
واما آن بیست و پنج امری که سنت است اول الله اکبر
کفتن و دستها را بالا بردن تا نزدیك کوش دویم
الله اکبر کفتن بعد از سر از رکوع برداشتن و قبل از خم
شدن بجهة سجود سیم درنك نمودن بقدر الله
اکبر کفتن چهارم در وقت الله اکبر کفتن دستها را برداشتن
تا نزدیك کوش پنجم انکه چون خواهد بسجده رود
اول دو کف دست بر زمین برساند بعد از آن دو
زانو را اکر زن باشد اول زانوها را بر زمین کذارد
و بعد از آن دستها را ششم انکه در وقت سجود
انکشتان دست را بهم بچسباند هفتم انکه سرهای
انکشتان بجانب قبله باشد هشتم انکه هیچ یك
از دستها بر پهلو چسبیده نباشد نهم انکه

از پیشانی مقدار یکی هم بسجده گاه برسد نه کمتر
از ان و بعضی از مجتهدین را مذهب انست که رسا
نیدن مقدار یکی هم واجبست دهم بر خاک سجده
کند نه بر سنگ و چوب و امثال ان و افضل انست
که خاک یکی از چهارده معصوم حضوصا خاک
کربلای معلا علی ساکنها السلام یازدهم
انکه قبل از ذکر سجود این دعا را بخوانند اللهم لک
سجدت و بک امنت و لک اسلمت و علیک
توکلت و انت سجد وجهی للذی خلقه و شق سمعه
و بصره و الحمد لله رب العالمین تبارک الله احسن
الخالقین دوازدهم ذکر را مکرر بگویند چنانکه در رکوع
مذکور شد سیزدهم انکه میانه هر یک از این هفت
موضع و زمین حایل نباشد بلکه باید که این
هفت موضع برهنه بر زمین رسد اگر مصلی مرد
باشد چهاردهم بینی را هشتم اعضا سجود گرداند

پانزدهم

پانزدهم بینی را بر خاک گذاشتن شانزدهم زانوها را
از هم دور گذاشتن اگر مرد باشد نه زنان هفدهم
انکه چون از سجده سر بر دارد الله اکبر بگوید هیجدهم
انکه در وقت الله اکبر دستها را بالا کند بطریقی که قبل
از این مذکور شد نوزدهم استغفر الله ربی و اتوب
الیه بگوید بعد از گفتن الله اکبر بیستم درنگ
نمودن بقدر الله اکبر و استغفار کردن بیست و یکم
دو سجده تورک کند بر ران چپ بنشیند و پشت پای
راست را بر شکم قدم چپ گذارد و اگر زن باشد بر کفل
خود نشیند و زانوها را بالا برد و کف پاها را بر زمین
گذارد بیست دوم انکه در وقت سجود ساق دستها را بلند
کند و بر زمین نگذارد و اگر زن باشد بر زمین گذارد
بیست سیم انکه چون در رکعت اول یا سیم در نماز چهار
رکعتی سر از سجده بر دارد لمحه نشیند و این را جلسه
استراحه گویند و سید مرتضی علیه الرحمه واجب میداند

بیست چهارم انکه در جلسه استراحت تورک نکند بیست پنجم
انکه زنان نکذارند که در وقت سجود موی سر ایشان چیزی
فاصله شود میانه پیشانی و سجده کاه هر چند ان
پیشانی ولچه واجبست که سجده کاه رسیده باشد
موضع هفت عضو برابر باشد یعنی بعضی بلند و بعضی
پست نباشد اما پستی و بلندی بمقدار چهار انکشت
جایزاست و زیاده ازان جایز نیست اما ان دو چیز
که در سجده مکروهست اول پف کردن در موضع
سجود بشرط انکه ازان حرف حاصل نشود که اکر دو حرف
حاصل شود حرامست و نماز باطلست دویم اقعا کردن
میان دو سجده یعنی در عقب پا نشستن و سرهای
انکشتان پایها را بر زمین کذاشتن اینست جمیع چیزها
که تعلق برکعت اول دارد فصل در بیان احکام
سجود تلاوت قران بدانکه سجدهای تلاوت
قران پانزده است اول در سوره اعراف دوم در سوره رعد

سیم در سوره نحل چهارم در سوره بنی اسرائیل پنجم
در سوره مریم ششم در سوره حج که انجا دو سجده است
هفتم در سوره فرقان هشتم در سوره نمل نهم
در الم تنزیل دهم در سوره ص یازدهم در سوره
فصلت دوازدهم در سوره انشقت سیزدهم در سوره
والنجم چهاردهم در سوره اقرا و ازین پانزده سجده
چهار سجده واجبست و ان سوره الم تنزیل و حم
و والنجم و اقرا و یازده دیکر سنت است و سجده
وقتیست که ایه تمام شود و در حال سجده پاک بودن
از حدث و خبث و رو بقبله کردن و ستر عورت
کردن هیچ لازم نیست اما اولی انست که بر هفت
عضو مقرر سجده کند و اکتفا به پیشانی بر زمین
کذاشتن نکند و بر چیزی که سجده نماز بران جایز
نیست سجده نکند و در چهار سجده واجب این ذکر
بکوید سنت است که لا اله الا الله حقا حقا

لا اله الا الله ایمانا وتصدیقا لا اله الا الله عبودیة
ورقا سجدت لک یا رب تعبدا ورقا وهمچنانکه
بر خواننده سورهای عزایم سجود واجبست
بر شنونده نیز واجبست و تاخیر از وقت شنیدن
جایز نیست و اگر تاخیر شود نیت قضا بجای
نباید آورد و بعضی از مجتهدین بر آنند که همه
اداست پس اگر تاخیر شود نیت قضا لازم نیست

فصل در بیان آنچه تعلق به تشهد دارد
و آن هیجده امر است نه امر واجب و هشت امر
سنت و یک امر مکروه اما نه امر واجب **اول**
نشستن بعد از تشهد خواندن **دوم** درنگ
نمودن بقدر آن **سیم** تشهد خواندن
باین طریق اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله
اللهم صل علی محمد وآل محمد اکتفا نماید

چهارم اخراج حروف از مخارج مقرر نمودن **پنجم**
در اثنای تشهد سکوت طویل نکردن **ششم**
کلام اجنبی درمیان نیاوردن **هفتم** بعد از تشهد
مکرر الحمد لله گفتن اگر تشهد نداند **هشتم** تشهد را
بلند خواندن اگر پیشنماز باشد **نهم** آهسته خواندن
اگر ماموم باشد و اما آن هشت امری که سنتست
اول تورک نمودن بطریقی که مابین دو سجده مذکور
شد **دوم** دستها را بر ران گذاشتن **سیم** انگشتان
بهم چسبانیدن **چهارم** نظر بر کنار خود کردن
پنجم پیش از تشهد بسم الله وبالله وخیر
الاسماء لله گفتن **ششم** آنکه بعد از گفتن اشهد
ان محمدا عبده ورسوله بگوید ارسله بالحق بشیرا
ونذیرا بین یدی الساعة واشهد ان ربی نعم
الرب وان محمدا نعم الرسول **هفتم** بعد از اللهم
صل علی محمد وآل محمد بگوید وتقبل شفاعته فی

امنه و ارفع درجته الحمد لله رب العالمین بیستم
آنکه در تشهد دویم بعد از گفتن و ان محمدا نعم
الرسول بگوید التحیات لله الطیبات الطاهرات
الزاکیات الغادیات الرائحات السابغات النا
عمات لله ما طاب و طهر و زکی و خلص و صفا فلله
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد
ان محمدا عبده و رسوله ارسله بالحق بشیرا و نذیرا
بین یدی الساعة آیة لا ریب فیها و ان الله یبعث
من فی القبور الحمد لله هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی
لولا ان هدینا الله الحمد لله رب العالمین اللهم
صل علی محمد و آل محمد و بارک علی محمد و آل محمد
و ترحم علی محمد و آل محمد کما صلیت و بارکت
و ترحمت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید
اما آن یک امری که مکروهست اقعا است در حال
تشهد و معنی اقعا آنست که در محنت سجود مند

شد

شد فصل پنجم در بیان آنچه تعلق به تسلیم
دارد و آن هفده امرست پنج امر واجب و دوازده
امر سنت اما آن پنج امر واجب اول نشستن بقدر
تسلیم دوم در تلفظ نمودن بقدر آن سیم السلام
علیکم و رحمة الله و برکاته چهارم آنکه تسلیم
را بعد از فارغ شدن بجای آورد پنجم آنکه چنان بگوید
که خود بشنود اگرچه بتقدیر باشد اما آن دوازده
امری که سنتست اول تورک نمودن بطریقی نور
نمودن در تشهد دویم کفها را بر رانها گذاشتن
سیم انگشتان را بهم چسبانیدن چهارم قصد
بیرون آمدن از نماز کردن پنجم قصد سلام
بر انبیا و ائمه و ملائکه و جمیع مومنین بر ماموم
در ضمن مومنین ششم قصد کردن ماموم
سلام بر پیش نماز در ضمن مومنین هفتم بلند
گفتن پیشنماز سلام را هشتم آهسته گفتن

مأمومین از او منفرد مخیّر است نهم آنکه پیشانی
ومأمومین در وقت سلام دادن بجانب روی
اشاره کند دهم آنکه مأموم نوبت دیگر
بجانب چپ سلام دهد اگر در جانب چپ او شخصی
باشد وبعضی دیوار را درین مقام قایم مقام
شخصی دانسته اند یازدهم آنکه منفرد در وقت سلام
دادن بگوشهٔ چشم بجانب راست اشارت کند دوازدهم
چون مصلّی از نماز فارغ شود سنّت که بتعقیب
اشتغال نماید اوّل تعقیب سه نوبت الله اکبر گفتن است
ودر هر نوبت دستها را نزدیک گوش برساند و بعد از آن
بگوید لا اله الّا الله الهاً واحداً ونحن له مسلمون
لا اله الّا الله لا نعبد الّا ایّاه مخلصین له الدّین
ولو کره المشرکون لا اله الّا الله ربّنا وربّ آبائنا
الاوّلین لا اله الّا الله وحده وحده وحده صدق
وعده ونصر عبده واعزّ جنده وهزم الاحزاب

وحده فله الملک وله الحمد یحیی ویمیت ویمیت ویحیی
وهو حیّ لا یموت بیده الخیر وهو علی کلّ شیء
قدیر اللّهمّ اهدنی من عندک وافض علیّ من
فضلک وانشر علیّ من رحمتک وانزل علیّ من برکاتک
سبحانک لا اله الّا انت اغفر لی ذنوبی کلّها جمیعاً
الّا انت اللّهمّ انّی اسئلک من کلّ خیر احاط به
علمک واعوذ بک من کلّ شرّ احاط به علمک
اللّهمّ انّی اسئلک عافیتک فی جمیع اموری کلّها
واعوذ بک من خزی الدّنیا وعذاب الآخرة واعوذ
بوجهک الکریم وسلطانک القدیم وعزّتک
الّتی لا ترام وقدرتک الّتی لا یمتنع منها شیء
من شرّ الدّنیا والآخرة ومن شرّ الاوجاع کلّها
لا حول ولا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم توکّلت
علی الحیّ الّذی لا ینام ولا یموت وقل الحمد لله
الّذی لم یتّخذ ولداً ولم یکن له شریک فی الملک

وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیراً بعد ازان
تسبیح حضرت فاطمه علیها السلم بجای اورد وان سی و
چهار نوبت الله اکبر است و سی سه نوبت الحمد لله
و سی و سه نوبت سبحان الله و از امام جعفر صادق
علیه السلم منقولست که تسبیح حضرت فاطمه زهرا
علیها السلم در شبانه روزی بعد از هر نماز فریضه
دوستر است نزد من از هزار رکعت نماز و باید که
بعد از تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلم سوره
توحید دوازده نوبت بخوانند و بعد ازان دستها
را کشاده این دعا بخوانند که اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ
بِاسْمِکَ الْمَکْنُونِ الْمَخْزُونِ الطَّاهِرِ الطُّهْرِ
الْمُبَارَکِ وَاَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ وَسُلْطَانِکَ
الْقَدِیمِ یَا وَاهِبَ الْعَطَایَا یَا مُطْلِقَ الْاُسَارٰی
یَا فَکَّاکَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ اَسْئَلُکَ
اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِی

الهی انت مقصودی و رضاک مطلوبی یا اله العالمین
۳۱۱
۱۳۲۵

مِنَ النَّارِ وَاَنْ تُخْرِجَنِی مِنَ الدُّنْیَا سَالِماً وَتُدْخِلَنِی الْجَنَّةَ
اٰمِناً وَاَنْ تَجْعَلَ دُعَائِی اَوَّلَهُ فَلَاحاً وَاَوْسَطَهُ نَجَاحاً
وَاٰخِرَهُ صَلَاحاً اِنَّکَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ بعد ازان
سجده شکر بجای اورد و ثواب ان بسیار است
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که
شخصی که سجده شکر بجای اورد و وضو داشته
باشد خدای تعالی ثواب ده نماز باو میدهد
و گناه عظیم باو می بخشد و باید که پیشانی را
در وقت سجده بر خاک گذارد و اگر خاک کربلا باشد
افضل است و ساق دستها و سینه و شکم را
بزمین برساند و این دعا بخواند که اَللّٰهُمَّ اِنِّی
اُشْهِدُکَ وَاُشْهِدُ مَلٰئِکَتَکَ وَاَنْبِیَائَکَ وَرُسُلَکَ
وَجَمِیعَ خَلْقِکَ اَنَّکَ اللّٰهُ رَبِّی وَالْاِسْلَامُ دِینِی وَ
مُحَمَّداً نَبِیِّی وَعَلِیَّ ابْنَ اَبِی طَالِبٍ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَیْنَ
وَعَلِیَّ ابْنَ الْحُسَیْنِ وَمُحَمَّداً وَجَعْفَراً وَمُوسٰی بْنَ

ومحمّدا وعلیّا والحسن والمهدیّ الهادی صلواتک
علیهم ائمّتی بهم اتولّی ومن عدوّهم اتبرّا
بعد ازان سه نوبت بکوید اللّهمّ استدرک
دم المظلوم بعد ازان بکوید اللّهمّ انّی
انشدک بایوائک علی نفسک لاولیائک لتظفرنّهم
بعدوّک وعدوّهم ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد
وعلی المستحفظین من آل محمّد صلّی الله علیه وآله
بعد ازان سه نوبت بکوید که اللّهمّ انّی
اسألک الیسر بعد العسر بعد ازان جانب روی
راست بر زمین نهد وبکوید یا کهفی حین تعیینی
المذاهب وتضیق علیّ الارض بما رحبت یا باری
خلقی رحمة لی وکان عن خلقی غنیّا
صلّ علی محمّد وآل محمّد وعلی المستحفظین من
آل محمّد صلّی الله علیه وآله بعد ازان جانب چپ
رو را بر سجده گاه نهد وسه نوبت بکوید یا مذلّ

کلّ جبّار ویا معزّ کلّ ذلیل قد وعزّتک بلغ بی مجهودی
بعد ازان سه نوبت بکوید یا حنّان یا منّان یا کاشف
الکرب العظام بعد ازان نوبت دیکر پیشانی را بر
سجده گاه نهد وصد نوبت بکوید شکرا شکرا
بعد ازان حاجت خود را از خدای تعالی بطلبد
سر از سجده بر دارد ودست راست را سه نوبت
بر سجده گاه گذارد وهر نوبت بر جانب چپ وپیشانی
وجانب راست رو بمالد وبکوید بسم الله
الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة الرحمن
الرحیم اللّهمّ انّی اعوذ بک من الهمّ والحزن
والسقم والعدم والصغار والذلّ والفواحش
ما ظهر منها وما بطن **مقدمه دوم** در بیان نماز
جمعه است وبدانکه میان مجتهدین در وجوب
نماز در زمان غیبت حضرت امام علیه السلام خلافست
واصحّ آنست که مکلف مخیّر است میان گذاردن نماز

جمعه و نماز ظهر امّا چون ثواب نماز جمعه بیشتر از
نماز ظهر است اولی انست که بجای نماز ظهر نماز
جمعه گذارده شود و اگر کسی خواهد که بجهت احتیاط
نماز ظهر را بعد از ان بگذارد جایز است و از ان منع
نیست و نماز جمعه دو رکعتست مثل نماز صبح و از هشت
کس نماز ساقط میشود اول زن دوم بنده سیّم مسافر
چهارم کور پنجم پیر عاجز ششم بیمار عاجز هفتم
شل که از راه رفتن عاجز باشد هشتم هر کسی که از ان
تا جایی که نماز گذارده میشود زیاده بر دو فرسخ باشد
اگر کسی ازین دو جماعت غیر از زن حاضر شود نماز جمعه از او
ساقط نمیشود و انچه بنماز جمعه تعلّق دارد سی امر است
نه امر واجب و بیست و یک امر سنّت امّا نه امر واجب
اول ملاحظه نمودن وقت نماز جمعه است و وقت ان از
زوال افتاب تا وقتی که سایه که بعد از زوال حاصل
میشود مساوی شاخص شود و بعضی از مجتهدین

برانند

برانند که وقت نماز جمعه مثل نماز ظهر است دوم انکه
بجماعت گذارند اگر چه فرادی نماز جمعه حرامست سیم
انکه جماعتی که نماز میگذارند کمتر از پنج نفر نباشند که یکی
از ایشان پیشنماز است چهارم انکه پیشنماز یا غیر قبل
از نماز جمعه دو خطبه بخواند که هر یک ازین دو خطبه
مشتمل باشد بر حمد و ثنای خدای تعالی و صلوات
بر حضرت پیغمبر صلّی الله علیه و آله و سلّم و وعظ خواندن
و یک سوره کوتاه یا یک ایه تمام الفایده پنجم انکه
خطیب در وقت خطبه خواندن ایستاده باشد ششم
انکه وضو داشته باشد هفتم انکه هر دو خطبه را
به پنج نفر از حاضران یا زیاده بشنواند هشتم انکه
ما بین دو خطبه لمحه بنشیند نهم انکه هرگاه
دو جماعت در دو جا نماز کنند جمعه واجبست که میانه
ایشان کمتر از یکفرسخ یا زیاده فاصله بوده باشد
پس اگر میان ایشان کمتر از یکفرسخ باشد و ایشان هر دو

یکبار شروع در نماز کرده باشند نماز هر دو باطلست و
الا نماز سابق صحیح است و نماز لاحق باطلست واما ان بیست
و یک امری که سنت است و تعلق بنماز جمعه دارد اول غسل
کردن جمعه جنانکه در باب طهارت مذکور شد دوم سر تراشیدن
و سر بخطمی شستن سیم محاسن شانه کردن جهارم
ناخن جیدن پنجم سبیل کرفتن ششم بهترین و پا
کیزه ترین رخوت پوشیدن هفتم خود را به بوی خوش
معطر ساختن هشتم قبل از زوال بمسجد رفتن نهم
انکه جماعتی که در زندان باشند رخصت کنند که بنماز
جمعه حاضر شوند بعد از ان اکر حبس کردن ایشان حبس
الشرع باشد ایشانرا بزندان باز کرداند دهم خطیب عادل
باشد یازدهم انکه فصیح و بلیغ باشد دوازدهم انکه در وقت
خطبه خواندن بر شمشیری یا بر کمان یا بر عصا تکیه کند
سیزدهم انکه جون بر منبر براید بر حاضران سلام کند
جهاردهم انکه جون سلام کند اندکی به نشیند که موذن

اذان

اذان بکوید بعد از ان شروع در خطبه نماید پانزدهم
انکه در خطبه بسیار طول نکند شانزدهم انکه حاضران
در وقت خطبه خواندن حرف نزنند هفدهم انکه
حاضران متوجه شنیدن خطبه باشند و بعضی
از مجتهدین این را واجب میدانند هیجدهم انکه بنشتان
دو رکعت اول قبل از رکوع جنانکه در بحث قنوت
مذکور شد نوزدهم انکه جهر نماید در قران و قنوت
و ذکر رکوع و سجود و تشهد و تسلیم بیستم نافله
جمعه کذاردن قبل از نماز جمعه و ان بیست رکعت است
هر وقت از روز که تواند کردن و افضل انست که شش
رکعت را بعد از طلوع افتاب باندک زمانی و شش
رکعت را قبل از زوال باندک زمانی و دو رکعت را
بعد از زوال مقصد سیم در نماز عیدین یعنی نماز
عید رمضان و عید قربان و این نماز واجبست بر جماعتی
که نماز جمعه بر ایشان واجبست هر کاه امام ظاهر باشد

ودر زمان غیبت سنّت است حتّی بآن جماعتی که نماز جمعه
از ایشان ساقط است وافضل انست که بجماعت گذارده
شود وان دو رکعت است بطریق نماز صبح ودر رکعت
اوّل پنج تکبیر قبل از رکوع بگوید بعد از هر تکبیر قنوت
کند ودر رکعت دوّیم چهار تکبیر بهمان طریق بجای
آورد امّا انچه باین نماز تعلّق دارد بیست ویک امر است
شانزده امر واجب وپنج امر مکروه امّا ان شانزده امر واجب
اوّل ملاحظه نمودن وقت است وان از طلوع آفتاب
است تا زوال دوّیم غسل کردن سیّم خود را
معطّر کردن چهارم پیاده وپای برهنه ذکر
گویان بمصلّی رفتن پنجم زنان نیایند بمصلّی بردن
بطریق نماز جمعه ششم نماز بجماعت کردن هفتم
خواندن سوره سبّح اسم در رکعت اوّل ودر رکعت
ثانی والشّمس هشتم بلند خواندن فاتحه وسوره
نهم این دعا را در قنوت خواند که اللّهمّ اهل

الکبریاء والعظمة واهل الجود والجبروت واهل
العفو والرحمة واهل التقوی والمغفرة واسئلک
بحقّ هذا الیوم الّذی جعلته للمسلمین عیدًا ولمحمّد
صلّی الله علیه واله ذخرًا ومزیدًا ان تصلّی علی محمّد
وال محمّد وان تدخلنا فی کلّ خیرٍ ادخلت فیه محمّدًا
وال محمّدٍ صلواتک علیه وعلیهم اللّهمّ انّا نسئلک
خیر ما سألک عبادک الصّالحون دهم انکه
نماز بر روی زمین بی حایل واقع شود یازدهم
دو خطبه بعد از نماز خواندن بطریقی که در نماز
جمعه مذکور شد دوازدهم انکه اگر عید رمضان
باشد خطیب در اثنای خطبه اداب فطره را بمردم بیان
کند واگر عید قربان باشد اداب قربان دادن را بیان
کند سیزدهم انکه خطیب خطبه را ایستاده بخواند
چهاردهم این نماز در صحرا واقع شود مگر مکّهٔ معظّمه
پانزدهم انکه در وقت بر گشتن از مصلّی از راه دیگر بر گردند

اما آن پنج امر که مکروه است اول حرف زدن در اثنای
خطبه خواندن دویم سفر کردن بعد از طلوع فجر
و قبل از نماز عید سیم سلاح بسته به مصلی درآمدن
چهارم نافله گذاردن پیش از نماز و بعد از نماز
حتی تحیت مسجد مگر تحیت مسجد حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم پنجم منبر مسجد را به صحرا
بردن و سنت است که اگر عید رمضان باشد قبل
از رفتن به مصلی چیزی خوردن و اگر عید قربان باشد
بعد از برگشتن چیزی خوردن مقصد چهارم در بیان
نماز طواف خانه کعبه و آنچه بآن متعلق است
چهار امر است دو امر واجب و دو امر سنت اما دو
امر واجب اول اگر طواف واجب باشد این نماز را
در پس مقام ابراهیم گذارد یا در یکی از دو جانب
آن و اگر طواف سنت باشد در هر جا از مسجد
الحرام که او خواهد بگذارد دوم نماز را بعد از طواف

وقبل

و قبل از شروع در سعی بگذارند و آن دو امر سنت سیم
خواندن سوره قل یا ایها الکافرون در رکعت اول
و در رکعت دویم سوره توحید چهارم آنکه بی فاصله
بعد از طواف نماز بگذارد مقصد پنجم در باب نماز آیات
یعنی کسوف و خسوف و زلزله و هر امر آسمانی که موجب
خوف باشد مثل بادهای سیاه و سرخ و مانند
آن و این نماز دو رکعت است و در رکعت اول پنج رکوع را
واجب است باین طریق که بعد از تکبیر احرام فاتحه و سوره
بخواند و برکوع رود تا پنج نوبت و بعد از سر برداشتن
از رکوع پنجم دو سجده بجای آورد و رکعت دویم
را نیز باین طریق بگذارد و بعد از تشهد سلام دهد
و این نماز را باین صورت بجا آوردن افضل است
و جایز است که در هر رکعت بعد از فاتحه یک
آیه از سوره بخواند و برکوع رود و همچنین تا رکوع
پنجم سوره تمام شود و اول وقت نماز خسوف

وکسوف ابتداء کرفتن افتابست یا ماهتاب واخر
وقت از شروع در انجلاست وسید مرتضی رحمه
الله اخر وقت را انجلا میدانند واکر شخصی این نماز
را در وقت ترک کند از روی عمد پس اکر تمام قرص افتاب
یا ماه کرفته باشد قضای ان واجبست واکر بعضی
کرفته باشد قضا ندارد وبعضی از مجتهدین
قضا را واجب میدانند خواه تمام قرص کرفته باشد
وخواه بعضی و نماز زلزله در تمام عمر اداست ودر
باد سیاه وسرخ وامثال ان بعضی از مجتهدین
بر انند که اکر وقت نماز در ان نکنجد نماز ساقط است
وبعضی بر انند که ساقط نمیشود وبعضی بر انند
که اکر وقت کنجایش طهارت ویک رکعت نماز داشته
باشد نماز واجبست والا ساقط است اما هشت
امر است که باین نماز متعلق است اول جهر نمودن
مصلی در قرائت خواه در روز واین نماز واقع شود

خواه

وخواه در شب دویم خواندن سورهای طویل مثل
سورهای کهف وسوره انبیا هرگاه داند که
وقت کنجایش ان دارد سیم الله اکبر کفتن بعد
از سر بر داشتن از هر رکوع مکر رکوع پنجم ودهم
که انجا سمع الله لمن حمده بکوید چهارم قنوت کردن
بعد از رکوع پنجم ودهم پنجم این نماز را در
مسجد کذاردن جایی که سقف نداشته باشد ششم
مقدار زمان هر یک از رکوع وسجود وقنوت
مساوی زمان قرائت باشد هفتم انکه بجماعت
کذارده شود خواه همه قرص کرفته باشد وخوا
بعضی وشیخ ابن بابویه بر انست که اکر همه قرص
کرفته نشده باشد بجماعت کذاردن جایز نیست
هشتم انکه اکر قبل از تمام انجلا از نماز فارغ شوند
نماز را اعاده کنند وسید مرتضی علیه الرحمه بر انست
که اعاده نماز بر ان واجبست و بر انکه اکر وقت بکی

از نمازهای یومیه جمع شود و وقت گنجا هر دو
داشته باشد درین صورت مکلف مخیرست
در تقدیم هر کدام که خواهد و اگر وقت یکی
موسع باشد و وقت یکی مضیق تقدیم آنکه وقت او شد
مضیق است نماید و اگر وقت نسبت بهر یک مضیق
باشد واجبست تقدیم نماز یومیه و همچنین اگر
این نماز جمع شود بنماز میت یا نماز طواف خانه
کعبه اگر واجب و اگر در اثنای این نماز وقت
یکی از نمازهای یومیه داخل شود جایز است
که این نماز را قطع کند اگر وقت تنگ نباشد و بنماز
یومیه مشغول شود و چون سلام دهد این
نماز را از آنجا که قطع کرده باتمام رساند مقصد
ششم در نماز میت این نماز واجب کفائیست یعنی
هرگاه یک شخص بگذارد از همه کس ساقط میشود
و نماز کردن بر میت وقتی واجبست که آن میت

مسلمان باشد یا در حکم مسلمان مثل اطفال
مسلمانان بشرط آنکه شش ساله تمام کرده باشد
و اگر کمتر از دو ساله داشته باشد نماز برایشان مستحبست
و کیفیت این نماز آنست که مصلی بعد از تکبیر احرام بجای
آوردن بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا
شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله باز تکبیر
دویم بگوید و این دعا بخواند اللهم صل علی
محمد وآل محمد وبارک علی محمد وآل محمد وترحم
علی محمد وآل محمد کافضل ما صلیت وبارکت
وترحمت علی ابراهیم وآل ابراهیم انک حمید مجید
باز تکبیر سیم بگوید اللهم اغفر للمؤمنین والمؤ
منات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم و
الاموات تابع بیننا وبینهم بالخیرات انک مجیب
الدعوات انک علی کل شیء قدیر و باز تکبیر چهارم
بجای آورد پس اگر مؤمن باشد بگوید اللهم ان

هذا عبدك وابن عبدك وابن امتك وانت خير
منزول به اللهم انا لا نعلم منه الا خيرا وانت
اعلم به منا اللهم ان كان محسنا فزد في احسانه
وان كان مسيئا فتجاوز عن سيئاته واحشره مع
من كان يتولاه من الائمة المعصومين واگر میت
مخالف باشد بجای این بگوید اللهم املأ جوفه
نارا وقبره نارا وسلط عليه الحيات والعقارب
اگر میت مستضعف باشد یعنی مذهب حق را نداند
و عناد نداشته باشد بعد از تکبیر چهارم بگوید
اللهم اغفر للذين تابوا واتبعوا سبيلك وقهم عذاب
الجحيم واگر اعتقاد میت را مطلق نداند بعد از تکبیر
چهارم بگوید اللهم هذا النفوس وانت احييتها وا
امتها ولها ما تولت واحشرها مع من احبت
واگر میت طفل باشد بعد از تکبیر چهارم بگوید
اللهم اجعله لابويه ولنا سلفا وفرطا واجرا

واگر میت

واگر میت زن مؤمنه باشد بعد از تکبیر چهارم بگوید
اللهم امتك وبنت عبدك وبنت امتك نزلت بك
انت منزول بها اللهم انا لا نعلم منها الا خيرا
وانت اعلم بها منا اللهم ان كانت محسنة فزد
في احسانها وان كانت مسيئة فتجاوز عنها
واحشرها مع من كانت تتولاها من الائمة الطا
هرين وآخر نماز میت تکبیر پنجم است وبآن ختم
میشود تتمه آنچه باین نماز دارد بعد از پنج
تکبیر و دعاها نوزده امر است چهار امر واجب و دوازده
امر سنت و سه امر مکروه اما چهار امری واجب
اول آنکه سر میت در وقت نماز کردن بجانب راست
مصلی باشد واگر بخلاف این ظاهر شود اعاده
نماز واجب است دویم آنکه میت را در آن وقت بر پشت
بخوابانند نه بر پهلو واگر خلاف ظاهر شود
اعاده نماز واجب سیم آنکه مصلی از تابوت بسیار دور

دور نباشد چهارم انکه نماز کذاردن بعد از غسل
و تکفین باشد بدانکه انچه در این نماز مجزیست
و کمتر از ان مجزی نیست که بعد از نیت تکبیر احرام
اشهد ان لا اله الا الله محمدا رسول الله بکوید
و بعد از تکبیر دویم بکوید اللهم صل علی محمد و ال
محمد بکوید بعد از تکبیر سیم اللهم اغفر للمؤمنین
والمؤمنات و بعد از تکبیر دعای میت بجای اورد
و به تکبیر پنجم ختم کند اما ان دوازده امری که در این
نماز سنتست اول انکه مصلی متطهر باشد دویم انکه
پیشنماز محاذی کمر میت باشد اگر میت مذکر باشد
و محاذی سینه میت ایستد اگر میت زن باشد
سیم کفش را از پای بیرون کند چهارم انکه نزدیک
ایستادن بحیثیتی که اگر بادی وزد دامن مصلی
بتابوت رسد پنجم انکه مصلی نزد هر یک از تکبیرات
دستها نزدیک کوش برساند ششم انکه این نماز

بجماعت کذارند هفتم انکه اگر ماموم همین یک کس
باشد در پس پیشنماز ایستد اما در غیر ان نماز سنت
که در جانب راست پیشنماز ایستد هشتم ایستادن
در صف اخر جماعت که ثواب ان بیشتر است نهم
نماز کذاردن بر طفلی که کم از دو ماه داشته باشد
بشرط انکه زنده از رحم مادر جدا شده باشد اما
اگر در رحم زنده باشد و مرده جدا شود نماز بر او سنت
نیست دهم انکه نماز میت را در روز کذارند اگر عذری
نباشد یازدهم انکه مرده را بجانب مصلی کذارند و زن
را بجانب قبله اگر زن و مرد میت جمع شوند بنوعی که سینه
محاذی کمر مرد بوده باشد و اگر طفلی که کمتر از شش ساله
باشد با ایشان جمع شود موخر کذارند و بر هر سه
یک نماز جایز است و دعا بجهت هر یک بطریقی که مذ
کور شد بفعل اورند و اگر هر سه را در یک دعا شریک
هم جایز است مثل انکه کوید اللهم ارحم هؤلاء

الاولی دوازدهم آنکه چون از نماز فارغ شود پیشنماز
در مکان خود بنشیند تا تابوت را بردارند و اما آن
سه امر که مکروه هست اول نماز گذاردن در مسجد بر میت
دویم فاتحه و سوره خواندن هرگاه تقیه نباشد
سیم سلام دادن در آخر این نماز در وقتی که
نباشد و بعضی از مجتهدین سلام دادن در آخر این
نماز مکروه نمیدانستند و این نماز را جنب و زن حائض
میتواند کرد چنانکه در باب طهارت مذکور شد
مقصد هفتم در بیان نمازی که بنذر واجب میشود
آنست که کیفیت نمازهای متعارف شرع پس اگر نذر
کند که پنج رکعت نماز بیک سلام بگذارد یا دو رکعت
بچهار رکوع آن نذر باطلست و اگر نذر کند که سه رکعت
بیک سلام بگذارد در صحت این نذر خلافست و اصح
آنست که صحیح است و اگر نذر کند که نماز عید را
یا نماز را در غیر وقت عید و کسوف بگذارد اولی عدم

صحتست اگر شخصی نماز واجب مثل یکی از نمازهای
یومیه را نذر کند نذر او صحیح است و وجوب آن
مؤکد میشود پس اگر بجا نیاورد کفاره بر او لازم است
و مقدار کفاره در باب نذر مذکور خواهد شد
انشاء الله تعالی چون کفاره دهد مخالفت نذر تخفیف
می یابد و اگر شخصی نذر دو رکعت نماز از نمازهای
نافله کند بعضی از مجتهدین را مذهب آنست که
واجبست که در هر رکعت بعد از فاتحه سوره بخواند
هر چند در نافله سوره واجب نیست و اگر شخصی نذر
کند که هر روز دو رکعت نماز بگذارد مثلا یکروز عمدا
ترک کند نذر او برطرف میشود و لازم نیست که دیگر
بگذارد اما کفاره نذر لازم است و اگر شخصی نذر کند
که سجده بجای آورد نذر او صحیح است اما اگر نذر
کند که رکوعی یا تکبیر احرامی بجای آورد آن نذر
باطلست مقصد هشتم در نمازهای که باجاره واجب

باشد واجبست که وصیت کند که شخصی را اجاره
کند که نمازی که در ذمهٔ اوست بگذارد و آن
وقتیست که آن شخص پسر نداشته باشد که اگر
پسر دارد قضای نماز پدر بر او لازمست چنانکه
بعد از این مذکور خواهد شد و بر پدر واجبست
که پسر را بران مطلع سازد و چون شخصی را جهت
قضای نماز میت اجاره کنند وجه اجاره را از ثلث
متروکات اخراج کنند و اگر وصیت نکند
بر ورثه لازم نیست که اخراج کنند و بعضی از مجتهدین
برآنند که وجه اجارهٔ حج از اصل ترکهٔ او بیرون
باید کرد خواه میت وصیت کند و خواه نکند و شخصی
را که اجاره میگیرند که نماز از جهت میت بگذارد
میباید که مسایل ضروری نماز را بداند و عادل
باشد و عاجز از بعضی افعال چون قیام و غیره
نباشد و واجب نیست که بعد از وقوع اجاره علی

الفور بآن اشتغال نماید یا اکثر اوقات بآن مشغول
باشد بلکه همین قدر کافیست که بعضی از اوقات
بجا آورد بحیثیتی که در عرف گویند که بآن اشتغال
دارد و کاهی نمیکند و جایز است که دو شخص را زیاده
بجهة نماز یک شخص اجاره گیرند اما وقت نماز هر یک
از آن جماعت میباید که معین باشد تا دیگری در آن
وقت بقضای نماز آن میت اشتغال دارد و کاهی
نمیکند و جایز است که دو شخص را زیاده بجهة نماز
یک شخص اجاره گیرند اما وقت نماز هر یک از آن
جماعت میباید که معین باشد تا دیگری در آن
وقت بقضای نماز آن میت اشتغال نماید و نماز
او بی ترتیب شود چون مرد را خود بجهة قضای
زن باجاره دهد مخیر است میانه جهر و اخفات
و همچنین اگر زن خود را بجهة قضای مرد باجاره
دهد بشرط آنکه نامحرم آواز او را نشنود به تفصیلی

که قبل از این مذکور شد **مقصد سیم** در نمازهای که
از پدر شخصی فوت شده باشد قضا کند پسر و شرط
اول انکه میت را پسر بزرگتر از او نباشد زیرا که بر پسر کوچک
واجب نیست اما اگر دو پسر داشته باشد یا زیاده
که همه در سن برابر باشند واجبست که نماز پدر را
بالسویه قضا کنند و اگر یک نماز از او باقی بماند
مثل انکه چهار پسر از او باقی ماند و پنج نماز از او
فوت شده باشد در این صورت قضای ان نماز
بر ایشان واجب کفاییست یعنی هر کدام بجا اورند
از دیگری ساقط میشود **دویم** انکه پدر وصیت
نکرده باشد که شخصی را غیر پسر بزرگتر ساقط است
و بعضی از مجتهدین شرط ثالث کرده اند وان انست
که ان نماز بواسطه بیماری یا عذری از پدر فوت
شده باشد پس اگر عمداً بی عذری از او فوت شده باشد
بر پسر قضای ان لازم نمیباشد و بعضی دیگر شرط

رابع

رابع کرده اند وان انست که پسر بزرگتر در وقت فوت پدر
عاقل باشد یا مجنون قضای نماز پدر بر او واجب نمیباشد
بعد از بلوغ و عقل بر او واجب نمیباشد **مطلب دوم**
در نمازهای سنتی و انواع ان بسیار است و از این
کتاب از انجمله بیست و چهار نماز مذکور شد **اول**
نافلهاء یومیه است که هر که شبانه روز این نماز را بکند
سنت است وان سی و چهار رکعت است هشت رکعت نافله پیشین
است مقدم بر ظهر و هشت رکعت نافله عصر است مقدم
بر عصر و چهار رکعت نافله شام است بعد از ان و دو رکعت
نشسته که بیک رکعت حساب است که انرا وتیره گویند نافله
خفتن است بعد از خفتن و هشت رکعت نماز شب و دو
رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر است و دو رکعت نافله
صبح است و اول وقت نافله ظهر زوال افتابست و آخر
ان وقتیست که سایه شاخص بمقدار دو قدم بر سایه
وقت زوال افزاید در شهری که وقت زوال شخص را سایه

باشد و در شهری که در وقت زوال سایه معدوم
باشد آخران وقتیست که سایه بعد از عدم بدو قدم
برسد و مراد از قدم هشت یک شاخص است و اول
وقت نافله عصر فارغ شدن از نماز ظهر است که در اوایل
وقت گذارده میشود و آخران وقتیست که سایه شخص
بمقدار چهار قدم برسد و اول وقت نافله مغرب
وقتی است که فارغ شود از نماز مغرب که در اول وقت
گذارده میشود و آخران برطرف شدن آن سرخی است
که در جانب مغرب است و اول وقت نافله خفتن
است فارغ شدن از نماز خفتن که در اول وقت
گذارده میشود و آخران نصف شب و وقت نماز
شب از نصف شبست تا طلوع صبح دوم و هرچند
بفجر دوم نزدیکتر باشد افضلست و اگر بعد از گذاردن
چهار رکعت فجر دوم طالع شود و چهار رکعت
باقی را مخفف بگذارد و اگر قبل از اتمام چهار رکعت

طالع

طالع شود نافله را قطع کند و بنماز صبح مشغول
شود و جایز است که نماز شب را در اول شب بگذارد
هرگاه بترسد که در نصف باقی شب بیدار نشود
و وقت نماز شفع و وتر فارغ از نماز شبست و افضل آنست که
شفع و وتر را در مابین فجر اول و فجر ثانی بجای آورد
و وقت نافله صبح بعد از فارغ شدن از نماز شفع و وتر
و وقت آن میکشد تا وقت پیدا شدن حمره مشرق
و ادعیه و آداب نوافل یومیه بسیار است اما آنرا
در کتاب مفتاح الفلاح بتفصیل مذکور ساختیم
و در این کتاب آنچه اهم است مذکور میسازیم بدانکه
چون زوال آفتاب متحقق شود یعنی وقت ظهر
داخل شود باید که این دعا را که حضرت امام محمد باقر
صلوات الله علیه تعلیم محمد بن مسلم داده و فرموده
که محافظت کن بر آن چنانکه محافظت میکنی بچشمهای
خود بخوانند و آن اینست سُبحانَ اللهِ وَلا اِلهَ

الا الله و الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن
له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا
بعد از ان وضو سازد و شروع در نافله ظهر کند
و در رکعت اول سبعه افتاحیه را با ادعیه ان بطریقی
که در فصل تکبیر احرام مذکور شد بجای اورد و بعد از ان
فاتحه و سوره قل هو الله احد بخواند و در رکعت دویم
بعد از فاتحه سوره قل یا ایها الکافرون بخواند
بس سلام دهد و بعد از ان سه تکبیر بکوید و تسبیح
حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بجای اورد و بس این
دعا بخواند اللهم انی ضعیف فقو فی رضاک ضعفی
و خذ الی الخیر بناصیتی و اجعل الایمان منتهی رضای
و بارک لی فیما قسمت لی و بلغنی برحمتک کل الذی
ارجوا منک و اجعل لی ودا و سرورا للمومنین و عهدا
عندک بس دو رکعت دیگر نافله ظهر را بکذارد بطریقی
که ذکر شد سوای شش تکبیر افتاحیه و ادعیه ان

بس ان

بس ان دو رکعت دیگر نیز بجای اورد باین طریق و بعد
از هر دو رکعت از این شش رکعت انچه مشهور است از تعقیب
نماز بجای اورد و بعد از ان اذان ظهر بکوید و بعد از ان
دو رکعت دیگر بجای اورد نافله ظهر را باین تمام کند
و بعد از فارغ شدن از نماز ظهر و متعلقات آن
شروع کند در نافله عصر و در هر رکعت بعد از فاتحه
هر سوره که خواهد بخواند و چون از دو رکعت اول
فارغ شود این دعا بخواند اللهم انه لا اله الا انت
الحی القیوم العلی العظیم الحلیم الکریم الخالق
الرازق المحی الممیت المبدی البدیع لک الحمد و
لک المن و لک الکرم و لک الجود و لک الامر
وحدک لا شریک لک یا واحد یا صمد یا من لم
یلد و لم یکن و لم یولد و لم یکن له کفوا احد
و لم یتخذ صاحبة و لا ولدا صل علی محمد و آله
بس حاجت خود بخواهد و بعد از ان دو رکعت دیگر

دیگر نافله عصر را بگذارد بطریق دو رکعت اول بر این
دعا بخواند اللّهمّ ربّ السّموات السّبع وربّ
الارضین السّبع وما فیهنّ وما بینهنّ وما تحتهنّ
وهو ربّ العرش العظیم وربّ جبرئیل ومیکائیل
واسرافیل وعزرائیل وربّ السّبع المثانی والقرآن
العظیم وربّ محمّد خاتم النّبیّین صلّ علی محمّد
وآل محمّد واسئلك باسمك الاعظم الّذی به تقوم
السّموات والارض وبه یحیی الموتی ویرزق
الاحیاء وتفرّق بین المجتمع وتجمع بین المتفرّق
وبه احصیت عدد الآجال ووزن الجبال وکیل
البحار واسئلك یا من هو کذلك ان تصلّی علی
محمّد وآل محمّد پس حاجت خود بخواهد و دو رکعت
دیگر نماز کند از نافلهٔ عصر باین طریق و بعد از
این دعا بخواند اللّهمّ انّی ادعوك بما دعاك
به عبدك یونس اذ ذهب مغاضبا فظنّ ان

لن نقدر علیه فنادی فی الظّلمات ان لا اله الّا
انت سبحانك انّی کنت من الظّالمین فاستجبنا
له ونجّیناه من الغمّ وکذلك ننجی المؤمنین
فانّه دعاك وهو عبدك وانا ادعوك وانا
عبدك وسألك وهو عبدك وانا اسئلك و
انا ادعوك ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تستجیب عبدك
لی کما استجبت له وادعوك بما دعاك به
عبدك ایّوب اذ مسّه الضّرّ وانت ارحم الرّاحمین
فاستجبت له وکشفت ما به من ضرّ وآتیته اهله
ومثلهم معهم فانّه دعاك وهو عبدك وانا
ادعوك وانا عبدك وسألك وهو عبدك وانا
اسئلك وانا عبدك ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد
وان تفرّج عنّی کما فرّجت وتستجیب لی کما
استجبت له وادعوك بما دعاك به یوسف اذ
فرّقت بینه وبین اهله واذ هو فی السّجن فانّه

دعاك وهو عبدك وانا ادعوك وانا عبدك
وسألك وهو عبدك واسألك وانا عبدك
ان تصلي على محمد وال محمد وان تفرج عني كما
فرجت عنه وان تستجيب لي كما استجبت له
فصل على محمد وال محمد پس حاجت خود بخواهد
وبعد از ان دو رکعت دیگر با فلق عصر را بگذارد
واین دعا بخواند یا من اظهر الجميل وستر
القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة ولم يهتك الستر
يا كريم الصفح يا عظيم المن يا حسن التجاوز
يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا سامع
كل نجوى يا منتهى كل شكوى يا
مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها يا رباه يا رباه
يا رباه يا سيداه يا سيداه يا سيداه يا غاية
رغبتاه يا ذا الجلال والاكرام اسألك
بحق محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين

وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن
والمهدي صاحب الزمان صلوات الله وسلامه
عليهم اجمعين ان تصلي على محمد وال محمد وان تكشف
كربي وتغفر ذنوبي وتنفس همي وتفرج
غمي وتصلح شاني في ديني ودنياي وان تدخلني
الجنة ولا تشوه خلقي بالنار ولا تفعل بي
ما انا اهله برحمتك يا ارحم الراحمين پس اذان
واقامت بگوید از برای نماز عصر وبعد از نماز عصر
تعقیب بجای آورد وبعد از ان بگوید استغفر الله
الذي لا اله الا هو الحي القيوم الرحمن الرحيم
ذا الجلال والاكرام واسأله ان يتوب على
توبة عبد ذليل خاضع فقير بائس مسكين
مستكين مستجير لا يملك لنفسه ضرا ولا نفعا
ولا موتا ولا حيوة ولا نشورا اللهم
اني اعوذ بك من نفس لا تشبع ومن قلب لا

تخشع ومن علم لا ینفع ومن صلوة لا ترفع ومن دعا
لا یسمع اللهم انی اسئلک الیسر بعد العسر والفرج
بعد الکرب والرخاء بعد الشدة اللهم ما بنا
من نعمة فمنک وحدک لا اله الا انت استغفرک
واتوب الیک وسنت است که بعد از نماز عشی
هفتاد نوبت استغفار کند وسوره انا انزلناه
فی لیلة القدر ده نوبت بخوانند وبعد از ان دو
سجده شکر بجای اورد بطریقی که قبل ازین مذکور
شد وباید که اخر دعاهای که بعد از نماز عشا میخوانند
این دعا باشد اللهم انی وجهت وجهی الیک
واقبلت بدعائی علیک راجیا اجابتک طامعا
فی مغفرتک طالبا ما اوجبت به علی نفسک منجزا
وعدک اذ تقول ادعونی استجب لکم فصل
علی محمد وال محمد واقبل الی بوجهک وارحمنی
واستجب دعائی یا اله العالمین **فصل** چون

ودر

وقت نماز مغرب داخل شود باید که بی تاخیر متوجه
نماز مغرب شود بجهة انکه وقت او مضیق است چنانکه
قبل ازین مذکور شد بجای اورد وبعد از انکه نماز
مغرب بگذارد وتعقیب را چنانکه مذکور شد بجا اورد
وسه نوبت بگوید الحمد لله الذی یفعل ما یشاء
ولا یفعل غیره پس نافله مغرب را بگذارد واز ائمه معصومین
صلوات الله علیهم اجمعین مبالغه وتاکید در گذاردن
نافله مغرب بسیار است چنانچه از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلم روایت شده است که انحضرت فرمود
بحارث بن مغیره که ترک مکن چهار رکعت را بعد از
مغرب در سفر ودر حضر اگر چه گریخته باشی از اعدا
وایشان در عقب تو باشند ومکروه است حرف
زدن میانه نماز مغرب ونافلهان وهمچنین مکروه
است میانه چهار رکعت نافله مغرب وهرگاه فوت
شود وقت نافله مغرب قضا کند ان را همچون سایر

روایت وچون شروع در نافله مغرب کند هفت
تکبیر افتتاحیّه را با دعیّه سه گانه بخواند و در رکعت
اوّل بعد از حمد سوره قُل هُوَ اللهُ اَحَدٌ را سه نوبت
بخواند و در رکعت دوّیم سوره اِنَّا اَنزَلنَاهُ فِی لَیلَةِ
القَدرِ یکبار بخواند واگر خواهد در رکعت اوّل
سوره قُل یَا اَیُّهَا الکَافِرُونَ بخواند واگر خواهد
در رکعت اوّل سوره قُل هُوَ اللهُ اَحَدٌ بخواند واگر
در هر رکعت اکتفا بالحمد کند جایز است بمجانکه
در سایر نوافل و باید که قراءت در نافله مغرب
وجمیع نوافل شب بلند بخواند و بعد از فارغ
شدن از دو رکعت اوّل این دعا بخواند و بعد از
فارغ شدن از دو رکعت این دعا را بخواند که
اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ تَرَی وَلَاتُرَی وَاَنتَ بِالمَنظَرِ الاَعلَی
وَاِنَّ اِلَیکَ الرُّجعَی وَالمُنتَهَی وَاِنَّ لَکَ المَمَاتَ
وَالمَحیَی وَاِنَّ لَکَ الاٰخِرَةَ وَالاُولَی اَللّٰهُمَّ

٣٩

انا نعوذ بك ان نذل ونخزى وناتى ما عنه نهيت
اللّٰهم انّى اسالك ان تصلّى على محمّد وآل محمّد
واسئلك الجنّة برحمتك واستعيذ بك من
النّار بقدرتك واسئلك من الحور العين بعزّتك
وان تجعل اوسع رزقى عند كبر سنّى واحسن
عملى عند اقتراب اجلى واطل فى طاعتك وما يقرب
منك ويحظى عندك ويزلف لديك عمرى واحسن
فى جميع احوالى واموري معرفتى ولا تكلنى
الى احد من خلقك وتطول على قضاء جميع حوائجى
للدّنيا والاخرة وابدأ بوالدى وولدى
وجميع اخوانى المؤمنين فى جميع ما سالتك لنفسى
برحمتك يا ارحم الرّاحمين پس شروع در دو رکعت
دیگر از نافله مغرب و در رکعت اوّل از این
دو رکعت این چند آیت را از سوره حدید بخواند
بِسمِ اللّٰهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِیمِ

سبّح لله ما في السموات والارض وهو العزيز
الحكيم له ملك السموات والارض يحيي ويميت
وهو على كل شيء قدير وهو الاول والاخر
والظاهر والباطن وهو بكل شيء عليم
هو الذي خلق السموات والارض في ستة
ايام ثم استوى على العرش يعلم ما يلج في الارض
وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج
فيها وهو معكم اينما كنتم والله بما تعملون
بصير له ملك السموات والارض والى الله
ترجع الامور يولج الليل في النهار ويولج
النهار في الليل وهو عليم بذات الصدور
و در رکعت دوم اخر سوره حشر را بخواند لو انزلنا
هذا القران على جبل لرايته خاشعا متصدعا
من خشية الله وتلك الامثال نضربها
للناس لعلهم يتفكرون هو الذي لا اله الا

هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم
هو الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام
المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان
الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور
له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات
والارض وهو العزيز الحكيم و در سجده
اخر ازین دو رکعت هفت بار بگوید اللهم اني
اسئلك بوجهك الكريم واسمك العظيم و
ملكك القديم ان تصلي على محمد وال
محمد وان تغفر ذنبي العظيم انه لا يغفر العظيم
الا العظيم پس دو سجده شکر بجا آورد و بگوید
قبل ازین در دو سجده شکر مذکور شده
و در هریک شکرا شکرا شکرا بگوید کافیست
و بعد ازان دو رکعت نماز غفیله بگذارد و کیفیت
ان عنقریب مذکور خواهد شد و چون فارغ

از جانب مغرب بی طرف شود از برای نماز خفتن
اذان و اقامت بگوید و ادعیه پیش اذان و اقامت
و بعد اذان و اقامت را بجای آورد و چون از نماز
خفتن فارغ شود تعقیب بجا آورد نیز این دعا بخواند
اللّهمّ بحقّ محمّدٍ وآلِ محمّدٍ صلّ علی محمّدٍ وآلِ محمّدٍ
ولا تؤمنّا مکرک ولا تنسنا ذکرک ولا تکشف
عنّا سترک ولا تحرمنا فضلک ولا تحلل علینا
غضبک ولا تباعدنا من جوارک ولا تنقصنا
من رحمتک ولا تنزع منّا برکاتک ولا تمنعنا
عافیتک واصلح لنا ما اعطیتنا وزدنا من فضلک
المبارک الطیّب الحسن الجمیل ولا تغیّر ما بنا
من نعمتک ولا تؤیسنا من روحک ولا تهنّا
بعد کرامتک ولا تضلّنا بعد اذ هدیتنا
وهب لنا من لدنک رحمة انّک انت الوهّاب
بعد هر یک از فاتحه و قل هو الله احد و قل

اعوذ

اعوذ بربّ النّاس و قل اعوذ بربّ الفلق را ده نوبت
بخواند و بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الّا
الله والله اکبر ده نوبت اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد
و بعد از آن این دعا بخواند اللّهمّ افتح لی ابواب
رحمتک واسع علیّ من حلال رزقک ومتّعنی بالعا
فیة ما ابقیتنی فی سمعی و بصری و جمیع جوارحی اللّهمّ
ما بنا من نعمة فمنک لا اله الّا انت استغفرک و
اتوب الیک یا ارحم الرّاحمین پس دو سجده شکر بجا
آورد و بعد از آن دو رکعت وتیره نشسته بگزارد و
ایستاده نیز جایز است و هفت تکبیر افتتاحیه با اد
عیه ثلاثه نیز بجا آورد و در رکعت دوم بعد از آن فاتحه
و سوره توحید بخواند و بعد از فارغ شدن حاجت
خود بخواهد **فصل در بیان نماز شب** چون بنده مؤمن
از خواب بیدار شود اوّل چیزی که باید بکند آنست
که سجده کند پس بگوید در سجود یا بعد از سر برداشتن

از سجود الحمد لله الذی احیانی بعد ما اماتنی والیه
النشور الحمد لله الذی یرد علی روحی لاحمده وعبده پس
چون خواهد که شروع در نماز شب کند این دعا بخواند
اللهم انی اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة وآله
واقدمهم بین یدی حوائجی فاجعلنی بهم وجیها فی الدنیا
والاخرة من المقربین اللهم ارحمنی بهم ولا تعذبنی
بهم واهدنی بهم ولا تضلنی بهم وارزقنی بهم ولا
تحرمنی بهم واقض لی حوائجی الدنیا والاخرة انک علی
کل شیء قدیر وبکل شیء علیم پس افتتاح کند
رکعت اول از نماز شب بتکبیرات سبعه با ادعیه
وافضل است که در رکعت اول بعد از حمد سوره قل
هو الله احد سی نوبت بخواند ودر رکعت دوم سوره
قل یا ایها الکافرون را در شش رکعت دیگر
از نماز شب سورهای دراز مانند سوره انعام وکهف
وانبیا ویس واگر تنگ شود وقت از خواندن سورهای

دراز کافیست خواندن حمد وقل هو الله در هر رکعت
جایز است که اختصار بحمد تنها کند چون سایر نوافل
وبدانکه اتفاق کرده اند علمای ما قدس الله ارواحهم
بر اینکه قنوت همچنانکه سنتست در نمازهای واجبی
در هر دو رکعت از نوافل مگر رکعت دوم شفع که در او
قنوت نیست بلکه قنوت در رکعت سیم است که از او وتر
گویند چنانکه عنقریب مذکور میشود کافیست از قنوت
اینکه بگوید اللهم اغفر لنا وارحمنا وعافنا واعف عنا
فی الدنیا والاخرة انک علی کل شیء قدیر وسنت است
بلند خواندن قنوت واگرچه در نوافل روز باشد
وهمچنین سنت است تطویل قنوت خصوصا در نماز شب
واگرچه شب باشد که وقت آن وسیع است واز قنوتهای
متخیر که سزاوار است که در نماز واجب خوانده شود
این دعاست الهی کیف ادعوک وقد عصیتک وکیف
لا ادعوک وقد عرفت حبک فی قلبی وان کنت عاصیا

مددت اليك يدا بالذنوب مملوة وعلينا بالرجاء
ممدودة مولاي انت عظيم العظماء وانا اسير الاسراء و
انا الاسير بذنبي المرتهن بجرمي الهي لئن طالبتني بذنبي لا
طالبنك بكرمك وان طالبتني بجرمي لاطالبنك بعفوك
ولئن امرت بي الى النار لاخبرن اهلها اني كنت اقول
لا اله الا الله محمد رسول الله اللهم اذ انت الطاعة
تسرك والمعصية لا تضرك فهب لي ما يسرك واغفر لي ما يضرك
يا ارحم الراحمين وسنت است كه ميانه هر دو ركعت از هشت
ركعت نماز شب اين دعا بخواند اللهم اني اسئلك و لم
يسئل مثلك انت موضع مسئلة السائلين ومنتهى رغبة
الراغبين ادعوك ولم يدع مثلك وارغب اليك ولم يرغب الى مثلك
وانت مجيب دعوة المضطرين وارحم الراحمين واسئلك
بافضل المسائل وانجحها واعظمها يا الله يا رحمن يا
رحيم وباسمائك الحسنى وامثالك العليا ونعمك
التي لا تحصى وباكرم اسمائك واحبها اليك واشرفها

تمن

وباكرم

منك وسيلة واشرفها عندك منزلة واجزلها لديك ثوابا
واسرعها في الامور اجابة وباسمك المكنون الاكبر الا
عز الاجل الاكرم الذي تحبه وتهواه وترضى به
عمن دعاك وبكل اسم هو لك في التورية والانجيل
والزبور والقرآن العظيم وبكل اسم دعاك به حملة عرشك
ملائكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك
من خلقك ان تصلي على محمد وال محمد وان تعجل فرج
وليك وابن وليك وان تعجل خزي اعدائه بعد از آن
حاجت خود بخواهد وتسبيح فاطمه زهرا عليها السلام
بجا آورد وبعد از آن دو سجده شكر كند وبخواند
در يكي از آن دو سجده اين كه بحضرت امام زين العابدين
صلوات الله عليه بخواند الهي وعزتك وجلالك وعظمتك
لو اني منذ بدعت فطرتي من اول الدهر عبدتك دوام
خلود ربوبيتك بكل شعرة في كل طرفة عين
سرمد الابد بحمد الخلائق وشكرهم اجمعين

لكنت اذا اشكر اخفى نعمة من نعمك علي ولو انى كربت
معادن حديد الدنيا بانيابى وحرثت ارضها باشفا
ر عينى وبكيت من خشيتك مثل بحور السموات
والارضين دما وصديدا لكان ذلك قليلا في كثير
ما استوجبه فى عقوبتك پس ده نوبت بگويد يا الله يا
الله پس اين دعا بخواند صل على محمد وآله وارحمنى على
ذنبك دين نبيك ولا تزغ قلبى بعد اذ هديتنى وهب
لى من لدنك رحمة انك انت الوهاب وبعد از فارغ شدن
از هشت ركعت نماز شب واداب وادعيه آن شروع
كند در ركعت شفع ومفرده وتر وافضل اوقات آن
ما بين فجر اول ودوم ودر هر ركعت شفع بعد از حمد
سوره توحيد بخواند واگر خواهد در ركعت اول قل
اعوذ برب الفلق ودر ركعت دوم قل اعوذ برب الناس
بخواند وبعد از سلام دادن اين دعا بخواند الهى
تعرض لك فى هذا الليل المتعرضون وقصدك

فيه القاصدون واهل فضلك ومعروفك الطالبون
ولك فى هذا الليل نفحات وجوائز وعطايا ومواهب
تمن بها على من تشاء وتمنعها من لم تسبق له العناية
منك وها انا ذا عبدك الفقير اليك المؤمل فضلك
ومعروفك فان كنت يا مولاى تفضلت على من
خلقك وعدت عليه بعائدة من عطفك فصل
على محمد وآله الطيبين الطاهرين الخيرين الفاضلين
وجد على بطولك ومعروفك يا رب العالمين و
صلى الله على محمد خاتم النبيين وآله الطاهرين
الذين اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا ان
الله حميد مجيد اللهم انى دعوتك اعوذ بك كما
امرت فاستجب وعدك انك لا تخلف الميعاد پس
اشتغال نمايد بگزاردن مفرده وتر افتتاح كند
بتكبيرات سبعه وادعيه ثلاثه وبخواند در هر ركعت
بعد از حمد سوره توحيد را سه نوبت ومعوذتين

بس بردارد دستها را برابر رو و قنوت کند در حالتی
که بگوید و بگرید یا بنحو در او این دعا بخواند لا اله
الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی
العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب
الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و هو رب
العرش العظیم اللهم انت الله نور السموات و الارض
و انت الله زین السموات و الارض و انت الله جمال
السموات و الارض و انت الله عماد السموات و الارض
و انت الله قوام السموات و الارض و انت الله صریخ
المستصرخین و انت الله غیاث المستغیثین و انت
الله المفرج عن المکروبین و انت الله المروح عن
المغمومین و انت الله مجیب دعوة المضطرین و انت
الله اله العالمین و انت الله رحمن الرحیم و انت الله
کاشف السوء و انت الله بک تنزل کل حاجة
یا الله لیس یرد غضبک الا حلمک و لا ینجی منک

عقابك الا رحمتك و لا ينجي منك الا التضرع اليك
فهب لي من لدنك يا الهي رحمة تغنيني بها من رحمة من
سواك بالقدرة التي بها احييت جميع ما في البلاد
و بها تنشر ميت العباد لا تهلكني غما حتى تغفر لي و ترحمني
و تعرفني الاستجابة و الاجابة في دعائي و ارزقني
العافية الى منتهى اجلي و اقلني عثراتي و لا تشمت بي
عدوي و لا تمكنه من رقبتي اللهم ان رفعتني فمن
ذا الذي يضعني و ان وضعتني فمن ذا الذي يرفعني
و ان اهلكتني فمن ذا الذي يحول بينك و بيني
او يتعرض لك في شيء من امري فقد علمت ان ليس في
حكمك ظلم و في نقمتك عجلة فانما يعجل من يخاف
الفوت و انما يحتاج الى الظلم الضعيف و قد تعاليت
عن ذلك يا الهي فلا تجعلني للبلاء و عوضا و لا
لنفسك نصبا و مهلني و نفسني و اقلني عثراتي و لا
تتبعني ببلاء اثر بلاء فقد ترى ضعفي و قلة حيلتي

استعیذ بک اللیلة فاعذنی واستجیر بک من النار
فاجرنی واسئلک الجنة فلا تحرمنی پس بخواند در
قنوت دعائی که خواهد وهفتاد نوبت استغفار
کند باین طریق استغفر الله واتوب الیه بعد
از انکه دعا کند از برای چهل شخص یا بیشتر از برادران
مؤمن باین طریق که اللهم اغفر لفلان وفلان
واسم ایشانرا ذکر کند تا اخر واگر صد نوبت
استغفار کند افضل است وثواب ان بیشتر است
پس هفت نوبت بگوید استغفر الله الذی لا اله
الا هو الحی القیوم وجمیع ظلمی وجرمی واسرافی علی
نفسی واتوب الیه پس بگوید رب اسأت وظلمت
نفسی وبئس ما صنعت وهذه یدای یا رب جزاء
بما کسبت وهذه رقبتی خاضعة لما اتیت
وها انا ذا بین یدیک فخذ لنفسک من نفسی الرضا
حتی ترضی لک العتبی لا اعود پس سیصد نوبت

بگوید

العفو العفو بگوید رب اغفر لی وارحمنی وتب
علی انک انت التواب الرحیم بدانکه قنوت در نماز
وتر در رکعت سیم است پس در رکعت دوم شفع قنوت
بخواند واگر وقت تنگ باشد ان تطویل قنوت مختصر
کند بر انچه وقت وسعت ان داشته باشد از سلام
پس تسبیح فاطمه زهرا بجا اورد وبعد از ان سجده
کند واین دعا بخواند اللهم صل علی محمد وال
محمد وارحم ذلی بین یدیک وتضرعی الیک ووحشتی
من الناس وانسنی بک یا کریم یا کاینا قبل کل شیء
ولا تفضحنی فانک عالم ولا تعذبنی فانک قادر
اللهم اعوذ بک من کرب الموت ومن سوء المرجع
فی القبور ومن الندامة یوم القیمة اسالک عیشة
هنیئة ومیتة سویة ومنقلبا کریما غیر مخز ولا فاضح
اللهم مغفرتک اوسع من ذنوبی ورحمتک ارجی
عندی من عملی فصل علی محمد وال محمد واغفر لی یا حیا

لايموت وبعد از فارغ شدن از مفرده وترانجه
متعلق است بان از ادعيه واداب دو ركعت نافله
صبح را بگزارد ودر ركعت اول بعد از حمد سورة
قل يا ايها الكافرون بخواند ودر ركعت دوم
بعد از حمد سوره قل هو الله بخواند بس چون سلام
دهد بر پهلوی راست بخواند رو بقبله وجانب
راست رو را در دست راست بگذارد واين دعا بخواند
استمسكت بعروة الله الوثقى التى لا انفصام لها
واعتصمت بحبل الله المتين واعوذ بالله من شر فسقة
العرب والعجم ومن شر فسقة الجن والانس
ربى الله ربى الله ربى الله امنت بالله توكلت
على الله لا حول ولا قوة الا بالله ومن يتوكل على
الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله
لكل شئ قدرا حسبى الله ونعم الوكيل
اللهم من اصبح وله حاجة الى مخلوق فان

حاجتى ورغبتى اليك وحدك لا شريك لك
الحمد لله رب الصباح الحمد لله فالق الاصباح الحمد لله
قاسم المعاش الحمد لله جاعل الليل سكنا والشمس
القمر حسبانا ذلك تقدير العزيز العليم اللهم صل
على محمد وال محمد واجعل فى قلبى نورا وفى بصرى
نورا وعلى لسانى نورا ومن بين يدى نورا ومن خلفى
نورا وعن يمينى نورا وعن شمالى نورا ومن تحتى نورا
واعط لى نورا واجعلنى نورا امشى به فى الناس
ولا تحرمنى نورك يوم القيمة بس بخواند اية الكرسى
وقل اعوذ برب الناس وقل اعوذ برب الفلق وپنج
ايه از اخر سوره ال عمران ان فى خلق السموات
والارض واختلاف الليل والنهار لايات لاولى
الالباب الذين يذكرون الله قياما وقعودا و
على جنوبهم ويتفكرون فى خلق السموات والارض
ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانك فقنا عذاب النار

وربنا انك من تدخل النار فقد اخزيته وما للظالمين
من انصار ربنا اننا سمعنا مناديا ينادي للايمان
ان امنوا بربكم فامنا ربنا واغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا
سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا واتنا ما وعدتنا على
رسلك ولا تخزنا يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد
پس تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیه السلام بجا
اورد وبعد ازان صد نوبت بگوید سبحان ربي العظيم
وبحمده استغفر الله ربي واتوب اليه وبعد ازان
هفت نوبت بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم و سجده
شکر بجا اورد بطریق که قبل ازین مذکور شد و
این دعا بخواند اللهم رب الفجر والليالي العشر
والشفع والوتر والليل اذا يسر ورب كل شي واله
كل شي وخالق كل شي ومليك كل شي صل على
محمد وال محمد وافعل بي وبفلان وفلان برادران

مؤمن بیرد و ما انت اهله ولا تفعل بنا ما نحن اهله
فانك اهل التقوى واهل المغفرة دویم از نمازهای
سنتی نمازیست که بحضرت رسالت پناه محمدی
صلی الله علیه واله منسوبست وان دو رکعت است
در هر رکعتی فاتحه یکنوبت وانا انزلنا پانزده نوبت
بخواند و همچنین در هر سر برداشتن از رکوع ودر هر
سجود ودر هر سر برداشتن از سجود سیم نمازی
که بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام منسوبست وان
چهار رکعتست در هر رکعتی فاتحه یکنوبت بخواند
وقل هو الله احد پنجاه نوبت چهارم نمازی که بحضرت
فاطمه زهرا علیها السلام منسوبست وان دو رکعت
در رکعت اول ودوم فاتحه یکبار وقل هو الله احد
صد بار پنجم نمازی که منسوبست بجعفر طیار
رضی الله عنه وان چهار رکعتست در رکعت اول
بعد از فاتحه اذا زلزلت بخواند ودر رکعت دوم بعد از

فاتحه والعاديات ودر ركعت سيم بعد از فاتحه
اذا جاء ودر ركعت چهارم بعد از فاتحه قل هو الله
احد وقبل از ركوع سبحان الله والحمد لله ولا
اله الا الله والله اكبر پانزده نوبت بخوانند ودر هر ركوع
ده نوبت ودر هر سر برداشتن از ركوع ده نوبت ودر
هر سجود ده نوبت ودر هر سر برداشتن از سجود ده نوبت
پس اين تسبيح درين نماز سيصد نوبت گفته ميشود
واين نماز را اگر هر شب گذارند ثواب عظيم دارد واگر ميسر
نشود هر هفته يكنوبت گذارند والا هر ماه يكنوبت
والا هر سال يكنوبت واگر شخصي نوافل يوميه را
بانيطريق گذارد ثواب هر دو را دريابد وبعضي از مجتهدين
برانند كه نماز واجب يوميه را نيز بانيطريق ميتوان
گذاردن ومصلي ثواب هر دو را خواهد يافت و
جايز است كه در اول اين نماز بجاي آن سه سوره
سوره قل هو الله احد بخوانند وسنت است كه چون از نماز

فارغ

فارغ شود اين دعا بخوانند سبحان من لبس العز والوقار
سبحان من تعطف بالمجد وتكرم به سبحان من لا ينبغي
التسبيح الا له سبحان من احصى كل شيء علمه سبحان
ذي المن والنعم سبحان ذي القدرة والكرم اللهم
اني اسئلك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة
من كتابك وباسمك الاعظم وكلماتك التامة
التي تمت صدقا وعدلا صل على محمد واهل بيته بعد
از آن حاجت بخواهد ششم نماز اعرابي و آن ده ركعت
دو ركعت بيك سلام بعد از آن هشت ركعت ديگر
هر چهار ركعت بيك سلام ووقت آن چاشت روز
جمعه است در ركعت اول بعد از حمد قل اعوذ برب الفلق
هفت نوبت بخوانند ودر ركعت دوم بعد از حمد قل اعوذ
برب الناس هفت نوبت بخوانند وچون سلام دهد
آية الكرسي هفت نوبت بخوانند بعد از آن هشت
ركعت باقي را بگذارد ودر هر ركعت بعد از فاتحه

سوره اذا جاء یکنوبت بخواند وچون سلام دهد
هفتاد نوبت بگویند سبحان الله رب العرش
الکریم لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
هفتم نماز طلب باران وانرا نماز استسقا گویند
وگذاردن ان بجماعت افضل است وسنت است که امام
در خطبه روز جمعه مردم را امر کند بتوبه وبانکه سه
روز پیش از جمعه روزه بدارند ودر روز دوشنبه که روز
سیم است بصحرا روند واگر مکه نباشد واگر مکه باشد
این نماز را در مسجد الحرام گذارند وسنت است که با پا برهنه
بخضوع وخشوع واستغفار کنان بصحرا روند ومردان
پیر زنان پیر جدا سازند واطفال وچهارپایان را
با خود برند واطفال را از مادران جدا سازند و
زنان جوان ومخالفان ملت را همراه نبرند و
مؤذنان پیش در پیش باشند ودر وقت نماز این
بجای اذان سه نوبت الصلوة بگویند ووقت

نماز وقت نماز عید است وان دو رکعت بطریق نماز
عید مگر دعاء قنوت که در قنوت این نماز دعا مذکور
بخواند اللهم اسق عبادك وبهائمك وانشر رحمتك
واحی بلادك المیتة وچون از نماز فارغ شوند
پیشنماز بر منبر رود وردای خود را بگرداند
یعنی انچه بر دوش راستست بر دوش چپ اندازد و
بر عکس ودو خطبه بخواند وچون از خطبه فارغ
شود رو بقبله کند وصد نوبت بگوید لا اله الا
الله بعد از ان روی بجانب حاضران کند نوبت بگوید
الحمد لله وهمه حاضران باوی این ذکرها را باواز
بلند بگویند هشتم نماز عید غدیر است وان
دو رکعت است ودر هر رکعتی فاتحه یکنوبت بخواند
واية الکرسی وانا انزلنا وقل هو الله احد ده نوبت
بخواند واول وقتش از زوالست بنیم ساعت وسنت
که بعد از نماز دعای طویل که در مصباح مذکورست

بخواند وبعد از دعا حاجت خود را بطلبد وخطبه
این نماز را بطریق نماز جمعه است وزیارت حضرت
امیر المؤمنین از دور ونزدیک در این روز سنّت
ودر حدیث امده که شهرت عید غدیر در اسمان
بیش از زمین است وثواب وتصدّق بیک درهم
در این روز برابر ثواب بهزار درهم است وغسل
کردن وروزه داشتن وروزه دار را ضیافت کردن
در این روز ثواب عظیم دارد نهم نماز روز اوّل
هر ماه وان دو رکعت در رکعت اوّل فاتحه یکبار
وقل هو الله احد سی بار ودر رکعت دوم فاتحه یکبار
وانا انزلنا سی بار دهم نماز نافله ماه رمضان
وان هزار رکعت وگزاردن ان بدو طریق است
اوّل انکه در شب اوّل تا بیست شب هر شب بیست ر
کعت بگزارد هشت رکعت میانه شام وخفتن
ودوازده رکعت بعد از خفتن ودر شب نوزدهم

صدرکعت

صد رکعت فزایند وبانصد رکعت که باقی میماند در
ده شب اخر هر شب سی رکعت بگزارند هشت رکعت
میانه شام وخفتن وبیست ودو رکعت بعد از خفتن
ودر شب بیست ویکم صد رکعت فزایند وهمچنین در شب
سیّم بطریق دوم انکه در هر یک از شب نوزدهم وبیست
ویکم وبیست وسیّم صد رکعت اکتفا نمایند وهشتاد
رکعت که می ماند چهل رکعت را در چهار روز جمعه
بگزارد هر روز ده رکعت چهار رکعت نماز حضرت
امیر المؤمنین علیه السّلام ودو رکعت نماز حضرت
فاطمه زهرا علیها السّلام وچهار رکعت نماز جعفر
طیّار واگر پنج جمعه در ماه رمضان اتّفاق افتد
مخیّر است اگر خواهد در یک جمعه پنج نماز بگزارد و
اگر خواهد چند رکعت از انجمله در جمعه پنجم بگزارد
واز چهل رکعت باقی بیست رکعت نماز را از حضرت
امیر المؤمنین علیه السّلام در شب جمعه اخر بگزارد وبیست

رکعت نماز حضرت فاطمه زهرا را علیها السلام در شب
شنبه که بعد از جمعه اخراست بگذارد واگر ماه
رمضان از سی کمتر باشد نماز شب سی ام ساقط است
و قضای ان شرعی نیست و هرچه غیر از ان گذارد
نشود قضای ان سنت است یازدهم نماز روز
مبعث حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و اله وسلم
وان بیست وهفتم ماه رجب است واین نماز دوازده رکعت
است ودر هر وقت از ان روز که بگذارد و در هر رکعتی فاتحه
یکبار و هر سوره که خواهد یکبار وچون فارغ
شود در همانجا که نشسته است چهار نوبت بگوید
لا اله الا الله والله اکبر والحمد لله وسبحان
الله لا حول ولا قوة الا بالله بعد از ان چهار نوبت
بگوید الله اکبر ربی لا اشرک به شیء وبعد
از ان حاجت خود بطلبد دوازدهم نماز شب
مبعث واین نماز دوازده رکعت است در هر وقت

از شب که خواهد بگذارد و در هر رکعت فاتحه یکبار
وسوره ناس وسوره فلق وسوره قل هو الله احد
چهار بار وچون از نماز فارغ شود در همانجا
که نشسته چهار نوبت بگوید لا اله الا الله و
الله اکبر والحمد لله وسبحان الله لا حول ولا قوة
الا بالله بعد از ان حاجت خود بخواهد سیزدهم
نماز روز مباهله است وان بیست وچهارم ماه ذی
حجه است وان روز تصدق حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام است بخاتم واین نماز مثل نماز عید غدیر
است چهاردهم نماز زیارت حضرت رسالت پناه صلی
الله علیه واله وباقی ائمه علیهم السلام است وان دو رکعت
بعد از زیارت کردن وچون زیارت حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام کند دو رکعت نماز زیارت ادم علیه السلام
ودو رکعت نماز زیارت نوح علیه السلام بکند چون که
هر دو در ان مکان مقدس مدفونند وسنت است

نماز زیارت را در بالای سر بگذارند و بعضی از
مجتهدین بر انند که اگر شخصی از دور زیارت
کند یعنی در شهر دیگر باشد اول دو رکعت نماز زیارت
را اینجا اورد و بعد از ان زیارت کند **یازدهم** نماز
رغایبست و انرا در جمعه اول ماه رجب باید گذارد
بعد از انکه پنجشنبه روزه دارد و این نماز دوازده
رکعت بیک سلام و در هر رکعت الحمد یکبار بخواند
و انا انزلناه سه بار و قل هو الله احد دوازده بار
و چون سلام دهد هفتاد نوبت بگوید اللهم
صل علی محمد و آل محمد بعد از ان بسجده رود و بگوید
سبوح قدوس رب الملائكة والروح
و چون سر از سجده بردارد هفت نوبت بگوید
رب اغفر وارحم وتجاوز عما تعلم انك انت
العلی الاعظم و باز بسجده رود و انچه در سجده
اول گفته بهمان طریق باز بگوید و بعد از ان

حاجت خود را از خدای تعالی بخواهد **شانزدهم**
نماز شب نصف ماه رجبست و ان سی رکعتست در هر
رکعتی فاتحه یکنوبت و قل هو الله احد یازده نوبت
هفدهم نماز نصف ماه شعبان و ان چهار رکعتست
در هر رکعتی فاتحه یکنوبت و قل هو الله احد صد بار
هجدهم نماز شب عید ماه رمضان و ان دو رکعتست
در رکعت اول فاتحه یکبار بخواند و قل هو الله احد
هزار بار و در رکعت دوم فاتحه یکبار و قل هو الله احد
یکبار بخواند **نوزدهم** نماز ساعت غفلت و ان ساعت
ما بین شام و خفتن است و این نماز را غفیله گویند
و ان دو رکعتست در رکعت اول بعد از حمد این ایه بخواند
وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی
فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الظالمین
فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلك ننجی المؤمنین
و در رکعت دوم بعد از حمد این ایه بخواند وعنده مفاتح

العيب لايعلمها الا هو ويعلم ما في البر والبحر وما تسقط
من ورقة الا يعلمها ولا حبة في ظلمات الارض
ولا رطب ولا يابس الا في كتاب مبين وبعد از ان دست
بر دارد واين قنوت را بخواند اللهم اني اسئلك بمفا
تيح الغيب لا يعلمها الا انت ان تصلي على محمد وال محمد
وان تفعل بي ما انت اهله ولا تفعل بي ما انا اهله
وانت اهل التقوى واهل المغفرة اللهم انت وليّ
نعمتي والقادر على طلبتي وتعلم حاجتي فاسئلك
بحق محمد وال محمد لما قضيتها لي برحمتك وان تقضي
حاجتي يا ارحم الراحمين وبعد از ان حاجت خود بطلبد
بيستم نماز سنت سفر كه در وقت كه شروع كند كه
بجاي ميرفته باشد بجا اورد وان دو ركعتست در
هر يك ركعت فاتحه وسوره يكبار بخواند وچون
از نماز فارغ شود اين دعا بخواند اللهم اني استو
دعك نفسي واهلي ومالي وديني ودنياي واخرتي

وخواتيم

وخواتيم عملي **بيست ويكم** نماز توبه وان دو ركعتست
در هر ركعتي فاتحه وسوره كه خواهد بخواند واين
نماز را بعد از توبه وغسل توبه بگذارد وچون از نماز
فارغ شود دعاي توبه را كه در صحيفه كامله
مذكور است بخواند **بيست ودوم** نماز هديه ميت است
وان دو ركعتست در ركعت اول فاتحه يكنوبت بخواند
واية الكرسي يكنوبت بخواند ودر ركعت دويم فاتحه
يكنوبت وانا انزلناه ده نوبت وچون سلام دهد
بگويد اللهم صل على محمد وال محمد وابعث ثواب
هاتين الركعتين الى قبر فلان ونام ميت ببرد ووقت
اين شب اول دفن ميت **بيست سيم** نماز عاشورا وان
چهار ركعتست در ركعت اول فاتحه يكنوبت وقل يا
ايها الكافرون يكنوبت ودر ركعت دويم فاتحه
وقل هو الله احد يكنوبت بخواند ودر ركعت سيم
فاتحه وسوره احزاب يكنوبت ودر ركعت چهارم

فاتحه وسوره منافقین یکنوبت وبعد از ان زیارت
حضرت امام حسین علیه السلم بکند **بیست و چهارم**
نماز روز نوروز است وان چهار رکعت بدو سلام
در رکعت اوّل فاتحة الکتاب یکبار وانا انزلناه
ده نوبت ودر رکعت دویم بعد از فاتحه ده نوبت
قل یا ایّها الکافرون بخوانند ودر رکعت سیّم
بعد از فاتحه ده نوبت قل هو الله احد ودر رکعت
چهارم بعد از فاتحه هر یک از قل اعوذ بربّ الفلق
وقل اعوذ بربّ النّاس را ده نوبت بخوانند وبعد از
سلام دادن بسجده رود واین دعا بخوانند اللّهمّ
صلّ علی محمّد وال محمّد الاوصیاء المرضیّین وعلی
جمیع انبیائك ورسلك بافضل صلواتك وبارك
علیهم بافضل برکاتك وصلّ علی ارواحهم واجسادهم
اللهم بارك علی محمد وال محمد وبارك لنا یومنا
هذا الذّی فضلتّه وکرّمته وشرّفته وعظمت خطره

اللهم

اللّهمّ بارك لی فیما انعمت به علیّ حتّی اشکر احدا
غیرك ووسع علی رزقی یا ذا الجلال والاکرام
ووقت این نماز بعد از فارغ شدن نماز ظهر وعصر است
ونافله است **مطلب سیم** در بیان احکام خللی که در
نماز واقع میشود ودران سه مقصد است **مقصد اوّل**
در بیان خللی که موجب بطلان نماز است وان بیست
وچهار امر است **اوّل** حدث کردن در اثنای نماز
خواه از روی عمد واقع شود وخواه از روی سهو
وخواه از روی اختیار وخواه از روی اضطرار و
خواه قبل از سر برداشتن از سجده اخر وخواه بعد
از ان وشیخ ابن بابویه بر انست که اگر حدث در نماز
بعد از سر برداشتن از سجده واقع شود نماز باطل نمیشود
وواجبست که وضو بسازد ونماز را باتمام رساند
دویم عمداً پشت بقبله کردن بی ضرورت واگر ضرورت
باشد مثل دست جنگ که خصم رو بقبله باشد ووقت

نماز تنگ باشد نماز باطل نمیشود اما اگر پشت
بقبله کردن از روی سهو واقع شود در این صورت
شرط بطلان نماز انست که وقت نماز باقی باشد
که اگر بعد از خروج وقت بخاطر رسد که پشت بقبله
نماز گذارده ان نماز صحیح است چنانچه در بحث
قبله مذکور شد سیم انحراف از قبله بجانب یمین
یا یسار از روی عمد بی ضرورت اما اگر از روی
سهو باشد وقتی ان نماز باطلست که وقت نماز باقی
باشد چنانکه سابقا مذکور شد چهارم هرگاه ظاهر
شود که غسل یا وضو یا تیمم خللی داشته باشد
مثل انکه ظاهر شود که بعضی اعضا را نشسته
یا مسح نکرده یا اب وضو یا غسل یا خاک تیمم
مضاف بوده یا مشتبه بمضاف یا نجس بوده یا
مشتبه بنجس یا آب یا خاک غصبی یا مشتبه بغصبی
بعضی دانسته وضو یا غسل یا تیمم کرده باشد اما

اگر در

اگر در وقت وضو یا غسل یا تیمم عالم بغصبی
یا اشتباه نباشد و بعد از ان نماز ظاهر شود که غصبی
یا مشتبه بغصبی در این صورت نماز که کرده صحیح
و درست است پنجم هرگاه نداند که یک رکعت نماز
کرده یا دو رکعت ششم شک در عدد رکعات
نماز مغرب کردن هفتم رکنی از ارکان نماز پنجگانه
که نیت و تکبیر و قیام و رکوع و سجود زیاد یا کم کردن
و اگرچه از روی سهو باشد هشتم فعل کثیر در اثنای
نماز کردن بحیثیتی که در عرف او را مصلی نگویند
اگرچه سهوا باشد اما اگر فعل قلیل باشد مثل کشتن
کنه یا عقرب بیک ضرب کشتن یا یک قدم پیش رفتن
یا پس رفتن نماز باطل نمیشود نهم سکوت طویل
کردن بطریق فعل کثیر که در عرف او را مصلی نگویند
دهم یک رکعت یا زیاده فراموش کردن و بخاطر
نرسد مگر وقتی که مابین امری ازو صادر شده باشد

که نماز بان باطل شود عمداً وسهواً مثل حرکت
یا پشت بقبله کردن امّا اگر در مابین امری صادر شده
باشد که اگر عمداً صادر شود نماز باطل شود واگر
سهواً صادر شود نماز باطل نشود و باتمام باید
رساند یازدهم در نمازی چهار رکعتی یکرکعت
سهوا زیاده شود بشرطانکه بعد از رکعت چهارم
بمقدار تشهد نشسته باشد نماز او صحیح هست
چند تشهد نخوانده باشد دوازدهم کل نماز را پیش
از وقت بجا اوردن خواه عمداً وخواه سهواً امّا اگر
بگمان انکه وقت داخل شده نماز بگذارد ودر اثنای
نماز وقت داخل شود در این صورت نماز صحیح است
سیزدهم دانسته درجامه غصبی یا مکان
غصبی نماز گذاردن چهاردهم درجامه نجس یا بدن
نجس که پیش از نماز میدانست که نجس است وبعد از ان
فراموش کردن نماز گذاردن پانزدهم بی تقیه عمداً

بطریق سنیان دست در نماز بستن شانزدهم در
اثنای نماز عمداً چیزی چند ازلک باشد هفدهم خوردن شرع
عمداً بدو حرف تکلم نمودن هجدهم عمداً قهقهه خندیدن
نوزدهم ازبرای امور دنیا عمداً گریه کردن بیستم عمداً
ترک واجبی از واجبات نماز کردن اگرچه رکن نباشد
امّا اگرچه جهل مسئله عمداً ترک کند جهر را در جای
که جهر واجبست یا اخفا را در جایی که اخفا واجبست
ان نماز صحیح است بیست یکم عمداً زیاده کردن واجبی
از واجبات نماز اگرچه رکن نباشد بیست ودوم
عمداً زیاده کردن واجبی از واجبات نماز اگرچه بیست سیم
عمداً انحراف قلیلی از قبله کردن بحدّ یمین یا یسار نرسد
بیست چهارم عمداً کشف عورت خود کردن مقصد دوم
در بیان احکام خللی که بوقوع ان نماز باطل نیست وان
دو نوع است نوع اوّل خللی که بسبب ان سجده سهو
واجب میشود نوع دوم خللی که بواسطه سجده واجب

نمیشود وان فراموش کردن فعلیست از افعال واجب
نماز که قبل از فوت محل ان بیاد اید پس اکر خواندن
فاتحه را فراموش کند وبعد از ان خواندن سوره
قبل از رکوع بیادش اید فاتحه را بخواند وسوره را
اعاده کند واکر رکوع را فراموش کند وبعد از خم
شدن بقصد سجود وقبل از سجود بیادش اید راست
ایستد ورکوع را بجا اورد وجایز نیست که اکتفا بان
خم شدن کند خواه ان خم شدن بحد رکوع رسیده
باشد وخواه از حد رکوع باشد وخواه زیاده کرده
واکر هر دو سجده را با تشهد اول را فراموش کند و
بعد از ان ایستادن وقبل از رکوع بیادش اید دو
سجده وتشهد را بجا اورد ونماز را با تمام رساند
واکر یک سجده را فراموش کرده پس اکر بعد از سجده
که کرده نشستن وطمانینه را بجا اورد احتیاج به
نشستن وطمانینه دیکر نیست والا به نشیند

واحکام آن در دو نوع در دو فصل مفصل میشود بر فصل اول در بیان احکام خللی که بسبب آن سجده سهو واجب میشود

وطما

وطمانینه را بجا اورد واحتیاج بسجده سهو نیست
واکر پیشنماز در فعلی از افعال نماز شک کند و ماموم
او را بر فعل ان یا بر عدم فعل ان واقف سازد بر پیشنماز
واجبست که عمل بقول ماموم نماید اکرچه یک شخص
باشد وعادل ودر این صورت بر پیشنماز سجده سهو
واجب نیست وواقف ساختن ماموم پیشنماز را
جایز است که باشارت بدست باشد واکر نزدیک
به پیشنماز باشد بلفظ قران مثل انکه پیشنماز شک
کرده باشد در نماز چهار رکعتی میانه دو و سه
یا میانه چهار وماموم داند که سه رکعت کذارده
پس از سوره کهف سیقولون ثلاثة بخواند واکر شخص
سهو بسیار در نماز کند بحیثیتی که او را در عرف
کثیر السهو کویند در اینصورت تلافی انچه نکرده بر او
واجبست هرچند محلش باقی باشد وسجده سهو
نیز بر او واجبست وبعضی از مجتهدین او را وقتی کثیر

الشهو میکویند که در سه نماز متوالی سه سهو
کند یا در یک نماز سه سهو و اگر شک بسیار کند بحیثیتی
که در عرف ورا کثیر کنند ملتفت نشود هر چند محل
باقی باشد و نماز او صحیح است و سجده سهو بر او واجب
نیست پس مثلا اگر شک کند در خواندن سوره قبل
از رکوع برا و واجبست که بان ملتفت نشده برکوع
رود و سوره نخواندن نماز باطل است هر چند
از خواندن ظاهر شود که نخوانده بوده فصل دویم
در بیان خللی که سجده سهو بسبب آن واجبست
در هفت موضع است اول فراموش یکسجده دویم
فراموش کردن شهادتین در تشهد سیم فراموش
کردن صلوات بر حضرت پیغمبر و آل بشرط آنکه محل
هر یک از سر گذشته باشد درین صورت واجبست
که آنرا بعد از سلام دادن بجا آورد و بعد از آن
سجده سهو بکند و اگر دو چیز ازین سه چیز که

که مذکور شد فراموش کند واجبست که اول بعد از
سلام دادن که مذکور شد هر دو را بان ترتیب
که فوت شده بجا آورد و بعد از آن از برای هر یک
دو سجده سهو کند اما لازم نیست که قصد کند که
دو سجده اول از جهة خلل اولست و دو سجده ثانی
از خلل دوم است پس اگر در نماز ظهر مثلا تشهد
اول را با یک سجده از رکعت سیم فراموش کند
اول تشهد را بجا آورد و نیت چنین کند که تشهد
فراموش شده نماز ظهر را بجا می آورم ادا واجب
تقرب بخدا و اگر وقت گذشته باشد بجای
ادا قضا بگوید و بعد از آن سجده فراموش شده را
بهمین طریق بکند و سجده های سهو را بعد از آن
بجا آورد و اگر دو سجده سهو تشهد را بر دو سجده سهو
سجده مقدم دارد بهتر است اما واجب نیست و نیت
چنین کند که دو سجده سهو از برای سهوی که در

نماز تطوعی کرده ام بجامی اورم واجب تقرب بخدا
وذکر ادا و قضا لازم نیست و اکر در نماز اجاره یا نیابت
که بجهة پدر میکذارد مثل این سهو واقع شود نیت
چنین کند که بنیابت فلان تشهد فراموش کرده
من بجامی اورم بجهة انکه واجبست بر او باصالت و بر
بنیابت ادا تقرب بخدا اما در نیت سجده سهو ذکر نام
ان شخص واجب نیست و بعضی از مجتهدین واجب
میدانند و نیت سجده فراموش شده و سجده اول
دو سجده سهو اینست بسم الله وبالله اللهم صل

سهو را واجب که مقادن سازد به پیشانی بر زمین کذاشتن و ذکر دو سجده صح

علی محمد وال محمد و چون سر از سجده دویم بردارد
و تشهد باین طریق بخواند اشهد ان لا اله الا الله
واشهد ان محمدا رسول الله اللهم صل علی محمد
وال محمد و بعد ازان سلام دهد و واجبست
دران استقبال قبله وطهارت از حدث و خبث
چهارم از هفت موضع که دو سجده سهو دران

١٠ جز

٧٠

واجبست شك كردنست میانه چهار رکعت و پنج
رکعتست چنانکه در مبحث شکیات مذکور خواهد
شد **پنجم** سلام دادن از روی سهو در غیر محل
ششم ایستادن یا نشستن در غیر محل **هفتم** حرف
زدن زیاده از دو حرف غیر قران و دعا و بعضی از مجتهدین
دو سجده سهو را واجب میدانند از برای هر زیاده
و نقصانی که در نماز واقع شود و نماز را باطل نسازد
و این قول احوط است و وقتان بعد از سلام دادنست
خواه از برای زیاده باشد و خواه از برای نقص و بعضی
از مجتهدین انچه از برای نقص است مقدم بر سلام
میدانند اولی انست که این دو سجده را قبل از منافی
و بعد از سلام دادن بلا فاصله بجا اورند **مقصد**
سیم در بیان احکام شك مصلی شك در نماز
یا در غیر عدد رکعاتست و یا در عدد رکعات و احکام
هریك در مبحثی مذکور میشود **بحث اول** در شك

غیر عدد رکعات بدانکه هرگاه مصلّی در فعلی
از افعال نماز شک کند خواه آن فعل رکن باشد
و خواه غیر رکن پس اگر محل آن فعل نگذشته واجبست
که آنرا بجا آورد مثل آنکه قبل از رکوع شک کند که قراءت
یا نه در اثنای شک کند که قراءت تکبیر احرام را بجا
آورد یا نه در اثنای تشهّد شک کند که سجود کرده یا نه
یا در وقت شروع در قیام شک کند که سجود کرده یا نه اما
در اینصورت اخیر بعضی از مجتهدین برآنند که سجود را
بجا باید آورد و بدانکه هرگاه فعلی از افعال مشکوک فیه
را در محل تلافی کند و بعد از آن ظاهر شود که آنرا بجا
آورده بود پس اگر آن فعل رکن است نماز باطل میشود
و اگر رکن نیست نماز صحیح است و اگر بعد از فوت
محل تلافی کند نماز باطلست خواه آن فعل رکن
رکن باشد و خواه غیر رکن بحث دوّیم در شک عدد
رکعات بدانکه شک در عدد رکعات نماز مغرب

موجب بطلان نماز است و همچنین شک میانه یک
رکعت و دو رکعت و هرگاه در نماز چهار رکعتی
شک در عدد رکعات واقع شود مشهور از آن
دوازده صورتست اوّل شک کردن میانه دو
و سه بعد از اتمام آن بفارغ شدن از ذکر سجده
اخر است اگرچه سر از سجده برنداشته باشد
پس واجبست که بنا بر سه نهد و نماز را تمام کند
و بعد از سلام دادن یک رکعت احتیاط ایستاده
بگذارد و یا دو رکعت نشسته دوّیم شک کردن
میانه سه و چهار خواه سجدتین را باتمام رسانیده
باشد و خواه نرسانیده باشد بنا بر چهار نهد و
احتیاط بطریق سابق بجا آورد سیّم شک کردن
میانه دو و چهار بعد از اکمال سجدتین پس بنا
بر چهار نهد و دو رکعت ایستاده بجهة احتیاط
بگذارد و شیخ ابن بابویه شک میانه دو و چهار را

مبطل نماز میباشد چهارم شک کردن میانه
دو و سه و چهار بعد از اکمال سجدتین پس بنا
بر چهار نهد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده
بگزارد و دو رکعت نشسته و مخیّر است در تقدیم
هر کدام که خواهد و بعضی از مجتهدین
برانند که دو رکعت نشسته را مقدّم دارد
پنجم شک کردن میانه دو و پنج بعد از اکمال
سجدتین ششم شک کردن میانه سه و پنج
بعد از رکوع امّا قبل از رکوع این شک واقع شود
وان رکعت را منهدم سازد تا شک او میانه دو
و چهار باشد و حکم ان مذکور شد امّا بر او سجده
سهو واجبست بواسطه زیاده کردن قیام هفتم
شک کردن میانه دو و سه و پنج بعد از اکمال
سجدتین هشتم شک کردن میانه دو و چهار
و پنج بعد از اکمال سجدتین و در این چهار صورت

مجتهدین را دو وجه یکی انکه بنا بر کمتر گذارد و نماز
را تمام کند و وجه دیگر انکه نماز باطل است و در اخر
وجه دیگر گفته اند وان بنا بر چهار نهادنست
و دو رکعت احتیاط بجا اوردن و دو سجده سهو
کردن نهم شک کردن میانه دو و سه و چهار
و پنج بعد از اکمال سجدتین و این حکم صورت هشتم
دارد باز یادتی دو رکعت احتیاط نشسته و اگر
خواهد یک رکعت بجای ان ایستاده بگزارد دهم
شک کردن میانه چهار و پنج پس اگر بعد از سجو
دات سلام دهد دو سجده سهو بجا اورد و اگر قبل
از رکوعست ان رکعت را منهدم سازد تا شک میانه
سه و چهار شود پس مخیّر است در گزاردن یک رکعت
احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته و دو سجده
سهو بجا اورد و اگر بعد از رکوعست بعضی نماز
را باطل میدانند و بعضی مثل شک قبل از رکوع

میدانند یازدهم شک کردن میانه سه وچهار
ودر اینصورت بعضی از مجتهدین بر آنند که بنا
بر سه نهند ونماز را تمام کنند ونماز احتیاط بکنند
وبعضی بر آنند که بنا بر چهار نهند ویک رکعت
احتیاط ایستاده بگذارد ودو سجده سهو بجا آورد
دوازدهم آنکه شک متعلق برکعت ششم کرده و
در این صورت بعضی از مجتهدین بر آنند که نماز
باطلست وبعضی بر آنند که بنا بر کمتر نهند وحکم
آن مثل حکم تعلق شک برکعت پنجم است وهرگاه
در عدد رکعات نماز سنتی شک واقع شود
مصلی مخیر است در بنای بر اکثر وبنای بر اقل
افضلست فصل در بیان نماز احتیاط بدانکه
آنچه در اصل نماز واجبست در نماز احتیاط نیز
واجبست مثل طاهر بودن از حدث وخبث
واستقبال قبله وستر عورت ونیت قربت و

دیگر

وتکبیر احرام وتشهد وتسلیم وچهار امر در نیت
آن واجبست که در نماز اصل واجب نیست اول
قصد نماز احتیاط دویم تعیین یکرکعت یا دو رکعت
سیم تعیین آنکه ایستاده گزارده میشود یا نشسته
چهارم تعیین نمازی که احتیاط بجهت اوست و
در این نماز بعد از فاتحه سوره نمیباید خواند و
فاتحه را بلند خواندن جایز است وتسبیحات
اربعه قایم مقام فاتحه نمیشود ونیت چنین کند
که دو رکعت نماز ایستاده میگذارم بجهت احتیاط
فلان نماز از برای آنکه واجبست اداءً قربةً الی الله
واگر نشسته میگذارد قصد نشستن کند واگر
بعد از وقتست قصد قضا کند وهرگاه میانه نماز
اصل باطل نمیشود واولی بطلانست وهرگاه
در اثنای نماز احتیاط ظاهر شود که نماز اصل
کم بوده بعضی از مجتهدین بر آنند که نماز احتیاط

را تمام کند و چیزی دیگر لازم نیست و بعضی
بر آنند که نماز اصل باطل میشود و اعاده ان باید
کرد و قول دوم احوط است و اگر بعد از
فارغ شدن از نماز احتیاط ظاهر شود که نماز
اصل کم بوده بان التفات نکند و نماز صحیح است
و اگر در اثنای نماز احتیاط ظاهر شود که نماز
اصل درست بوده در این صورت نماز احتیاط را
نافله و مصلی مخیر است میانه قطع و اتمام ان
و بدانکه هرگاه شخصی که نماز احتیاط
بر او واجبست ترک او نکند و نماز را از سر گیرد و
ان نماز از ذمت ان ساقط نمیشود و واجبست بر او
که احتیاطی را که شارع فرموده بجا اورد و اگر نماز
احتیاط را بعد از اعاده نماز اصل بجا اورد در این
صورت نیز نماز در ذمت او باقیست بجهة انکه
فعل منافی در مابین نماز اصل و نماز احتیاط واقع

شده و ان نمازیست که از ان بخلاف شرع کرده **خا
تمه** در بیان احکام نماز قضا و نماز سفر
و نماز خوف و نماز جماعت و در ان چهار فصل
است **فصل اول** در بیان احکام قضا هرگاه نماز
های یومیه از شخصی فوت شده باشد پنج نماز
مسافر را در سفر فوت شده باشد و اگر بداند که
از چهار نماز در سفر فوت شده یا در حضر به
هشت نماز بگذارد صبحی بعد از ان ظهری تمام بعد
از ان ظهری و عصری بعد از ان عصری تمام بعد
از ان مغربی بعد از ان عشای تمام بعد از ان
عشا و قصر همچنین اگر پنج نماز روزی فوت شود
نداند که در سفر فوت شده یا در حضر پس هشت
نماز بهمین طریق بگذارد و بدانکه سه نماز است
از نماز واجبی که قضا ندارد نماز جمعه و نماز
عید قربان و نماز عید ماه رمضان و اما نماز

ایات غیر زلزله بس اکر بعضی قرص ماه یا
افتاب کرفته باشد وبعد از خروج وقت مطلع
شده باشد قضا ندارد واکر قبل از خروج وقت
مطلع شده باشد وعمدا بجا نیاورده یا فراموش
کرده بعضی از مجتهدین قضای انرا واجب
میدانند وبعضی واجب نمیدانند واولی وجو
بست اکر همه قرص کرفته باشد بر جمیع تقادیر
قضا لازمست خواه بعد از خروج وقت بران مطلع
شده باشد وخواه قبل از خروج وقت وخواه
عمدا بجا نیاورده باشد وخواه فراموش شده
باشد واما نماز زلزله در تمام عمر اداست
فصل دوم در بیان احکام نماز سفر واجبست
بر مسافر که هر یک از نماز ظهر وعصر وعشا را
دو رکعت بکذارد وبهشت شرط شرط اول قصد
مسافت وان هشت فرسخ شرعیست یا قصد

جهار فرسخ

جهار فرسخ بشرط اراده بازکشتن در همان روز یا
در همان شب وفرسخ شرعی سه میلست ومیلی
جهار هزار کز است بکز دست وکزی بیست جهار
انکشت که بعرض در بهلوی هم باشد وانکشتی
هفت جو متوسط است و در بهلوی هم باشد و
جوی موازی هفت موی یال یابو است که بعرض
در بهلوی هم باشد بس فرسخ شرعی بکز شرع
دوازده هزار کز است وبانکشت دویست و هشتاد
وهشت هزار انکشت است وبجو یک هزار و ششصد
وشانزده هزار جو است وبموی یابو یازده هزار
هزار وسیصد ودوازده هزار موست واین هشت
فرسخ را در شرع برابر میدانند بیک روزه راه
که شتر بار دار برود بشرط انکه ان روز معتدل باشد
در درازی وان راه معتدل باشد در اسانی و
دشواری واکر موضعی باشد که دو راه

داشته باشد یکی هشت فرسخ و دیگری کمتر در
اینصورت جایز است از راه دورتر رفتن بقصد
نماز قصر کردن لازم نیست از راه نزدیك رفتن تا نماز
را تمام کند و بدانکه اگر شخصی قصد مسافت
نکند مثل انکه در طلب غلام گریخته خود از شهر
بیرون رود بقصد انکه هر جا که غلام را بیابد بر
گردد در این صورت این شخص را قصر کردن
نماز جایز نیست هر چند از هشت فرسخ بیشتر
رود اما در وقت برگشتن بشهر قصد کند اگر میان
او و شهر هشت فرسخ باشد **شرط دوم** انکه آن
موضع اقامت اعتداد بر رود که اذان نشنود دیوار
ها نیز نکند و این مقدار را حد ترخص گویند
شرط سیم انکه سفر معصیت نباشد پس غلام گریخته
و زن ناشزه و شکار کننده که بمحض لهو و لعب
شکار کند و شخصی که مقصد او از سفر امر حرام

باشد هیچیك از اینها را قصر نماز جایز نیست
شرط چهارم انکه سفر همه وقت نماز را فرا گرفته
باشد پس اگر بسفر رود و بعد از ان که از اول وقت
مقدار طهارت و نماز تمام گذاشته باشد
در اینصورت این نماز را تمام بگذارد و قصر جایز
نیست و همچنین هر گاه از سفر بوطن اید و از
وقت نماز مقدار طهارت و یك رکعت مانده باشد
نماز را تمام بگذارد **شرط پنجم** انکه کثیر السفر نباشد
یعنی در عرف او را کثیر السفر نگویند مثل مکاری
و ملاح و بعضی از مجتهدین بر انند که وقتی
کثیر السفر میشود که سه سفر و در مابین این سه
ده روز در وطن خود توقف نکند و در غیر وطن
خود نیز ده روز توقف نایستد پس مادام که کثیر
السفر باشد او را قصر کردن نماز جایز نیست **شرط
هفتم** انکه در اثنای سفر بوطن خود نرسد

پس اکر مسافر در اثنای سفر بوطن خود عبور نکند
نماز را تمام کند هر چند قصد اقامت ده روزه نماید
شرط هفتم انکه در اثنای سفر بموضعی رسد که
اورا دران ملکی باشد اکرچه یک درخت باشد
وشش ماه دران موضع توطن کرده باشد خواه
ان مدت شش ماه متوالی باشد وخواه متفرق
پس هرکاه مسافر بچنین موضعی برسد واجبست
که نماز را تمام کند اکرچه قصد این که زیاده
بر یک روز یا کمتر در انجا باشد **شرط هشتم** انکه
در اثنای سفر بیکی از چهار موضع که ان مسجد
مکه ومسجد مدینه ومسجد کوفه وحایر
کربلاست برسد ومراد از حایر ان زمینست که
متوکل اب فرات را دران سر داده بود تا مرقد
مقدس منور حضرت امام حسین علیه السلم خراب
شود پس اب برد ودران زمین بر بالای قبر ایستاده

ونتوانست که داخل ان موضع شود وانرا حایر جهت
ان کفتند که ابهای ان وار بر کردان ایستاده و
نتوانست که داخل ان موضع شود وان صحن
استانه مقدسه است با عمارتی که در انست
پس هرکاه مسافر بیکی ازان چهار موضع رسد
واقامت ده روز نکند براو لازم نیست که نماز را
قصر کند بلکه مخیر است میانه قصر واتمام و
اکر نماز را تمام کند ثواب ان بیشتر است وقول
مشهور انست که تخییر میان قصر واتمام مخصوص
ان موضع اربعه است وسید مرتضی وبعضی
از مجتهدین بر انند که فرقی میانه این چهار
موضع ومشاهد مقدسه حضرت ائمه معصومین
علیهم السلم نیست ظاهر کلام ایشانست که اتمام
نماز در همه این مواضع بر مسافر واجبست و
وقصر جایز نیست وابن بابویه بر انست که در

چهار موضع مذکور واجبست و اتمام جایز نیست
و اصح قول مشهور است و واجب نیست در نیت
نماز قصد قصر یا تمام کردن اما جایز است در اثنای
نماز عدول کردن بقصر بعد از نیت اتمام و عدول
کردن باتمام بعد از نیت قصر اما در صورت اول وقتی
عدول بقصر جایز است که برکعت سیم شروع
نکرده باشند و هرگاه نماز در یکی از چهار موضع
فوت شود مجتهدین را در کیفیت قضای آن سه
احتمالست اول آنکه همچنانکه مکلف در ادا مخیر
بود در قضا نیز مخیر است اگرچه قضا در غیر چهار
موضع بجا آورد دوم آنکه اگر مکلف قضا را در یکی
از آن چهار موضع بجا آورد مخیر است اما در غیر آن
مخیر نیست بلکه قصر لازمست سیم آنکه مطلقا
قصر لازمست خواه در یکی از آن مواضع واقع
و خواه در غیر آن و اصح احتمال اولست تمت

هرگاه شخ

هرگاه شخصی بقصد سفر از شهر بیرون رود و
بموضعی رسد که از شهر تا آن موضع هشت فرسخ
باشد و در این موضع انتظار قافله کشد و قافله
دیر بهم رسد در اینصورت واجبست که از روزی
که بآن موضع رسیده تا سی روز نماز را قصر کند
و بعد از سی روز تمام بکند اگرچه داند که قافله
ساعتی دیگر میرسد و همچنین مسافری که در اثنای
سفر بموضعی برسد و در بودن ده روز در آن موضع
متردد باشد پس مادامی که تردد او باقی باشد تا سی
روز نماز را قصر کند و بعد از سی روز نماز را تمام
کند اگرچه یکنماز باشد هرگاه مسافری در موضعی
قصد توقف ده روز کند در اثنای آن ده روز از آن
موضع بیرون رود بموضعی که حد ترخص است
و از موضع اول تا این موضع کمتر از هشت فرسخ
باشد پس اگر در وقت اول تا این موضع اول عزم

داشته که معاودت کند و ده روز مجدد و د
درانجا توقف نماید درین صورت در وقت رفتن
بموضع دوم و در وقت معاودت و در وقت توقف
نماز را تمام کند و اگر وقت بیرون رفتن از موضع
اول جزم آنکه بعد از عود ده روز انجا توقف نماید
و عزم عدم توقف باقی بود درین صورت نماز را
در وقت رفتن چون بمحل ترخص رسد و در وقت
برگشتن و توقف نمودن قصر کند هرگاه مسافر در
موضع قصد اقامت ده روز نماید و بعد از آن
عزم اقامت دهد و قصد سفر کند پس اگر بعد از آن
از عزم اقامت یک نماز را تمام گذارده باشد و یا
نمازها را که دران موضع میگذارد تمام گذارد
و الا قصر کند جایز است مسافر که در اثنای
گذاردن نماز قصر اقامت ده روزه نماید پس
درین حال لازم است که ان نماز را که شروع

دران

وتوقف

دران کرده تمام بگذارد و سنت است که مسافر بعد از
هر نماز فریضه سی نوبت بگوید سبحان الله
والحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر فصل سیم
در بیان نماز خوف بدانکه خوف موجب قصر
نماز میشود خواه در سفر و خواه حضر و حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم مکرر نماز
خوف را با جماعت گذارده اند پس هرگاه خوف
حاصل شود و اعدا در غیر جهت قبله باشند و لعل
اسلام اراده نمایند که نماز را بجماعت گذارند و ترسند
که در اثنای نماز اعدای ایشان حمله آورند دو فرقه
شوند اگر احتیاج بزیاده از دو فرقه نماز را بجماعت
بگذارند و فرقه دیگر حراست ایشان نمایند و پیشنماز
یک رکعت بگذارد و چون برکعت دوم برخیزد و فرقه
که اقتدا کرده اند قصد انفراد کنند و رکعت
دوم را منفرد بگذارند و چون فارغ شوند بجا

ایشان اشتغال نمایند و فرقه دیگر این
و در رکعت اوّل به رکعت دوّم به پیشنماز اقتدا کنند
و چون پیشنماز بنشیند ایشان برخیزند و رکعت
دوّم را بانفراد بگذارند و پیشنماز تشهّد را تطویل
دهد تا با ایشان تشهد را بفعل آورده سلام دهد
و اگر نماز مغرب باشد پیشنماز مخیّر است به هر یکی
از این دو فرقه که خواهد یک رکعت بگذارد و فرقه دیگر
دو رکعت جایز است که پیشنماز را با یک فرقه باخر
رساند و نوبت دیگر از نماز را با فرقه دیگر بگذارند و
این نماز دوّم پیشنماز نافله خواهد بود و اگر اعدا
در جهت قبله باشند و نمایان باشند پیشنماز
اهل اسلام را دو صف سازد صفی پیش و صفی
پس و هر دو صف با او برکوع روند و چون او بسجود
رود صف اوّل با او سجود کنند و صف دوّم با او
سجود نکنند بلکه ایستاده بحراست مشغول

باشند و چون پیشنماز برکعت دوّم شروع نماید
بسجود روند و صف اوّل بحراست اشتغال نمایند
و چون برکوع رود هر دو صف با او رکوع کنند و
چون بسجود رود صف اوّل با او سجود کنند و صف
دوّم بحراست اشتغال نمایند و چون صف اوّل
بتشهّد مشغول شوند صف دوّم بسجود روند
بعد از تشهّد هر دو صف با پیشنماز سلام دهند
و بدانکه در نماز خوف چون مخلّ صحّت نیست سلاح
با خود داشتن واجبست هر چند سلاح باشد
و اگر کلاه خود پیشانی را بپوشد و نتواند که دور
کند دور کردن آن لازم نیست و نماز صحیح است
تتمه هرگاه جنگ درگیرد و در آن وقت به هر طریق
که ممکن باشد ایستاده یا سواره یا در حالت راه رفتن
نماز گذارد پس اگر رو بقبله کردن در کل نماز متعذّر
باشد در هر بعضی از آن که تواند اگرچه در تکبیر احرام

باشد وپس دو سجده بر پالان اسب یا کوهه زین کند
واگر از رکوع وسجود متعذر باشد اشارت بسر
کافیست واگر نتواند بچشم اشارت کند واگر حال
بجای رسد که باشارت نیز ممکن نباشد عوض
هر رکعت سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اکبر بگوید پس عوض نماز مغرب بگوید وعوض
هر یک از چهار نماز دیگر دو نوبت بگوید ونیت
تکبیر احرام وتشهد وتسلیم بجا اورد **فصل چهارم**
در بیان احکام نماز جماعت از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که نماز جماعت افضل
است از نماز منفرد وبیست وچهار درجه وجماعت
در نمازهای پنجگانه یومیه مستحب است باستحباب
مؤکد ودر نماز جمعه واجبست خواه سنت
وخواه واجب ودر نماز عید قربان وعید ماه
رمضان گاه واجب باشد ودر نماز کسوف وخسوف

و مانند

محمد محمد محمد

۸۱

و مانند ان مستحب است اما در نماز سنتی جماعت
حرامست مگر در شش جا **اول** نماز طلب باران **دوم**
نماز عید قربان **سیم** نماز عید ماه رمضان وقتی
که سنت است **چهارم** نماز عید غدیر **پنجم** نماز بر میت
که بشش سال رسیده باشد **ششم** نمازی که یکنوبت
پیشنماز گذارده باشد وجمعی حاضر شوند وخواهند
که دران نماز اقتدا کنند پس جایز است که پیش نماز
ان نماز را نوبت دیگر به نیت سنت بگذارد وجمعی که
با او نماز را گذارده بودند نیز جایز است که نوبت
دیگر با او ان نماز را بر نیت سنت بگذارند وبدانکه
مشروع بودن نماز جماعت مشروطست بچهارده
شرط **اول** انکه پیشنماز بالغ باشد وبعضی از
مجتهدین جایز داشته اند که اگر طفل نزدیک
بر بلوغ باشد پیشنمازی تواند کرد واین مذهب
ضعیف است **دویم** انکه شیعه اثنا عشری باشد

سیم انکه عادل باشد اگرچه بنده باشد و بعضی
از مجتهدین تجویز نکرده اند که بنده پیش نمازی
غیر بنده کند و هرگاه بعد از نماز جماعت ظاهر
شود که پیشنماز عادل نبوده بر ماموین لازم نیست
که نماز را اعاده کند خواه وقت نماز باقی باشد و
خواه نباشد و اگر در اثنای نماز ظاهر شود نیت
افراد کند و انچه به نیت اقتدا واقع شده صحیح
است چهارم انکه ایستاده نماز گذارد پس اگر
بجهت بیماری نشسته نماز گذارد و نتواند که بر
پا ایستد جایز است که به نشیند اما جایز نیست
شخصی را که قادر بر ایستادن باشد با او اقتدا
کند اما کسی را که قدرت ایستادن نیست جایز نیست
پنجم انکه از اخراج بعضی حروف فاتحه و سوره
واذکار واجبی عاجز نباشد پس اگر عاجز باشد
او را جایز است که پیشنمازی شخصی که بران قادر و جایز است

که پیشنمازی

که پیشنمازی مثل خود کند ششم انکه مرد باشد
هرگاه پیشنمازی مردان کند چه زن را جایز نیست اما
پیشنمازی زنان کردن جایز است مرد را و زن را و
خنثی را جایز است که پیشنمازی زنان کند اما
پیشنمازی مردان و مثل خود جایز نیست هفتم
انکه ماموم مقدم بر پیشنماز نکند یعنی جای ایستادن
او نزدیکتر بقبله نباشد اما در پهلوی پیشنماز
ایستادن او جایز است و بعضی از مجتهدین انرا جایز
نمیدانند و اگر سجده گاه ماموم بواسطه درازی
قد او بقبله نزدیکتر باشد از سجده گاه اما جای
ایستادن او نزدیکتر نباشد بعضی از مجتهدین نماز
ماموم را جایز میدانند و همچنین هرگاه ماموم
بر در کعبه نماز گذارند جایز نیست که احدی از ایشان
بکعبه نزدیکتر باشند از پیشنماز و اگر در اندرون
خانه کعبه نماز گذارند جایز است که بکصف

در پس پیشنماز ایستند و یکصف در پیش ایستند
روبروی پیش نماز جایز است که بر دور پیشنماز
ایستند و او در میان دایره ایستد و اگر کشتی که ما
موین دران نماز گذارند بود زیدن باد مقدم بر کشتی
پیشنماز شود واجبست که ماموین نیت انفراد
کنند و اگر بر نیت جماعت بمانند نماز ایشان با
طلست هشتم انکه ماموم از پیشنماز بسیار دور
نباشد بحیثیتی که بخلاف عادت رسیده اما
اگر بعضی از ماموین بواسطه تعدد صفها بسیار
دور شوند قصوری ندارد نهم انکه پیشنماز از ان
مکان ماموین اعتدادا بلند نباشد که توان
انرا گام زدن جایز است که مکان ماموم بلندتر
نباشد از مکان پیشنماز زیاده از یک گام اما هرگاه
زمین سرابالا یا سراشیب باشد نماز جماعت دران
جایز است خواه ماموم پائین تر باشد و خواه پیش نماز

دهم نیت اقتدا بعد از انکه پیش نماز تکبیره احرام و
اگر بی نیت اقتدا متابعت کند و امری که بر منفرد واجبست
مثل ذکر رکوع و سجود بجا بیاورد نماز او باطلست
اما بر پیش نماز نیت پیشنمازی واجب نیست مگر
در نمازی که جماعت دران واجب باشد مثل نماز
جمعه که دران بر پیشنماز نیت جماعت واجب
است یازدهم انکه پیشنماز نزد ماموین باشد پس
اگر دو پیشنماز گذارند و ماموم یکی غیر معین اقتدا
کند نماز او باطلست دوازدهم انکه پیشنماز زیاده
بر یک شخص نباشد پس اگر اقتدا بدو شخص کند
نماز باطلست اما اگر پیشنماز را بیهوشی یا حدثی
واقع شود درین صورت بواسطه این عذر ماموم
را جایز است که در باقی نماز اقتدا به پیشنماز دیگر
کند و بعضی از مجتهدین بر انند که بی عذر نیز جایز است
در اثنای اقتدا به پیشنماز عدول به پیشنماز دیگر

کردن خصوصاً اگر پیشنماز دوم افضل **سیزدهم**
آنکه ماموم پیشنماز را ببیند یا شخصی از مامومین
که پیشنماز را بی واسطه ببیند یا بواسطه یا بو
سایط پس اگر پرده حایل باشد بحیثیتی که نه ماموم
پیشنماز را ببیند و نه کسی را که بواسطه یا بوسایط
پیش نماز را به بیند نماز باطلست و اگر حایل کوتاه
باشد چنانچه پیشنماز در وقت نشستن دیده نشود
و اما در وقت قیام دیده شود در اینصورت نماز
جماعت صحیح است اما اگر زن بمرد اقتدا کند و حایل
درمیان زن باشد نماز زن صحیح است **چهاردهم**
آنکه صورت نماز پیشنماز مخالف صورت نماز
ماموم نباشد پس در وقتی که پیشنماز مثلا نماز
کسوف میگذارد جایز نیست که شخصی در نماز صبح
یا ظهر باو اقتدا کند و جایز است نماز واجبی را اقتدا
کردن بشخصی که نماز سنت میگذارد و شش صورت

قبل

قبل از این مذکور شد و همچنین جایز است اقتدا
کردن در نماز ظهر بنماز عصر و عکس در نماز ادا
و قضا و عکس در نماز دو رکعتی و نماز سه
رکعتی یا چهار رکعتی و عکس چون نماز ماموم
کمتر باشد مخیر است اگر خواهد انتظار پیشنماز
کشد تا وقتی که سلام دهد او نیز سلام دهد و
اگر خواهد سلام دهد اما انتظار افضل است
و اگر نماز ماموم اطول باشد مخیر است اگر خواهد
قبل از آنکه پیشنماز سلام دهد و برخیزد و نماز
خود را بجا آورد و اگر خواهد انتظار سلام دادن
او بکشد و بعد از آن نماز خود را اتمام کند و انتظار
افضل است **تتمه** بر ماموم واجبست متابعت
کردن پیشنماز یعنی هیچیک از افعالی و اقوالی نماز را
قبل از پیش نماز بفعل آوردن اما باهم بجا آوردن
جایز است مگر تکبیرة الاحرام بجا آورند نماز ماموم باطل

خواهد بود و بعضی از مجتهدین برآنند که متابعت
پیشنماز در اقوال و افعال سوای تکبیر احرام واجب
نیست پس اگر مأموم ذکر رکوع یا سجود یا امثال آنرا
قبل از پیشنماز بجا آورد و قصوری ندارد و این قول
اصح است و هرگاه بعضی از افعال را پیش از پیشنماز
عمداً بجا آورد نماز او صحیح است مگر در یک صورت
و آن است که عمداً برکوع رود قبل از آنکه پیشنماز
قرائت را تمام کند امّا اگر از روی سهو قبل از پیشنماز
رکوع کند در اینصورت واجبست که سر از رکوع
بردارد و بمتابعت پیشنماز رکوع کند و جایز است
مأموم را سلام دادن قبل از آنکه پیشنماز سلام
دهد خواه ضرورت داشته باشد و خواه نه
امّا بعد از آنکه نیّت انفراد کند و همچنین جایز است
که در اثنای نماز نیّت انفراد نماید و تتمه نماز را
منفرد بگذارد مگر در نمازی که جماعت در آن

واجبست مثل نماز جمعه و نماز عید وقتی که واجب
شود هرگاه مأموم در اثنای نماز نیّت انفراد کند
پس اگر انفراد او قبل از آنست که پیشنماز حمد خوانده
لازم است که او حمد را منفرد شده اکتفا بخواندن
پیشنماز کند در خواندن حمد و خود سوره را
بخواند اگر محل سوره باقی باشد و اگر در اثنای خواندن
پیشنماز حمد را یا سوره یا تسبیح را نیّت انفراد کند
لازم است که آنچه پیشنماز نخوانده بخواند و از مأموم
غیر از قرائت حمد و سوره و تسبیحات اربعه چیزی
ساقط نمیشود خواه قرائت پیشنماز بشنود و خواه
نشنود امّا تکبیر احرام و ذکر رکوع و ذکر سجود و تشهّد
و سلام دادن بر مأموم واجبست و بفعل آوردن
پیشنماز از او ساقط نمیشود و بعضی از مجتهدین قرائت
کردن مأموم را حرام میدانند و بعضی مکروه میدانند
مگر آنکه مأموم قرائت پیشنماز را بهیچ وجه نشنود

در اینصورت قراءت مکروه نمی‌است و بدانکه
هرگاه شخصی وقتی رسد که پیشنماز در رکوع باشد
او در این حالت نیت اقتدا کند و برکوع رود و حکم که
کل رکعت را دریافته باشد هرچند از فارغ شدن
پیشنماز از ذکر رکوع رسیده باشد و اگر ترسد که
تا بصف ماموم رسیدن پیشنماز سر از رکوع بردارد
در اینصورت مخیّر است اگر خواهد همانجا نیّت اقتدا
کند و تکبیر احرام بگوید و برکوع رود و رکوع کرده خود را
بصف رساند و اگر خواهد دو سجده را نیز انجا بجا
اورد و بعد از ان خود را بصف رساند و سنّت است
که در وقت رفتن بجانب صف پای خود بروی صف
کشد و گام برندارد و اگر وقتی رسد که پیشنماز
سر از رکوع برداشته و بسجود رفته یا وقتی که
در سجده باشد در این دو صورت سنّت که بی
اقتدا تکبیر احرام بجا اورد و با پیشنماز سجده کند

و چون پیشنماز برکعت دویم رود با او برخیزد و نیّت
کرده از سر گیرد و بعضی از مجتهدین برانند که نیّت
اوّل کافیست و احتیاج بنیّت دیگر نیست
و اگر وقتی برسد که پیشنماز سر از سجده دویّم
برداشته بتشهّد نشسته سنّتست که بعد از
نیّت و تکبیر احرام بنشیند و ذکر خدا بجا اورد پس
اگر تشهّد اخر باشد ماموم اقتدا صبر نماید که پیشنماز
سلام دهد و بعد از ان برخیزد و نماز را بهمان نیّت
باتمام رساند و هرگاه ماموم دو رکعت اخر را با
پیشنماز دریافته باشد مخیّر است در دو رکعت ثانی
که منفرد میکند از در میانه حمد و تسبیح اگرچه پیشنماز
در دو رکعت اخر فاتحه نخوانده باشد و بعضی از مجتهدین
برانند که هرگاه پیشنماز در دو رکعت اخر فاتحه نخوانده
باشد و اکتفا به تسبیح کرده بر ماموم واجبست که
در یکی از این دو رکعت فاتحه بخواند و اکتفا به تسبیح

نکند و اکر شخصی بواسطه تقیّه به پیشناز
سنّی اقتدا نماید واجبست که اهسته قران کند
و اکر محال سوره خواندن نماند فاتحه کافیست
و اکر مطلقا قراءت نکند نماز او باطلست و اکر
در اثنای قراءت کردن او پیشناز برکوع رود و
از قراءت انچه نتواند بجا اوردن در وقت خم شدن
و در حال رکوع قبل از ذکر بجا اورد **خاتمه** سنّتست
که صفهای نماز جماعت را راست بدارند و صف
اوّل را مخصوص اهل فضل و تقوی کردانند و اکر
مأموم یک شخص باشد در جانب راست پیشناز بایستد
اکر مرد باشد و اکر زن یا خنثی باشد در پس سر پیشناز
ایستد و اکر زن پیشنمازی زنان کند داخل صف
ایشان ایستد و تقدّم بر ایشان نکند و نیز سنّت
سنّت است که پیشناز در ذکر رکوع و سجود
و قنوت جهر نماید و نماز را تطویل نماید بسورهای

طویل

طویل خواندن یا طویل قنوت و ذکر رکوع و سجود
و امثال ان نماید هرکاه پیشناز در اثنای نماز واقف
شود که شخصی داخل مسجد شده و اراده نماز
جماعت دارد انتظار او بکشد بتطویل ذکر یا قراءت
تا ان شخص رکعت را دریابد و میباید که مدّت انتظار
زیاده از مقدار ذکر رکوع نباشد و هرکاه
داند که جماعتی حاضر خواهند شد که با او اقتدا کنند
انتظار امدن ایشان بکشد انقدر که وقت فضیلت
نماز فوت نشود و مکروه هست که پیشناز جولاه باشد
و اکرچه عالم باشد و حجّام نباشد اکرچه زاهد
باشد و دباغ نباشد اکرچه عابد باشد و همچنین
مکروه هست که کور باشد یا افلج یا جذام یا برص داشته
باشد مکر انکه پیشنمازی جماعتی کند که در این
علتها مثل او باشند و همچنین مکروه است
اقتدا کردن بشخصی که بی وضو باشد و بشخصی

که نماز را بواسطه ضرورت بتیمم بگذارد **باب**
سیم از کتاب جامع عباسی در احکام زکوة
واجبی و سنتی و خمس واجبی و سنتی و در ان چهار
مطلبست **مطلب اول** در زکوة واجبی و در ان
شش فصل است **فصل اول** بدانکه در باب
زکوة واجبی دادن مبالغه بسیار در حدیث
وارد است از الجمله از حضرت رسالت پناه محمدی صلی
الله علیه واله وسلم منقولست که فرمود زکوة اموالکم
قبل صلوتکم یعنی زکوة مال خود بدهید تا نماز
شما قبول شود ونیز از انحضرت منقولست که فرمود
مانع الزکوة فی النار یعنی منع کننده زکوة در اتش
خواهد سوخت و در حدیث نیز این مضمون وارد است
که شخصی که زکوة مال خود ندهد خدای تعالی
درقیامت مار افعی را او میگمارد که دست او را
بگزد و طوق گردن او باشد و هر شتر وگاو

وگوسفند که زکوتش را نداده باشند انشخص را
در زیر دست و پای خود میگیرند و شاخ دار اورا
شاخ میزند تا وقتی که حساب خلایق باخر رسد
فصل دویم بدانکه زکوة در نه چیز واجبست طلا
ونقره وگندم وجو وخرما ومویز و شتر وگاو
وگوسفند و بر شخصی واجبست که بالغ وعاقل
وازاد باشد و بنده نباشد و مالک نصاب باشد
بتفصیلی که انشاء الله تعالی مذکور خواهد
شد وقدرت داشته باشد که در مال خود
تصرف نماید پس در مالی که غصب شده باشد زکوة
نیست و زکوة طلا و نقره دادن وقتی واجبست که
سه شرط بهم رسد **شرط اول** انکه سکه داشته باشد
اگرچه ان سکه متروک شده باشد و کسی بان معامله
نکند پس شمسه طلا و نقره و طلا الات و نقره الات
را زکوة نیست و همچنین در زر مطلس اگرچه مرد

بان معامله کند **شرط دوم** انکه هر یک از طلا و نقره
بنصاب رسیده باشد و نصاب بیست مثقال
شرعیست و در کمتر از بیست مثقال زکوة نیست و اگر
بر بیست مثقال یک مثقال یا دو مثقال یا سه
مثقال زیاده شود ان زیاده را زکوة نیست تا بچهار
مثقال رسد و همچنین اگر بر بیست و چهار مثقال یکمثقال
یا دو مثقال یا سه مثقال زیاده شود دران زیاده
زکوة نیست تا وقتی که بچهار مثقال رسد و برین قیاس
و نصاب نقره دویست درهم است و در کمتر ازان زکوة
نیست و همچنین اگر بر دویست درهم چیزی زیاده
شود دران زیاده زکوة نیست تا وقتی که بچهل درهم
رسد و برین قیاس و زکوة طلا و نقره یکدانک
و نیم و ده یک است پس زکوة بیست مثقال طلا نیم
مثقالست و زکوة هر چهار مثقال که بعد از بیست
مثقال بهم میرسد ده یک مثقالست و زکوة دویست

درهم است پنج درهم است و زکوة چهل درهم که
بعد از دویست درهم بهم رسد یک درهم است **شرط
سیم** حولانست یعنی انکه نصاب مدت یازده
ماه در ملک اینکس باشد در انصورت و در این
یازده ماه سکه دار باشد در اول ماه دوازدهم
زکوة واجب میشود و اگر در اثنای این مدت چیزی
از مقدار نصاب تلف شود یا بقرض بشخصی داده
شود یا بعضی را طلا الات یا نقره الات و طلسر
سازد زکوة ساقط میشود هر چند بعمد کرده باشد
تا زکوة بر او واجب نشود و بدانکه قرض داری مانع زکوة
نمیشود پس اگر شخصی مالک دویست درهم باشد
و دویست درهم یا زیاده قرض داشته باشد زکوة
بر او واجبست هر چند مالک چیزی دیگر نباشد
فصل سیم در زکوة گندم و جو و خرما و مویز
زکوة این اجناس ده یک واجبست بدو شرط **شرط اول**

انکه خود این اجناس را کاشته باشد یا قبل از انکه
کندم وجو وانکور دانه بندد وخرما زرد یا سرخ
شود بملک او درآید پس اکر کندم وجو وانکور
بعد از دانه بستن وخرما بعد از انکه سرخ یا زرد شود
بملک شخصی درآید زکوة ندارد **شرط دوم** انکه بنصاب
رسیده باشد وان سیصد صاع شرعیست و
صاع شرعی یکهزار وصد وهفتاد درهم شرعیست
ودرهم شرعی بوزن چهل وهشت جو میانه است پس
صاع بوزن پنجاه وشش هزار ویکصد وشصت
جو میانه است چنانچه در بحث وضو مذکور شد
وهر چند بر نصاب زیاده باشد اکرچه یکمن یا کمتر
باشد زکوة دادن ان واجبست وزکوة این اجناس
ده یک اکر باب روان یا باران یا احتیاج باب
دادن حاصل شده باشد ونصف ده یک است
اکر باب چاه وامثال ان حاصل شده باشد حکم

بر اغلب است واکر برابر باشند چهار دانک ونیم
از ده یک ان باید داد پس اکر شصت خروار کندم بهر
دو اب بالسویه حاصل شود زکوة ان چهار خروار
ونیم است واعتبار نصاب این اجناس بعد از وضع
تخم وخراج وحصهٔ بزکر ونقصان کار ومصالح
الاملاک است واکر باب یا زراعت را قبل از دانه بستن
خریده باشد قیمت انرا بیرون کند وبعد از بیرون
کردن اینها نصاب بماند زکوة واجبست واکر کمتر بماند
ساقط است وانکوری که عادت نیست که انرا مویز
کنند ورطبی که عادت نیست که انرا خرما کنند تخمین
باید کرد که اکر مویز وخرما شود بنصاب می رسد یا نه
اکر بنصاب رسد زکوة واجبست والا ساقط است
وتا وقت دادن زکوة هرچه صاحب مال از این اجناس
تصرف کند از انکور ورطب وغیره واجبست که مقدار
زکوة انرا معلوم خود سازد ووقت دادن زکوة عوض

از اغنیا بمستحق رساند وهرگاه زکوة این اجناس را
یکنوبت داده باشد دیگر دادن زکوة انها واجب نیست
اگرچه چند سال بران بگذرد **فصل**
در بیان زکوة گاو وشتر وگوسفند واجبست
بچهار شرط **شرط اول** انکه در مدت مذکور قوت
انها از چریدن باشد نه از مال صاحب **شرط دویم**
انکه در مدت مذکور شتر وگاو را کار نفرمایند مثل
بار کردن وزمین شیار کردن **شرط سیم** انکه بنصاب
رسد پس اگر کمتر از پنج شتر باشد برو زکوة نیست
وتا به بیست وشش شتر نرسد در زکوة هر پنج شتر
یک راس گوسفند است وچون به بیست
وشش شتر رسد زکوة ان یکنفر شتر ماده است
که یکسال تمام کرده باشد و داخل سال دویم شده
باشد وچون بسی وشش رسد زکوة ان یکنفر
شتر ماده است که در سال چهارم داخل شده باشد

وچون بشصت ویک برسد زکوة یکنفر شتر ماده
است که در سال ششم داخل شده باشد وچون
بهفتاد وشش برسد زکوة دو نفر شتر ماده که داخل
در سال سیم شده باشد وچون بنود ویک برسد
زکوة دو نفر شتر ماده است که در سال چهارم داخل
شده باشد وچون بصد وبیست ویک برسد
زکوة در هر چهل نفر یکنفر شتر ماده که در سال سیم
داخل شده باشد ودر هر پنجاه نفر یکنفر شتر ماده
است که در سال چهارم داخل شده باشد وگاو تا به
سی نرسد زکوة ندارد وچون بسی برسد زکوة ان
یکنفر گوساله است خواه نر وخواه ماده که در سال
سیم داخل شده باشد وگوسفند تا بچهل نرسد
زکوة ندارد وچون بچهل راس رسد زکوة یکراس
گوسفند است وچون بصد وبیست ویک
راس رسد زکوة دو راس گوسفند است وچون

بدویست ویک رسد زکوة سه راس کوسفند است
وچون بسیصد ویک رسد زکوة چهار راس کوسفند است
وچون بچهارصد رسد زکوة هر صد راس یک راس است
وهر عددی که مذکور شد از شتر وگاو وکوسفند انرا
در شرع نصاب کویند وهرچه درمابین دو نصاب
واقع است زکوة ندارد وکوسفندی که بزکوة داده
میشود واجبست کمتر از هفت ماهه نباشد وبیمار
وعیبناك ولاغر وابستن نباشد اکر تازه زاییده باشد
تا پانزده روز بکذرد بزکات نمیتوان داد فصل پنجم
دربیان مستحقان زکوة وایشان هشت فرقه
اند اول ودویم فقرا ومساکین یعنی کسانی که مالك
قوت یکساله خود وعیال خود نباشند وکسبی
وصنعتی نداشته باشند که بان وفا کند وشرط
انکه سید نباشد مکر انکه زکوة دهنده سید
باشد اکرچه زکوة بسید وسادات روا نیست

سیم جماعتی اند که حاکم شرع ایشانرا بجهة
اخذ زکوة از مردم وضبط ومحاسبه وقسمت ان
تعیین نموده باشد وشرط نیست که این جماعت
فقرا ومساکین باشند پس هرچند مالدار باشند
انچه حاکم شرع بحق السعی ایشان تعیین نماید
میتوان کرفت چهارم جماعت کافر که در جهاد
مدد اسلام نمایند پنجم هر بنده که در خدمت
اقای خود مشقت وازار کشد پس اورا از زکوة
میتوان خریدن وازاد کردن وهمچنین بنده
که شرط کرده باشد که مبلغی باقای خود بدهد و
بعد ازان ازاد باشد هرکاه عاجز شود از تحصیل کل
ان مبلغ را یا تتمه انرا از زکوة باقای او میتوان
داد تا ازاد شود ششم جماعتی که قرض بسیار
اورده باشند واز دادن ان عاجز باشند بشرط
انکه ان قرض را در معصیت صرف نکرده باشند

هفتم سبیل الله مثل پل ساختن و مسجد
عمارت کردن و مدرسه جهة طالب علمان ساختن
که بطلب علم مشغول باشند که در اخرت نفعی
بایشان رسد هشتم ابن سبیل یعنی شخصی اکر
در شهر خود مال دارد و غنی است امّا دغربت افتاده
باشد و پریشان شده باشد باو زکوة میتوان داد
بشرط انکه سفر او معصیت نباشد و بشخصی نتواند
که از او قرض بکیرد یا چیزی از اموالی که در شهر خود
دارد بفروشد فصل ششم در بیان زکوة فطرت
بدانکه هرکاه شخصی که بالغ و عاقل و قادر بر قوت
یکساله خود باشد خواه او و عیالان او روزه ماه
رمضان کرفته باشند و خواه نکرفته باشند
بر او واجبست که از خود و از هر یک عیالان مقدار
یکصاع یعنی یکمن و چهار یک بوزن تبریز تخمینا
از کندم یا جو یا خرما یا مویز یا برنج یا کشک یا شیر

یا بچه در اقلب اوقات قوت اهل ملک باشد
بمستحق رساند و وقت دادن بمستحق نیّت چنین کند
که این اجناس را بمستحق میدهم بجهة زکوة فطره
واجب تقرّب بخدا و مصرف زکوة فطره مصرف زکوة
مالست و جایز است قیمت ان جنس بمستحق و اکر
در شب عید رمضان مهمانی قبل از شام برسد
فطره او بر ان کس واجبست خواه طعام اینکس را
خورد و خواه نخورد و همچنین هر غلامی و کنیزی
که کریخته باشد یا غایب باشند فطره ایشان نیز بر
انکس واجبست مادام که مردن ایشان معلوم نباشد
و وقت دادن زکوة فطره از اوّل شب عید است تا وقت
ظهر روز عید تا احوال بعد از ان پس اکر تاخیر کند
قضا باید داد و بعضی از مجتهدین برانند که احتیاط
روز عید را میتوان داد و بعد از ان قضاست
مطلب دویم در بیان زکوة سنتی بدانکه زکوة

سنّتی در هشت چیز است اوّل انکه در اسب
مادیان است و زکات هر اسبی در سالی دو مثقا[ل]
شرعی طلا است اگر پدر و مادرش هر دو اصیل
باشند و یک مثقال است اگر یکی از ایشان اصیل
باشد یا هیچیک از ایشان اصیل نباشد بشرط
انکه تمام سال در صحرا چرد یعنی علوفه ایشان
از مال مالک نباشد دویم انچه زکوة دران سنّت
است مالیست که مالک ان کاری کرده باشد که بواسطه
ان کار زکوة دران واجب نشده باشد مثل انکه در اثنای
سال بقرض شخصی دهد یا زر سکه دار را مطلّا
سازد یا از نصاب اوّل شتر یا گاو یا گوسفند
چیزی بشخصی ببخشد پس از مثل اینها زکوة
دادن سنّت است از انچه زکوة دادن سیم
از انچه زکوة دادان سنّت است حاصل
مستغلّاتست مثل دکان و حمّام و کاروانسرای

وامثال ان پس سنّت است که یک دانگ و نیم ده
یک ان حاصل را بزکات بدهد هرچند بنصاب
نرسد و حول بر و نگذرد چهارم از انچه زکوة دادن
دران سنّت است هر چیزیست که از زمین بروید
و بکیل و وزن در اید مثل برنج و نخود و عدس
و مانند ان و نصاب و حول ان بطریق نصاب و حول
گندم و جو و خرما و مویز است و همچنین دو عشر
نصف عشر امّا در سبزیهای خربزه و خیار و مانند
ان زکوة بر ان سنّت نیست پنجم هرگاه مال چند
سال در دست مالک نباشد و بعد از چند سال بدست
مالک در اید سنّت است که زکوة یکساله از ان بدهد
ششم از انچه زکوة دادن ان سنّت است مالیست
که مالک داشته باشد که بنصاب رسیده یا نرسیده
که مادام که شک داشته باشد زکوة ان را بدهد
هفتم از انچه زکوة دادن ان سنّت است مال تجارتست

چند جهة

حصه

یعنی هرگاه شخصی متاعی چند جهة تجارت
بخرد یا یکی را اجاره کند بقصد آنکه باجاره وفاید
ازان حاصل کند پس هرگاه ان مال بنصاب طلا
یا نقره رسیده باشد و در مدت یکسال نقصان
نکند زکوة ان سنت است هشتم ازانچه زکوة دادن
ان سنت است مال طفلست هرگاه ولی طفل بان تجارت
کند از برای طفل و شرط زکوة تجارت بهم رسد
کرولی ازان زکوة بدهد مطلب سیم در بیان احکام
خمس بدانکه خمس در هفت چیز واجبست اول
غنیمت که از کافر حربی بدست آید هر مقداری
که باشد دویم هرگاه معدنی بهم رسد مثل فیروزه
و مس و گل ارمنی و مانند ان بشرط آنکه بعد از ان
اخراجات ضروری مثل کندن و صاف نمودن
قیمت انچه بماندست مثقال شرعی طلا شود
بعضی از مجتهدین را مذهب انست که دادن خمس

مطلب

مطلب

ان واجبست هرچند قیمتان از بیست مثقال
کمتر باشد سیم هرچه از دریا بغواصی بیرون
اورند مثل مروارید و مرجان و غیر ان هرگاه قیمت
ان بیست مثقال طلا شود چهارم مال حلال هرگاه
بمال حرام مخلوط شود و قدری حرام و صاحب ان
معلوم نباشد اما این قدر معلوم باشد که از پنج یک
زیاده نیست در اینصورت خمس انرا باید داد هر مقدار
که باشد و باقی حلال میشود و اگر معلوم باشد
که از پنج یک زیاده است خمس را باید داد و زیادتی
را تخمین باید نمود و بفقرا و مساکین تصدق باید
کرد پنجم زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد واجبست
که خمس ان زمین را یا خمس قیمتان یا خمس حاصل هر ساله
انرا بدهد ششم زری که در زیر زمین یافته
شود بشرطی که در بلاد کافر حربی یافت شود
دادن خمس ان واجبست خواه اثر اسلام بران باشد

وخواه نباشد وباقی زان شخص است که یافته
است وهمچنین اگر در بلاد اسلام یافته
شده باشد لقطه است واحکام ان بعد از این مذکور
خواهد شد انشاء الله تعالی فایده هفتم فایده که از تجارت
یا زراعت یا حرفه و مانند ان بهم رسد پس هر گاه
ان فایده زیاده از کل اخراجات یکساله باشد خمس
ان زیاده را باید داد پس اگر شخصی از سود تجارت
بیست تومان مثلا حاصل کرده باشد و اخراجات
لایق بحال او ده تومان شود ده تومان از ان بیست
تومان بجهة اخراجات بر دارد و از ده تومان که
میماند دو تومان بخمس بدهد و بر این قیاس است
فایده که از زراعت و حرفه بهم رسد و اگر در ان
سال پیشکشی شخصی بدهد یا زن بخواهد یا غلام
یا کنیزکی و مانند ان چیز خریداری نماید یا او را حج
کند از جمله اخراجات سال حسابست پس انچه

از وضع کل اینها بماند دادن خمس ان واجبست هر
قدری که باشد و بدانکه نصف خمس تعلق بحضرت
صاحب الزمان علیه السلم دارد و نصفی دیگر
بسادات هینی جمعی که از جانب پدر بهاشم که جد
حضرت رسالت پناهست صلی الله علیه واله
وسلم منسوبند اگرچه از اولاد حضرت فاطمه زهرا
علیهما السلم نباشند بشرط انکه شیعه اثنا
عشری باشند و ایتام و یا مساکین یا ابنای سبیل
باشند و نصفی که تعلق بحضرت صاحب الزمان
علیه السلم دارد و در زمان غیبت بی صاحب
سال واجبست که بمجتهدین دهد تا مجتهدین
ان را بجماعت قسمت نماید باب چهارم از کتاب
جامع عباسی در بیان احکام روزه واجبی وسنتی
و در ان پنج مطلب است مطلب اول در بیان
محرمات و مبطلات روزه بدانکه هشت چیز است

کہ بفعل اوردن ان در روزہ واجبی حرامست
واکر بفعل اورند روزہ باطل است اول چیزی
خوردن واب اشامیدن هرچند خوردن و
اشامیدن ان خلاف عادت باشد و بعضی
از مجتهدین برانند کہ خوردن انچه خوردن
ان خلاف عادتست مثل پوست تخم مرغ و برک
درخت و مانند ان روزہ را باطل نمیکند و این
مذهب ضعیفست و هرکاه بلغم از دماغ
یا از سینه بدهن اید فرو بردن ان روزہ را باطل
میسازد و اکر تشنکی و کرسنکی بر شخصی غالب
شود چنانچه تحمل نتواند کرد دران وقت اب
یا نان بخورد اما زیاده بر انچه دفع مضرت
کند نخورد بر او واجبست کہ لقمه را بزرک و همچنین
جرعه اب را تا مدت خوردن و اشامیدن
دراز شود دویم از انچه روزہ را باطل میسازد

انزال منی است عمدا بهر طریق کہ باشد اما اکر زن
دارد و روز محتلم شود روزہ او باطل نمیشود و لازم
نیست کہ همان وقت غسل کند مکر انکه وقت
نماز تنک باشد و اکر داند کہ چون در روز خواب
کند محتلم خواهد شد خواب کردن او از روی
عمد و اختیار حرامست سیم از انچه روزہ را باطل
میسازد داخل کردن حشفه است عمدا در قبل یا
دبر زنده یا مرده پس فاعل و مفعول باطل باطل روزن
میشود و اکر شخصی زن خود را در روزہ بزور
جماع کند کفاره خود و ان زن در کردن مرد است
و اکر زن مرد را بزور بجماع دارد کفاره زن و مرد بر
زنست چهارم از انچه روزہ را باطل میسازد بر
جنابت ماندنست تا وقت صبح پس قضا و کفاره
لازم میشود و همچنین اکر زن تاخیر غسل
حیض یا استحاضه یا نفاس کند تا وقت صبح

داخل شود و اگر جنب بخوابد بقصد آنکه آخر شب
غسل کند و تا صبح بیدار نشود نه قضا بر و لازم
است و نه کفاره و اگر قصد آن داشته که غسل
نکند هم قضا و هم کفاره لازم است و اگر غسل
کردن و نکردن بخاطرش نرسیده باشد قضا
لازم است نه کفاره و همچنین اگر از خواب
اوّل بیدار شود و نوبت دویم بخواب بگمان آنکه
بجهة غسل کردن در شب بیدار خواهد شد
و تا صبح بیدار نشود قضا لازم است نه کفاره و
اگر در اینصورت گمان بیدار شدن نداشته باشد
کفاره نیز لازم است و اگر نوبت سیّم بخواب رود
تا صبح بیدار نشود قضا و کفاره لازم است
هرچند بقصد غسل کردن بخواب رود و گمان
داشته باشد که در شب بجهة غسل کردن بیدار
خواهد شد **پنجم** از آنچه روزه را باطل میکند

رسانیدن

رسانیدن گرد غلیظ است عمداً بحلق و همچنین
رسانیدن دود غلیظ است پس هرگاه یکی از این
سه چیز را بحلق رساند از روی عمد قضا بر او لازم
است و کفاره ندارد **ششم** از آنچه روزه را باطل
میکند قی کردن است از روی عمد و آن موجب قضا است
و کفاره لازم نیست و بعضی از مجتهدین کفاره
لازم میدانند امّا اگر بی اختیار اید چیزی لازم
نمیشود **هفتم** از آنچه روزه را باطل میکند فرو
رفتن در آبست از روی عمد و قضا واجب میشود
و بعضی از مجتهدین کفاره را نیز لازم میدانند و
اگر جنب روزه واجبی داشته باشد و غسل ارتماسی
کند روزه او باطل است **هشتم** از آنچه روزه را
باطل میکند دروغ بر خدای تعالی گفتن است
مثل آنکه بگوید فلان چیز را واقع باشد و همچنین
دروغ گفتن بر حضرت پیغمبر صلّی الله علیه و آله و سلّم

وبر یکی از ائمه معصومین علیهم السلام وان موجب
قضاست وبعضی از مجتهدین کفاره را نیز واجب
میدانند **مطلب دویم** در بیان روزه واجب
وسنت ومکروه وحرام ودران چهار فصلست

فصل اول در بیان روزهای واجبی وان بر هشت
قسمتست **اول** روزه ماه رمضان است وثابت
میشود داخل شدن ماه رمضان مگر بیکی از سه
چیز **اول** انکه معلوم شود که سی روز از ماه شعبان
گذشته باشد **دویم** شیاع یعنی جمعی کثیر که از سخن
ایشان ظن حاصل شود اخبار نمایند که ماه را
دیده اند **سیم** دو مرد عادل که گواهی دهند که ماه را
دیده پس اگر دو زن عادله یا انکه یک مرد عادل
ودو زن یا بیشتر که عادل باشند گواهی دهند که
ماه را دیده اند بگواهی ایشان ثابت نمیشود مگر انکه
بحد شیاع رسد وبحساب تقویم وغیر ان

داخل شدن

داخل شدن ماه رمضان ثابت نمیشود **دویم** از روزهای
واجبی روزه قضای ماه رمضانست وواجبست بجا
اوردن ان پیش از انکه ماه رمضان اینده داخل
شود پس اگر شخصی ده روز مثلا از قضای ماه رمضان
براو واجب باشد وقضای انرا تاخیر میتواند کرد
تا وقتی که بماه رمضان اینده ده روز بماند پس اگر
همیشه عازم بوده که ان ده روزه را قضا کند وچون
بماه رمضان ده روز ماند مانعی از روزه داشتن بهم
برسد مثل انکه بیمار شود یا زن حیض بیند درین
صورت همین قضاء ده روز واجبست اگر بعد از
ماه رمضان اینده تاخیر کرده باشد ان ده روز را
قضا کند وبجهة هر روز مقدار یک مد گندم یا برنج
یا نان یا مانند ان تصدق کند ومد چهار یک
صاعست یعنی بوزن چهارده هزار وچهل چهار
جو میانه وهمچنین قضا وتصدق لازمست

اگر عزم بر قضا نداشته تا وقتی که رمضان اینده
مقدار مدت قضا بماند و درین مدت بیمار شود
یا زن حیض بیند و بدانکه قضای ماه رمضان
پیش از پیشین بخورد و جماع و غیران فاسد
میتوان کرد و بعد از پیشین حرام پس اگر بعد از پیشین
فاسد سازد و بخوردن ان یا غیر ان قضا و کفاره لازم
میشود و کفاره ان ده مسکین را طعام دادنست
و اگر از ان عاجز بود سه روز روزه بدارد **سیم**
از روزهای واجب انست که شخصی خود را شخصی
باجاره بدهد که قضای روزه میت او کند پس
بر او واجبست که بسیار تاخیر در قضا نکند و نوعی
نماید که در عرف گویند که مشغولست بقضای روزه
چهارم از روزهای واجب روزه ایست که بر پدر
اینکس واجب بود و پدر در حال حیات با وجود
قدرت بر قضای ان قضا نکرده باشد پس بر پسر

بزرگتر واجبست که انرا قضا کند و اگر میت دو پسر
داشته باشد که در سال یکی بیشتر باشد و سال
یکی کمتر اما انکه سال و کمتر است بالغ باشد بعضی
از مجتهدین بر انند که قضا بر انکس است که سال
او بیشتر است و اگر هر دو در سن برابر باشند هر یکی
نصفی قضا کند اگر عدد قضا جفت باشد و اگر طاق
باشد یک روز واجب کفائیست یعنی هر کدام که ان روز
را قضا کنند از دیگری ساقط میشود پس اگر هر دو
ان روز را روزه بدارند و بعد از پیشین مقارن هم
افطار کنند کفاره ان بنا بر بعضی از مجتهدین واجب
کفائیست و بعضی بر انند که هر دو بالسویه وا
جبست **پنجم** از روزهای واجبی که بنذر یا
عهد یا یمین واجب شود و این بر دو قسمست
مطلق و معین اما مطلق انست که نذر کند که یک روز
روزه بدارند و تعیین مکان و زمان ننماید و معین

برسه قسم است **اول** انکه تعیین زمان کند مثل
روزه اوّل ماه رجب **دویم** انکه تعیین مکان
وزمان هر دو کند مثل روز اوّل ماه رجب در مکّه
معظّمه بس هرکاه از روزه دران زمان یا دران مکان
مانعی مثل بیماری یا سفر ضروری یا حیض بهم رسد
قضا باید کرد **ششم** از روزهای واجب
روزه دو ماهست بجهة کفاره فاسد کردن روزه
ماه رمضان بس هرکاه شخصی بالغ و عاقل از روی
عمد روزه ماه رمضان را بخورد یا بشا میدن یا بجماع
کردن یا مانند ان باطل سازد مخیّر است در انکه
دو ماه روزه بدارد یا یک بنده ازاد کند یا شصت
مسکین را طعام دهد هر مسکینی را یکمد
وار بدهد واکر روزه ماه رمضان را بجیز حرامی فاسد
سازد مثل خوردن خمر یا زنا یا طعام غصبی خوردن
یا در حیض جماع کردن دراین صورت سه کفاره

نهم انکه تعیین نکند مطلقا [illegible]

براو لازم

١٥٥

براو لازم است یعنی دو ماه روزه بدارد و یک بنده
ازاد کند و شصت مسکین را طعام بدهد **هفتم**
اعتکافست که عنقریب بتفصیل مذکور میشود
هشتم روزه کفاراتست که در بحث کفارات مذکور
میشود انشاء الله تعالی **فصل دویم** در بیان روزه
سنّتی و انواع ان بسیار است و امّا در این کتاب
بیست نوع ازان که مشهورتر است مذکور میسازیم
اول روزه روز مولود حضرت رسالت بناه صلّی
الله علیه واله وسلّم وان هفدهم ماه ربیع الاوّلست
دویم روز مبعث انحضرت وان بیست و هفتم ماه
رجبست **سیم** روز عید غدیر است وان هجدهم
ماه ذی الحجّه است **جهارم** سه روز از هر ماه
یعنی بنجشنبه هفته اوّل و بنجشنبه هفته
اخر ماه و جهارشنبه اول از دهه دویّم **بنجم**
روزه ایّام بیض وان سه روز است سیزدهم

وچهاردهم و پانزدهم از هر ماه ششم روز عرفه
که نهم ماه ذی حجّه است بدو شرط اول انکه محقّق
باشد که نهم ماهست دوم انکه از روزه داشتن
ضعف حاصل نشود بحیثیّتی که نتواند بفراغت
بدعا اشتغال نماید هفتم روز مباهله و این بیست
و چهارم ماه ذی قعده است و انروز تصدّق خاتم
امیر المؤمنین علیه السّلم انگشتر خود را در اثنای
رکوع هشتم روزه ماه ذی حجّه است تا روز نهم
نهم روزه کلّ ماه رجب دهم روزه کلّ ماه
شعبان یازدهم روزه دحو الارض و ان بیست
و پنجم ماه ذی قعده است دوازدهم روزه نه روز
اوّل محرّم سیزدهم روزه روز عاشورا که روز دهم
محرّم است تا وقت عصر و بعد از ان افطار بآب
نماید یا بخاك كربلا بنیّت شفا بشرط انکه زیاده
بر یك نخود باشد چهاردهم روزه پنجشنبه و جمعه

پانزدهم

پانزدهم روزه ترویه و ان هشتم ماه ذی حجّه است
شانزدهم روزه شش روز بعد از عید ماه رمضان
هفدهم روزه داود پیغمبر علیه السّلم و ان همیشه یکروز
در میان روزه داشتنست هجدهم روزه یوم الشّك
است بنیّت سنّت و ان اخر ماه شعبانست هر گاه احتمال
اول رمضان داشته باشد نوزدهم روزه روز هفتم
ماه جمادی الاوّلست بیستم روزه بیست و نهم ذی قعده
فصل سیم در بیان روزه حرام و ان سه قسم است
اول روزه عید قربان و عید رمضان دوم روزه یوم الشّك
بقصد انکه از ماه رمضانست امّا بقصد قضا یا نذر حرامست
سیم روزه صمت یعنی در اثنای نیّت روزه قصد
کند که از اول روز تا شب حرف نزند چهارم روزه وصال
و ان دو تفسیر است اول انکه در نیّت روزه قصد کند تا سحر
افطار نماید و شام و سحر را یکی کند دوم انکه دو روز
متوالی روزه بدارد بی انکه در شب روزه بگشاید

پنجم روزه زن به نیت سنت بی رخصت شوهر
ششم روزه غلام و کنیز به نیت سنت بی رخصت آقا
هفتم روزه بیمار هرگاه از روزه گمان
برد که آزاری بدو برسد و همچنین اگر طبیب حاذق
گوید که علاج بیمار محض است در مجامعت و تأخیر
مجامعت یا شب خطر عظیم دارد در این صورت مجامعت
در روزه رمضان واجب داشته باشد عورتی دیگر
که روزه بر او واجب نباشد یافت نشود زن
خود یا کنیز خود را میتواند که بروز مجامعت کند و
بر ایشان ممانعت نکرده نتوانند لازم است و چون
یکی از ایشان را مجامعت کند واجبست که کفارهٔ او را
بدهد هشتم از روزهای حرام روزه مسافر است
به نیت وجوب هرگاه سفر او مباح باشد مگر در سه
حال که روزه واجب در سفر مباح دادن سه جا جایز است
و حرام نیست اول روزه نذری که سفر او حضر اقید

شده باشد دویم روزه سه در وقت حج هرگاه
قربانی یافت نشود چنانکه در باب حج مذکور خواهد
شد ان شاء الله تعالی سیم روزه هیجده روز شخصی
را که در حج قبل از غروب آفتاب از عرفات بیرون
رود چنانکه در باب حج مذکور خواهد شد نهم
از روزهای حرام روز تشریق است و آن یازدهم
و دوازدهم و سیزدهم ماه ذی حجه است شخصی را
که در منی باشد که اگر در غیر منا باشد روزه
آن حرام نیست بلکه ثواب دارد فصل چهارم
در بیان روزه مکروه و آن چهار است اول روزه
سنتی در سفر دویم روزه سنتی شخصی مومنی او را
دعوت کرده باشد بطعام سنت است که افطار
کند و اظهار نکند که روزه دارد سیم روزه یوم
عرفه هرگاه شک در اول ماه داشته باشد
یا روزه موجب ضعف باشد بر وجهی که بفراغت

استعمال نتواند نمود **چهارم** روزه مهمان بی نیت سنت
بی رخصت صاحب خانه و بعضی از مجتهدین بر آنند
که روزه صاحب خانه بی رخصت مهمان مکروه نیکم
است **فصل اول** دربیان باقی احکام روزه بدانکه
در آن چهار فصلست **مطلب سیم** در بیان نیت روزه
بدانکه شش امر است که در نیت معتبر است **اول** آنکه
نیت را قبل از فجر بجا آورد **دوم** قصد قربت **سیم**
تعیین آنکه واجبست یا سنت **چهارم** تعیین آنکه
از ماه رمضانست یا نذر یا کفاره **پنجم** تعیین
آنکه اداست یا قضا و بعضی بر آنند که در
روزه ماه رمضان او لازم نیست **ششم** استدامت
حکمی یعنی در اثنای روزه قصد فعلی نکند
که روزه را باطل کند مثل خوردن و جماع کردن و
مانند آن بسر آنکه شخصی در اثنای روزه قصد
فعلی کند گناهکار است اگرچه از آن فعل بیا

و میان مجتهدین

١٠٣

و میان مجتهدین خلافست که آیا بمجرد این قصد
روزه باطل میشود یا نه و بر تقدیر بطلان آیا بر
قضا لازمست یا کفاره نیز لازمست در این نیز خلافست
و اصح آنست که قضا لازمست اما کفاره لازم نیست
و بدانکه اگر شخصی نیت روزه واجبی را
فراموش کند و قبل از پیشین بیاد او آید و آنوقت که بجا
طرسد اگر نیت کند ثواب روزه آن روز را دارد و اگرچه
پیش از شام یکچه نیت کند **فصل دوم** در ذکر جماعتی
که روزه ایشان صحیح است بی نیت **اول** آنکه شخصی
که از روزه داشتن بواسطه پیری مشقت عظیم
یابد پس عوض هر روز یکمد گندم یا مانند آن تصدق
کند **دویم** شخصی که تشنگی بر او غالب یا مشقت
عظیم از روزه داشتن کشد او نیز عوض هر روز یکمد
تصدق نماید و هر وقت که عذر آن برطرف شود قضا کند
سیم زنی که حامله باشد و گمان آن داشته باشد

که از روزه بد و ازوی میرسد و حکم ان حکم صاحب
تشنگی است چهارم زنی که بطفل شیر میدهد
خواه طفل خود را و خواه طفل غیر را هرگاه از روزه
داشتن شیر او وفا نکند بطفل حکم او حکم حامله
دارد پنجم زنی که حیض داشته باشد یا نفاس یا
انکه استحاضه داشته باشد و غسل واجب را بجا
نیاورد ششم بیماری که از روزه داشتن ضرر یابد
هفتم مسافر چنانکه قبل ازین مذکور شد هشتم
طفلی که بعد از طلوع فجر بالغ شود روزه از روز او صحیح
نیست و بعضی از مجتهدین بر انند که اگر قبل
از پیشین بالغ شود روزه از روز او صحیح است
نهم شخصی که مست باشد روزه او صحیح نیست
و قضای ان روز بر او واجبست دهم شخصی که
کافر اصلی باشد و بعد از طلوع فجر مسلمان شود روزه
داشتن ان روز او صحیح است و بعضی از مجتهدین

بر انند که قبل از پیشین مسلمان شود روزه ان روز او
صحیح است و قضای روزهای گذشته ازو
ساقط است اما هرگاه شخصی مرتد شود و
باز توبه کند بر او لازم است که قضای روزه واجبی
که در ایام ارتداد ازو فوت شده بدارد اما اگر سنی
شیعه شود حکم کافر اصلی دارد که قضای روزه
بر او واجب نیست فصل پنجم در بیان امری چند
که بفعل آوردن ان در ماه رمضان سنت است دوازده
امر است اول انکه در دیدن هلال این دعا بخواند و بعضی
از مجتهدین خواندن این دعا در وقت دیدن هلال
واجب میدانند و میباید که در وقت خواندن این
دعا رو بجانب قبله کند نه بجانب هلال این دعا
اینست الحمد لله الذی خلقنی و خلقك و
قدر منازلك و جعلك مواقیت للناس اللهم
اهله علینا اهلالا مبارکا اللهم ادخله

عَلَيْنَا بِالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْيَقِينِ وَالْإِيمَانِ
وَالْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَالتَّوْفِيقِ لِمَا تُحِبُّهُ وَتَرْضَى دویم
معاشرت با حلال خود کردن در شب اول ماه
سیم افطار کردن بشربتی چهارم تعجیل
قبل از نماز اگر انتظار او کشند که با او افطار
کند پنجم سحور خوردن و هر چند بطلوع فجر
نزدیکتر باشد ثواب آن بیشتر است ششم خواندن
این دعا نزد افطار اَللّٰهُمَّ لَكَ صُمْنَا وَعَلَى رِزْقِكَ
فَطَرْنَا فَتَقَبَّلْ مِنَّا ذَهَبَ الظَّمَاءُ وَابْتَلَّتِ الْعُرُوقُ
وَبَقِيَ الْأَجْرُ اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا وَأَعِنَّا عَلَيْهِ وَ
سَلِّمْنَا فِيهِ وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا هفتم خواندن دعاها
که روزها و شبهای ماه رمضان مقرر است
هشتم گزاردن هزار رکعت نماز بطریقی که در باب
نماز مذکور شد نهم خواندن سوره روم
و عنکبوت در شب بیست سیم دهم غسل کردن

در هر شبی که طاقت مثل سیم و یازدهم و بیست و یکم
اما در شب سیم سنت است یکی در اول شب و یکی در آخر
شب چنانکه در بحث طهارت مذکور شد یازدهم
آنکه در این ماه تخفیف نمایند بر غلام و کنیزان خود
در خدمت یعنی خدمت دشوار با ایشان نفرمایند
دوازدهم وداع ماه رمضان در روز آخر ماه خواندن
فصل چهارم در ذکر آنچه در روزه بفعل آوردن آن
مکروه است و آن یازده امر است اول شعر خواندن
اگرچه مدح حضرت مقدسات علیهم السلام باشد
دویم هر فعلی که موجب ضعف باشد مثل مکث بسیار
در حمام و خون گرفتن و مانند آن سیم بوسیدن
زنان یا دست بازی کردن چهارم شیاف برداشتن
پنجم حقنه کردن ششم ستان خوابیدن هفتم
در گوش یا در بینی چیزی چکانیدن هر گاه بحلق
نرسد که اگر بحلق رسد روزه باطل است هشتم

شکوفه وگل خوشبوی کردن بتخصیص نرگس نهم
پیراهن بی خودی کردن دهم سرمه که مشک یا عنبر
داشته باشد در چشم کشیدن یازدهم زبانرا
در دهان مکث کردن مطلب چهارم در اعتکاف
وان مکث صایم است در مسجد جامع سه روز
یا زیاده بقصد قربت و دران ثواب عظیم است
خصوصاً اگر در ده روز اخر ماه رمضان شود و
حضرت رسالت پناه همیشه در دهه اخر ماه
رمضان اعتکاف می فرمود و بی روزه
داشتن اعتکاف جایز نیست و از سه روز
کمتر نمیباشد و در غیر مسجد جامع صحیح نیست
وهرگاه شخصی به نیت سنت دو روز اعتکاف
کند روز سیم واجب میشود و اگر پنج روز یا هشت
روز اعتکاف کند روز ششم یا نهم
واجب میشود و بر این قیاس جایز است اعتکاف

کنده

کنده را که از مسجد بیرون رود مگر از برای حاجت
ضروری که در مسجد نیاید یا بعیادت مؤمن
رفتن یا وداع او یا مشایعت جنازه او و مانند
ان چون از مسجد بیرون رود حرامست نشستن
در سایه راه رفتن و نماز گذاردن در غیر مسجدی
که در ان اعتکاف کرده بواسطه ضرورت
مثل انکه بجهت غلبه ضعف بنشیند یا راه تشییع
منحصر در مشقت باشد یا انقدر وقت نماند که
نماز را در مسجد تواند گذارد و جایز است که هرگاه بواسطه
ضرورتی بیرون اید نماز را هر جا خواهد بگذارد
و حرامست در اعتکاف واجب روزه را فاسد
ساختن و در شب جماع کردن و در روز و شب
بوی خوش شنیدن و زنان را بوسیدن یا دست
بازی کردن یا دست بیرون ایشان رسانیدن
و هرچه روزه را باطل میسازد اعتکاف را نیز باطل

میسازد و اگر اعتکاف واجب را در روزه
ماه رمضان بجماع فاسد سازد و کفاره لازم
میشود یکی جهت ماه رمضان و یکی جهت اعتکاف
و اگر در شب بجماع فاسد سازد یک کفاره اعتکاف
لازم است و بس همچنین اگر روزه اعتکاف
را در روز بغیر جماع فاسد سازد و اگر معتکف
زوجه معتکفه خود را در اعتکاف واجب
باکراه مجامعت کند چهار کفاره دارد و کفاره از جهة
خود و کفاره از جهت زوجه **باب پنجم**
از کتاب جامع عباسی در بیان حج و شروط
ان و در آن یک مقدمه و هفت مطلب است

مقدمه بدانکه حج گزاردن از اعظم ارکان
دین است و چون واجب شود تاخیر کردن
ان گناه عظیم است و در حدیث این مضمون
وارد است که هر گاه بر شخصی حج واجب شود

و بحج نرود با آنکه مانعی نداشته باشد پس چون
بمیرد در وقت مردن مسلمان نخواهد مرد با ارامنی
و روایات بسیار در کثرت ثواب حج از حضرت
رسالت پناه و ائمه معصومین صلوات الله علیهم
اجمعین وارد شده از انجمله منقولست که شخصی
بخدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت
یا رسول الله از خانه خود بعزم حج بیت الله بیرون
آمده ام و چون بدانجا رسیدم وقت حج فوت
شده و من مرد غنی و مالدارم پس امر فرمای که
مال خود را در وجهی از وجوه صرف نمایم که ثواب
ان مثل ثواب حج باشد پس حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله روی مبارک خود با آن شخص کرد
و گفت که بکوه ابوقبیس نظر کن اگر آن کوه تمام طلای
سرخ شود و آنرا در راه خدا صرف نمایی ثواب
به ثواب حج نمی رسد و هم از آن حضرت رسول

صلی الله علیه واله فرمود که چون شخصی اراده
حج کند چون بمهیا ساختن اسباب راه حج اشتغال
نماید هر نوبت که یک چیزی از ان اسباب و یراق از زمین
بردارد و باز بر زمین بگذارد حق تعالی ده ثواب از برای
او دهد و ده گناه او را می بخشند و ده درجه جای
او را در بهشت بلند میسازد و شتری که ان شخص
بر او سوار است هر گاه که پاشنه از زمین بردارد و باز
بر زمین گذارد مثل ان ثوابها خدای تعالی از برای او
می نویسد **مطلب اول** در بیان بعضی از اداب
حج چون عزم حج جزم شود باید که ذمت خود از حقوق
مردم خلاص سازد و وصیت کند و چون خواهد
که از منزل خود بیرون اید عیال خود و بازماندگان
خود را جمع سازد و دو رکعت نماز سنت بگذارد
و بعد از ان این دعا بخواند اللهم انی استودعک
الساعه نفسی واهلی و مالی و دینی و دنیای و اخرتی

وخواتیم عملی اللهم احفظ الشاهد منا و
الغایب اللهم احفظنا واحفظ علینا اللهم اجعلنا
فی جوارک اللهم لا تسلبنا نعمتک ولا تغیر ما بنا
من عافیتک وفضلک و بعد از ان وداع عیال
واطفال خود کند و تحت الحنک بسته عصای
بادام تلخ بدست گرفته از منزل بیرون اید و در وقت
بیرون امدن بگوید بسم الله امنت
بالله توکلت علی الله الله اکبر الله اکبر الله اکبر بعد از ان
سه نوبت بگوید بالله اخرج و بالله ادخل و
علی الله اتوکل پس بگوید اللهم افتح لی فی وجهی
هذا بخیر واختم لی بخیر وقنی شر کل دابة
انت اخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم
وچون از خانه بیرون اید بر در خانه رو بقبله
بایستد فاتحه وایة الکرسی یکنوبت بخواند و
پیش رو و یکنوبت بر دست راست و یکنوبت

بر دست چپ بخواند و بعد از آن این دعا را بخواند
اللهم احفظنی واحفظ ما معی وسلّمنی وسلّم
ما معی وبلّغنی وبلّغ ما معی ببلاغک الحسن الجمیل
یا ارحم الراحمین و بعد از آن نیت کند با نیت حق که
متوجه خانه خدا میشوم که حج اسلام بجا آورم
برای آنکه بر من واجبست قربة الی الله و در وقت
پا در رکاب کردن بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله والله اکبر و چون بر پشت مرکب
قرار گیرد این دعا بخواند الحمد لله الذی هدانا للاسلام
ومنّ علینا بمحمد صلی الله علیه وآله وسلم
سبحان الذی سخّر لنا هذا وما کنّا له مقرنین و
انّا الی ربنا لمنقلبون والحمد لله رب العالمین
اللهم انت الحامل علی الظهر والمستعان
علی الامر اللهم بلّغنا بلاغا الی الخیر بلاغا یبلغ
الی مغفرتک اللهم لا خیر الا خیرک ولا خیر الا خیرک ولا الا خیرک

حافظ

حافظ غیرک و سنّت است که در هر منزلی که فرود
آید در وقت فرود آمدن این دعا بخواند رب
انزلنی منزلا مبارکا وانت خیر المنزلین و
دو رکعت نماز بگزارد و چون از منزل کوچ کند
نیز دو رکعت نماز بگزارد و بباید دانست که بهترین
روزها که از برای سفر خوبست روز شنبه و
سه شنبه و پنجشنبه و در روز دوشنبه
سفر کراهیت داراست و روز جمعه قبل از نماز و اگر
ضرورت شود که در روز بد سفر کند باید که تصدق
کند و متوجه سفر گردد که تصدق تلافی بدی
آن روز می کند و سنت است فراخ دستی در این سفر
وسعی در خوبی توشه و بسیاری آن و در حدیث
آمده که اسراف مذموم است مگر در راه حج و
سنت است خوش خلقی با همراهان و ملازمان
و مکاریان و خشم فرو خوردن از ایشان و

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که هر کس را خانه خدا میسر شود اگر سه خصلت است
دور نباشد حج او هیچست و آن خوش خلقی
و خشم فرو خوردن و صلاحیت و تقوی شعار
خود کردن **مطلب دویم** در بیان شرایط و
جوب حج بدانکه تا هفت شرط بهم نرسد حج واجب
نمیشود **شرط اول** بلوغ پس بر طفل واجب نیست
هر چند مالدار باشد اما اگر ولی او را بحج برد
و احرام بر بندد و قبل از وقوف عرفه یا وقوف
مشعر بالغ شود و باقی اعمال حج را بجا آورد حج
او صحیح است و از حج اسلام محسوب **شرط**
دویم عقل است پس مجنونی که هیچ وقت بهوش
نیاید و اگر بهوش آید مدت هشیاری و اعمال
حج را نگنجد بر او حج واجب نیست اما اگر قبل
از وقوف عرفه یا وقوف مشعر هشیار شود

و باقی افعال را در زمان هشیاری بجا آورد
حکم او حکم طفلست بطریقی که مذکور شد **شرط سیم**
حریتست پس بر بنده حج واجب نیست هر چند که اذن
باشد و اگر باذن آقا حج کند ثواب دارد اما
از حج اسلام مجزی نیست و هر گاه بنده آزاد
استطاعت بهم رسد نوبت دیگر بر او واجبست
مگر آنکه قبل از یکی از دو وقوف آزاد شود که
در این صورت حکم طفل و مجنون دارد بطریقی
که دانسته شد **شرط چهارم** استطاعت یعنی قادر
بودن بر خرج راه رفتن و برگشتن از جهاز و پالان
و خیمه و خدمتکاران و باقی ضروریات بحسب
حال اینکس و اگر شخصی گوید که خرج راه تو در
عهده منست و بر سخن او اعتمادی در این صورت
نیز حج واجبست و همچنین اگر شخصی زر خرج داشته
باشد و همراه شخصی که بر او اعتمادی در این باشد

متعهد شود ازجمله استطاعت نفقه از وقت رفتن
تا وقت رسیدن بخانه خود خواه قدرت بر آن
داشته باشد وخواه دیگری متعهد آن
شود ونیز ازانجمله استطاعت قدرت بر ادای
دین مثل قرض یا مهر زن وغیر آن پس مادام که قادر
بر ادای آن نباشد حج واجب نمیشود واگر زن
در راه حج احتیاج بمحرم داشته باشد ومحرم بجهة
رفاقت او اجرت خواهد واو قادر نباشد حج بر او
واجب نمیشود **شرط پنجم** صحت بدنست بحیثیتی
که از رفتن حج مشقت شدید نکشد **شرط ششم**
امنیت راهست پس مادام که گمان دارند که نا
امنست رفتن واجب نیست **شرط هفتم** آنکه چندان
وقت باشد که خود را بمکه معظمه رساند و
افعال حج را بجا آورد پس اگر وقت تنگ
باشد در آن وقت ساقط است وهرگاه بر زن

حج واجب شود میتواند که بی رخصت شوهر
بحج رود اما حج سنتی بی رخصت نمیتواند کرد
مطلب سیم در انواع حج وذکر مواقیت بدانکه
حج بر سه نوع است حج تمتع وحج افراد وحج قران
وحج تمتع بر کسی واجب میشود که منزل او از مکه
معظمه شانزده فرسخ دور باشد وحج قران وحج
افراد بر شخصی واجب میشود که از اهل مکه مقدس
که ازان مقدار باشد واول افعال حج تمتع افعال
عمره است و میقات مکانیست که حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه وآله قرار داده اند که حجاج
از آنجا احرام به بندند وآن پنج موضعست که هر یکی
ازان میقات عمره تمتع جمعیست که یکی ذو الحلیفه
است وآن میقات جماعتی است که از راه مدینه
می آیند **دویم** جحفه است وآن میقات جمعیت
که از راه شام می آیند **سیم** یلملم است وآن

میقات جمعیست که از راه یمن می آیند چهارم
قرن المنازلست و آن میقات جمعیست که از راه
طایف می آیند پنجم عقیق است و آن میقات
جمعیست که از راه عراق عرب می آیند ۵
مطلب چهارم در بیان حج تمتع بر سبیل اجمال
بدانکه افعال حج تمتع هیجده است باین
ترتیب یعنی باید که هر یک از این هیجده فعل را
بترتیبی که مذکور میشود بجا آورند اول احرام
عمره است دوم طواف خانه کعبه است
سیم دو رکعت نماز طواف گذاردن چهارم
سعی ما بین صفا و مروه کردن پنجم تقصیر است
یعنی چیزی از موی یا ناخن گرفتن و این پنج
فعل افعال عمره تمتع تمام است ششم احرام حج بستن
هفتم وقوف عرفاتست هشتم وقوف
مشعر است نهم جمره عقبه را بهفت سنگ

ریزه زدن

ریزه زدن دهم قربانی کردن یازدهم سر تراشیدن
یا تقصیر کردن دوازدهم طواف زیارت
کردن سیزدهم دو رکعت نماز طواف کردن چهار
دهم سعی ما بین صفا و مروه کردن پانزدهم طواف
نسا کردن شانزدهم دو رکعت نماز طواف نسا
گذاردن هفدهم سه شب ایام تشریق در منی
بودن هیجدهم هر یک از جمرات ثلاثه را بهفت
سنگ ریزه زدن و این آخر افعال واجب حج است
و چون از اینها فارغ شود سنت است که بمکه
عود نماید جهة بجا آوردن طواف وداع و باقی
سنتهای که بعد از این مذکور خواهد شد
انشاء الله تعالی مطلب پنجم در بیان افعال
حج تمتع بر سبیل تفصیل و در آن چهار مقصد است
مقصد اول در بیان احرام بستن و مقدمات
و شروط آن و در آن دو فصلست فصل اول در ذکری

امور یکه قبل از شروع در احرام بجا آوردن
آن سنت است وان هشت امر است اول آنکه اول
ذی قعده است از موی سر و از موی محاسن مطلقا
چیزی نگیرد دوم بر طرف موی زهار و موی
بغل بر تراشیدن یا بنوره گذاشتن و نوره افضل است
سیم سبیل گرفتن چهارم ناخن چیدن
پنجم مسواک کردن ششم غسل احرام کردن
و بعضی از مجتهدین آنرا واجب میدانند و اگر
بعد غسل و قبل از احرام بخواب رود یا حدثی
کند یا چیزی بخورد یا بپوشد یا ببوید که بر محرم
خوردن و پوشیدن و بو کردن آن حرام باشد
غسل را اعاده کند هفتم نماز احرام گزاردن و آن
شش رکعت و بسه سلام اکتفا بچهار
رکعت و دو رکعت نیز جایز است و سنت است
که در رکعت اول فاتحه و سوره قل یا ایها الکافرون

و در رکعت دوم بعد از حمد سوره قل هو الله بخواند
هشتم آنکه بعد از نماز این دعا بخواند الحمد لله
رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله
الطاهرین اللهم انی اسئلک ان تجعلنی
من استجاب لک وآمن بوعدک واتبع امرک
فانی عبدک و فی قبضتک لا اوقی الا ما وقیت
ولا اخذ الا ما اعطیت وقد ذکرت الحج فا
سئلک ان تعزم لی علیه علی کتابک و
سنة نبیک صلی الله علیه و آله وتقوینی
علی ما ضعفت عنه وتسلم منی مناسکی فی
یسر منک وعافیة واجعلنی من وفدک الذی
رضیت وارتضیت وسمیت وکتبت اللهم
انی ارید التمتع بالعمرة الی الحج علی کتابک
وسنة نبیک صلواتک علیه وآله فان عرض
لی عارض یحبسنی فحلنی حیث حبستنی بقدرتک الذی

قد ردت اللهم ان لم يكن حجة فعمرة احرام
لك شعري وبشري ودمي وعظامي ولحمي وعصبي
من النساء والثياب والطيب ابتغي بذلك
وجهك والدار الاخرة و بدانکه حیض مانع احرام نیست
و همچنین مانع غسل احرام نیست اما مانع نماز
احرامست **فصل دوم** در بیان باقی امور که متعلق
باحرام دارد وان چهل و سه امرست سه امر واجب
و چهار امر سنت و دوازده امر مکروه
بیست و چهار امر حرام اما ان سه امر واجب اول
نیت است باین طریق که احرام عمره تمتع می بندم از برای
انکه واجبست قربة الی الله **اول** مقارن داشتن
نیت است بتلبیات اربعه یعنی بتفصیلی که واجبست
که مذکور شد بگوید لبیک اللهم لبیک لبیک
اللهم لاشریک لک لبیک **دوم** پوشیدن
دو جامه احرامست مردان از هر چه جایز است

غاز در ان یکی لنگ کند و یکی را بر دوش اندازند
بشرط انکه دوخته و شبیه بدوخته نباشد
مثل کنبد و زره و زنان را جایز است در حال
احرام پوشیدن دوخته و حریر اما چهار امر سنت
چهارم انکه مرد تلبیات را بلند گوید **پنجم** انکه
تلبیاتی که مذکور میشود اضافه کند تلبیات
واجب وان اینست ان الحمد والنعمة والملک لک
لاشریک لک لبیک لبیک والمعارج لبیک
لبیک اهل التلبیة لبیک لبیک ذو الجلال
والاکرام لبیک لبیک مبدی والمعاد
الیک لبیک لبیک تستغنی وتفتقر الیک لبیک
لبیک مرهوبا ومرغوبا الیک لبیک لبیک اله
الحق لبیک ذو النعماء والفضل الحسن الجمیل
لبیک لبیک کشاف الکروب لبیک
لبیک عبدک وابن عبدیک لبیک یا کریم لبیک

سیم از سنتهای احرام انست که کل تلبیات
که مذکور شد اکثر اوقات بکوید خصوصا در هشت
جا اول بعد از هر نماز خواه نماز واجب باشد
و خواه سنت دویم هر وقت که شتری بران
سوار است از جا برخیزد سیم هر کاه بدرا
بر بلندی مثل پشته یا کوهی بر امد چهارم
هر کاه بر سرا شیبی در اید پنجم هر کا
از خواب بیدار شود ششم در وقت سحر هفتم
هر کاه شود یا فرود اید هشتم هر کاه در را
شخصی بر خورد چهارم از سنتهای احرام
انکه چون خانه مکه معظمه را ببیند تلبیات
قطع کند و بعضی از مجتهدین بر انند که در انوقت
قطع تلبیات واجبست و اما ان دوازده امری
که در احرام مکروهست اول حمام رفتن دویم شستن
جامه احرام هر چند چرکین شود سیم بوی

کردن

کردن میوه مثل سیب و به و غیر ان چهارم تکلم
کردن میوه مثل هیبی تلبیات و قران و ذکر
خدا و حاجت ضروری پنجم در جواب احدی
لبیک کفتن ششم خوابیدن بر فروشی که سفید
نباشد هفتم تراشیدن سر شخصی را که احرام
نداشته باشد که اگر احرام داشته باشد تراشیدن
سر او حرامست هشتم غسل کردن از برای
خنک ساختن بدن نه بجهة سنت مثل
غسل جمعه و غیر ان نهم انکه جامه احرام
از غیر پنبه باشد دهم انکه میل میل باشد
هیچ خطها داشته باشد یازدهم انکه در ابتدای
احرام جامه احرام چرکین باشد اما اگر در اثنای
احرام چرکین شود پوشیدن ان مکروه نیست
و اما ان بیست و چهار امری که در حال احرام بجا اوردن
ان حرامست اول شکار کردن یا شخصی را

شکار فرمودن یا گفتن فلان شکار هست
یا آلات شکار مثل باز و سگ و دام و تیر
و هفت بشخصی دادن که شکار کند و این
امر حرامست بدو شرط شرط اول آنکه جانور آبی
نباشد چرا که شکار کردن جانور آبی در حال
احرام حرمت مراد از جانور آبی حیوانیست
که در آب بچه کند پس شکار کردن قاز و اردک
و باقی حیوانات که در خشکی بچه کنند حرام
است شرط دوم آنکه خوردن گوشت آن جانور
که حلال باشد مثل آهو و کلنک و غیر آن
پس شکار کردن حیوانی که گوشت آن حرامست
مثل خوک و پلنگ و چرخ و باز در احرام حلالست
اما از جمله جانوران که گوشتان حرامست و آن
شیی و روباه و خرگوش و خارپشت و سوسمار
و موشیست و اگر شخصی در احرام شکار کند

از شکار ملک او نمیشود و واجبست که ازاد رها
کند و خوردن گوشت شکاری بر محرم حرامست
اگرچه دیگری آن را شکار کرده باشد و هر شکاری
که محرم بکشد میته است و خوردن گوشتان بر محرم
و غیر محرم حرامست دویم از بیست و چهار امر که در
حال احرام حرامست جماع کردنست و مقدمات آن
مثل بوسه و دست بازی کردن با حلال خود و عقد
و نکاح بستن از برای خود یا از برای دیگری پس
اگر عقد و نکاح کند آن عقد باطل است اما رجوع
در طلاق و کنیز خریدن بقصد آنکه بعد از احرام
مباشرت کند جایز است سیم گواه شدن بر عقد
نکاح و گواهی دادن بآن چهارم بو کردن مشک و عنبر
و عود و صندل و مانند آن و در بو کردن گل و نرگس
و بنفشه و مانند آن میانه مجتهدین خلافست
و اصح آنست که بو کردن اینها حرامست اما شنیدن

بوی مشک وغیران کر بر خانه کعبه میمالند
جایز است وهمچنین جایز است شنیدن بوی
خوش کر در مابین صفا و مروه میپاشند
پنجم بینی کرفتن محرم از چیزهای بدبو ششم
روغن در بدن مالیدن خواه خوشبو باشد و
خواه نباشد هفتم پوشیدن مرد رخت را
که دوخته باشند یا شبیه بدوخته
باشد چنانچه قبل از این مذکور شد هشتم پوشیدن
چیزی که پشت پا را بپوشد نهم انکشتری
در انکشت کردن بجهة زینت نه بجهة انکه
سنّت است دهم پوشیدن مرد سر و کوش
خود را بجهة انکه با رماس باشد یازدهم
انکه مرد در وقت راه رفتن در سایه
چیزی رود کران چیز بر بالای سر او باشد
نه در پهلو مثل سایه دیوار امّا در سایه

کجاوه

کجاوه و مانند ان راه رفتن مرد جایز است چند
بالای سر باشد و همچنین جایز است در وقت
فرود امدن کر در سایه چیزی که براه رود بنشیند
هرچند ان چیز در بالای سر او باشد مثل خیمه
و غیر ان دوازدهم مو از سر جدا کردن سیزدهم
ناخن چیدن اکرچه ناخن انکشت زیادتی باشد
چهاردهم کشتن شپش یا از بدن یا از جامه خود
انداختن پانزدهم سرمه سیاه در چشم کشیدن شانزدهم
حنا بستن برای زینت هفدهم در اینه
نکاه کردن هیجدهم دندان کندن نوزدهم سلاح
پوشیدن بیستم خون از بدن بیرون اوردن
اکرچه بمسواک کردن باشد امّا اکر از خاریدن
خون بیرون اید قصوری ندارد بیست و یکم
جدال است یعنی لا والله و بلی بالله مکر بجهة
اثبات حق یا نفی باطل بیست و دوم پوشیدن

زن طلا الات و نقره الات که عادت ان
نباشد که مثل ان را بپوشند بیست سیم اظهار
کردن زینت خود بر شوهر یا بر جمعی که محرم او باشند
بیست چهارم روی خود را بچیزی پوشیدن که بروی
او نرسد پس می باید که پوشش روی زن بنوعی
باشد که مطلقا بروی او نخورد مقصد چهارم
در بیان طواف و مقدمات ان و شروط ان
بدانکه اول افعال عمره تمتع بعد از احرام طواف
خانه کعبه است و چهل امر بان متعلق است
و مجموع ان بر دو تفصیل است فصل اول در بیان
انچه پیش از طواف خانه کعبه بجا اورده می
شود و ان شانزده امر است چهار امر واجب
و دوازده امر سنت اما چهار امر واجب
اول طهارت از حدث اکبر و اصغر هرگاه
طواف واجب باشد اما در طواف سنتی

طهارت از حدث اصغر سنت است دویم
ازاله نجاست از رخت و بدن سیم ستر عورت
چهارم ختنه پس اگر شخصی را ختنه نکرده
باشند طواف او باطل است و اما ان دوازده
امری که سنت است یکم غسل جهة داخل شدن
مکه معظمه دوم اذخر خاییدن قبل از داخل
شدن در حرم سیم نعلین کندن و پا برهنه براه
رفتن چهارم نعلین خود را بدست گرفتن پنجم
در وقت داخل شدن این دعا بخواند اللهم
انک قلت فی کتابک واذن للناس بالحج
یاتوک رجالا و علی کل ضامر یاتین من
کل فج عمیق اللهم انی ارجون و من لحج
عمیق سامعا لندائک و مستجیبا لک و مطیعا
لامرک و کذلک بفضلک علی و احسانک
الی فلک الحمد علی ما وفقتنی له ابتغی بذلک الزلفة

عندك والقربة اليك والمنى له لذلك
والمغفرة له لذنوبي والتوبة علي منها المنات
اللهم صل على محمد وال محمد وحرم بدني على
النار وامني من عذابك وعقابك يا كريم
ششم غسل كردن جهة داخل شدن مكه
معظمه واين غسل زن حائضه را سنت است
هفتم غسل جهة داخل شدن مسجد الحرام
هشتم داخل شدن در مسجد الحرام از دری کم
از باب بني شيبه كويند نهم انكه در بين و
در مسجد الحرام بايستد واين بكويد كه السلام
عليك ايها النبي ورحمة الله وبركاته
وبعد از ان بكويد بسم الله وبالله ما شاء الله
والسلام والسلام على انبياء الله ورسله
والسلام على رسول الله والسلام على ابراهيم
خليل الله والحمد لله رب العالمين :: دهم

بخضو

بخضوع وخشوع داخل مسجد الحرام شدن
يازدهم انكه چون داخل شود در وبجانب كعبه
معظمه كند ودستها برداشته اين دعا بخواند
اللهم اني اسئلك في مقامي هذا في اول مناسكي
ان تقبل توبتي وان تجاوز عن خطيئتي وتضع عني
وزري الحمد لله الذي بلغني بيته الحرام اللهم
اني اشهد ان هذا بيتك الحرام الذي جعلته
مثابة للناس وامنا مباركا وهدى للعالمين
اللهم اني عبدك والبلد بلدك والبيت بيتك
جئت اطلب رحمتك وطاعتك مطيعا لامرك مراضيا
بقدرك اسئلك مسئلة الفقير اليك الخائف
بعقوبتك اللهم افتح لي ابواب رحمتك بطاعتك
ومرضاتك دوازدهم انكه چون حجر الاسود ايد رو
بجانب حجر كند واين دعا بخواند الحمد لله الذي
هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا

بنزديك

الله سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اكبر من خلقه واكبر مما اخاف واحذر
لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك
وله الحمد يحيى ويميت اللهم صل على محمد
وال محمد وعلى جميع الانبياء والمرسلين
بعد از ان حجر را ببوسد واگر بواسطه کثرت
ازدحام نتواند بوسید دست خود را ببوسد بان برساند دست خود را
واگر دست نتواند رسانید بجانب حجر بدست
اشارت کند واین دعا بخواند اللهم
امانتی ادیتها ومیثاقی عاهدته لتشهد لی
بالموافاة اللهم تصدیقا بکتابک وعلی
سنة نبیک اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له وان محمدا عبده ورسوله امنت
بالله وکفرت بالجبت والطاغوت واللات
والعزی وعبادة الشیطان وعبادة کل ند یدعی

من دون الله اللهم الیک بسطت یدی وفیما
عندک عظمت رغبتی فاقبل سعیی واغفر لی
وارحمنی اللهم انی اعوذ بک من الکفر و
الفقر ومواقف الخزی فی الدنیا والاخرة
وچون ازین دعا فارغ شود شروع در طواف
کند **فصل دوم** در بیان باقی اموری که متعلق است
بطواف وان بیست وسه امر است یازده
امر واجب ودوازده امر سنت اما یازده امر واجب
اول نیت طواف باین طریق طواف عمره تمتع
میگذارم از برای انکه واجبست تقرب بخدا
ونیت را مقارن سازد بطواف بوجهی که
جزء اول جانب چپ او در ابتدای طواف محاذی
جزء اول حجر الاسود باشد واین بدو طریق میشود
یکی انکه در مقابل حجر الاسود بایستد و مقارن
نیت خود را بگرداند تا در ابتدای طواف

کل بدن او محاذات کل حجر الاسود بکند دویم
انکه در مقابل حجر الاسود ایستد بلکه اندا بر جا
جب خود کیرد و عضوی از اجزای بدن خود را
پیش بدارد و محاذی حجر نماید و شروع در طواف
کند تا کل بدن او به محاذات کل حجر بکذرد و طریق
اول افضل است جهارم استدامت حکمی یعنی
در اثنای طواف امری نکند که منافی طواف
باشد مثل حدث و قصد انکه طواف را باتمام
نرساند جهارم انکه در حال طواف میباید
که خانه کعبه بر دست جب باشد پنجم انکه
دوری طواف کننده از خانه کعبه و در کل
جهات کمتر از دوری مقام ابراهیم علیه السلم
باشد از خانه کعبه ششم انکه کشتن بر کرد
خانه کعبه کمتر از هفت نوبت و زیاده بر هفت
نوبت نباشد و هر نوبت را شوطی کویند

وهر

وهر هفت شوط یک طواف است واکر بعد از فارغ
شدن شک کند که هفت شوط یا کمتر یا بیشتر
التفات فطواف او صحیح است اما اکر شک
او قبل از فارغ شدن باشد درینصورت از سه
حال بیرون نیست اول انکه شک کند میانه
شوط یا زیاده دویم انکه شک کند میانه هفت
شوط و کمتر سیم انکه یقین داند که هفت
شوط نکرده و شک او یا در ما بین هفت شوط
باشد مثل انکه شک کند میانه جهار و پنج یا میانه
پنج و شش پس در اینصورت اول اکر برکنی
که حجر الاسود در اوست رسیده باشد طواف
او صحیح است واکر برکنی نرسیده باشد طواف
او باطل است و از سر باید کرفت و در صورت
دویم و سیم مطلقا طواف او باطل است خواه
برکن رسیده باشد و خواه نرسیده باشد

وطواف را از سر گیرد ششم آنکه چهار
شوط اوّل از پی یکدیگر باشد یعنی
فاصله در میانه واقع نشود امّا در میانه شوط
چهارم و پنجم و میانه شوط آخر جایز است
که فاصله واقع شود مثل نماز سنّتی که وقت
آن تنگ شده باشد یا قضای حاجت مؤمن
یا داخل شدن بخانه کعبه و همچنین جایز است
در سه شوط آخر قطع شوط کردن بجهة
امثال این امور امّا واجبست که در وقت طواف
مکانی را که آنجا قطع طواف شد
نشان تا چون بر سر اتمام آن آید زیاده و کم
نشود هفتم آنکه حجر را بکسر حاء مهمله و سکون
جیم داخل طواف سازد و آن دیواریست کوتاه
در جانب ناودان خانه کعبه هشتم در وقت
طواف چیزی از بدن بشاذروان کعبه نساید

وپس ا

و پس اگر طواف کنان دست بر دیوار خانه کعبه
گذارد نهم آنکه در طواف بطریق متعارف
راه رود پس اگر بیک پا یا بر چهار دست و پا
خزان کنان طواف کند صحیح است نخواهد
بود دهم آخر شوط هفتم جانبی باشد که
ابتدای طواف از آن کرده بی زیاده و نقصان
یازدهم دو رکعت نماز طواف گذارد
در پس مقام ابراهیم علیه السلام یا در پهلوی
آن مخیّر است در قرائت این دو رکعت میانه
جهر و اخفات و اگر طواف سنّتی باشد
در هر جا از مسجد الحرام که خواهد این دو رکعت
را میتوان گذارد و سنّت است که در رکعت اوّل
بعد از حمد سوره قل هو الله احد بخواند و در رکعت
دوّم سوره قل یا ایها الکافرون بخواند
و امّا آن دوازده امر سنّت که متعلّق بطواف

دارد اول آنکه چون داخل مسجد الحرام
شود بهیچ امر اشتغال ننماید الا بمقدمه یازدهم
و دوازدهم طواف که قبل ازاین مذکور شد و
بعد ازان بی فاصله شروع در طواف کند مگر
انکه وقت نماز واجب شده باشد یا ترسد
که نماز جماعت ازاو فوت شود دویم بوسیدن
حجر الاسود در هر شوطی و همچنین رخ خود را بران
گذاشتن سیم بوسیدن هر رکنی از چهار
رکن خانه کعبه بتخصیص رکن یمانی و رکن عراقی
چهارم انکه یک طرف ردای خود را از زیر بغل
راست بیرون آورد و بر دوش چپ اندازد و دوش
راست را برهنه گذارد پنجم گام خود را
درحین طواف کوتاه گرداند چه بواسطه
هر گامی شش هزار حسنه بگذارند
بنویسند ششم نزدیک شادروان طواف

کردن

کردن هر چند گام کمتر شود که نزدیکی تلافی
زیادتی گام میکند هفتم انکه راه رفتن در اثنای
طواف نه تند باشد و نه آهسته بلکه میانه
باشد هشتم انکه در اثنای طواف این دعا
بخواند اللهم انی اسئلک باسمک الذی
یمشی به علی ظلل الماء کما یمشی به علی جدد الارض
واسئلک باسمک الذی تهتز له اقدام ملائکتک
واسئلک باسمک الذی دعاک به موسی من
جانب الطور فاستجبت له والقیت علیه محبة
منک واسئلک باسمک الذی غفرت به
لمحمد صلی الله علیه واله ما تقدم من
ذنبه وما تاخر واتممت نعمتک و بعد ازان حاجت
خود را از حق تعالی طلب نماید نهم انکه
در اثنای طواف هرگاه محاذی در خانه
کعبه شود صلوات فرستد دهم انکه

هر وقت که در اثنای طواف بدیوار کوتاه که
در طرف ناودان خانه کعبه است برسد این
دعا بخواند اللهم ادخلني الجنة برحمتك
وعافني من السقم واوسع علي من الرزق و
الحلال وادرأ عني شر فسقة الجن والانس
وشر فسقة العرب والعجم یازدهم آنکه
شوط هفتم بمستجار برسد وآن دور ما
سابق در خانه کعبه بوده والحال بسته شده
وعلامتان نمایانست پس باید که رو بآن کند
وخود را بآن بچسباند واین دعا بخواند
اللهم البيت بيتك والعبد عبدك وهذا
مكان العائذ بك من النار ودر این وقت
بگناهان یک یک اقرار کند ودر حدیث آمده
که هر یک از مؤمنین که در مکان اقرار بگناهان
خود البته حق تعالی گناهان او را می بخشد

دوازدهم آنکه بعد از اقرار بگناهان خود
این دعا بخواند اللهم من قبلك الروح والفرج
والعافية اللهم ان عملي ضعيف فضاعفه لي
واغفر لي ما اطلعت عليه مني وخفي على خلقك
استجير بالله من النار اللهم قنعني بما رزقتني
وبارك لي فيما آتيتني وبعد از آن گذاردن
دو رکعت نماز طواف سنت است که نزد
حجر الاسود آید وانرا ببوسد وبجانب چاه زمزم
آید ویک دلو یا دو دلو آب بکشد واز آن آب
بخورد وبر سر وتن خود بریزد ودر وقت ریختن
اللهم اجعله علما نافعا ورزقا واسعا وشفاء
من كل داء وسقم وبعد از آن سعی میان صفا
ومروه شود مقصد سیم در بیان سعی میان
صفا ومروه ومقدمات وشرائط آن بدانکه
سعی متعلق هیجده امر است ده امر واجب وهشت

امر سنّت آماده امر واجب اوّل نیّت سعی
باین طریق سعی میکنم میانه صفا و مروه و
هفت شوط در عمره تمتّع از برای انکه واجبست
قربت بخدا دوم وقت نیّت باشنه پای او
برنیه اوّل صفا چسبیده باشد سیّم مقارن
نیّت دارد بابتدای رفتن بجانب مروه چهارم
استدامت حکمی یعنی قصد امری که منافی
نیّت است نکند پنجم انکه از راه متعارف
بین صفا و مروه رود نه از راه مسجد الحرام و غیر آن
ششم انکه سعی از هفت شوط کمتر و بیشتر
نباشد هفتم موالات یعنی هر هفت
شوط از پی یکدیگر باشد بی فاصله
بطریقی که در طواف مذکور شد و بعضی از
مجتهدین بر انند که موالات شرط نیست
هشتم آنکه جمیع مسافت ما بین

صفا و مروه را قطع کند و چیزی در میان نگذارد
پس چون از صفا بمروه رسد چنان کند که انگشتان
سر پا برنیه اوّل مروه برسد و چون خواهد که
از مروه بصفا رود پاشنه پا را برنیه اوّل مروه
ملحق سازد پس بجانب صفا رود و این قاعده را
منظور دارد تا هفت شوط باخر رسد نهم
آنکه طواف را بروز کرده باشد سعی را
بروز دیگر تاخیر نکند و اگر شب طواف کرده سعی را
در انشب بجا آورد و بعضی از مجتهدین تاخیر بروز
دیگر جایز داشته اند دهم آنکه سعی
بعد از طواف واقع شود پس اگر قبل از طواف
بفعل آید باطل خواهد بود و امّا آن هشت
امری که سنّت است اوّل انکه چون از مسجد
الحرام بجهت سعی بیرون آید باید که از در صفا
بیرون رود و جای آن در الحالت داخل مسجد

الحرامست اما دو ستون بجهة علامتان
کذاشته اند بس باید که از ما بین دو ستون
بکذرد دویم طهارت از حدث اکبر و اصغر سیم
ازاله نجاست از بدن و رخت چهارم انکه چون
از مسجد الحرام بیرون اید بر بالای صفا رود و
رو بکعبه ایستد در مقابل رکنی که حجر الاسود
در دست راست و هفت نوبت بکوید الله اکبر
و هفت بار بکوید لا اله الا الله و سه بار بکوید
لا اله الا الله وحده لا شریك له له الملك و له
الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر
و هو علی کل شیء قدیر بعد از ان صلوة فرستد
و سه نوبت بکوید الله اکبر الحمد لله علی ما هدانا
و الحمد لله علی ما اولانا و الحمد لله الحی القیوم و
الحمد لله الحی الدائم و سه نوبت بکوید اشهد ان
لا اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده و رسوله

لا نعبد

لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین و لو کره المشرکون
و سه نوبت بکوید اللهم انی اسئلك العفو
و العافیة و الیقین فی الدنیا و الاخرة و سه
نوبت بکوید اللهم اتنا فی الدنیا حسنة
و فی الاخرة حسنة وقنا عذاب النار و بعد ازان
الله اکبر صد نوبت بکوید و لا اله الا الله
صد نوبت و الحمد لله صد نوبت و سبحان الله
صد نوبت بکوید و بعد ازان بکوید. لا اله
الا الله انجز وعده و نصر عبده و غلب الاحزاب
وحده فله الملك و له الحمد وحده اللهم
بارك لی فی الموت و فیما بعد الموت اللهم
انی اعوذ بك من ظلمة القبر و وحشته اللهم
اظلنی فی عرشك یوم لا ظل الا ظلك استودع
الله الرحمن الرحیم الذی لا تضیع ودایعه دینی
و نفسی و اهلی اللهم استعملنی علی کتابك و

سنة نبيك وهو في على ملة واعذني من
مضلات الفتن اللهم اغفر لي كل ذنب
اذنبته قط فان عدت فعد علي بالمغفرة بك
انت غني من عذابي وانا محتاج الى رحمتك فيا من
انا محتاج الى رحمته ارحمني اللهم افعل ما انت
اهله ولا تفعل بي ما انا اهله فانك ان تفعل بي ما انا
اهله تعذبني ولن تظلمني اصبحت اتقي عذابك ولا
اخاف جورك فيا من هو عدل لا يجور ارحمني واكر
فرصت این دعاها وذکرها نداشته باشد انچه میسر
باشد بخواند وچون فارغ شود از انجا بزیر اید و
شروع در سعی نماید وبدانکه بر بالا رفتن انجا
واین دعاها را خواندن مردانرا سنت است اما زنانرا
سنت نیست پنجم از سنتها سعی انست که
در اخر شوط اول چون بمروه رسد بر بالای ان
رود ومقابل کعبه بایستد وادعیه که بر بالای

صفاخوا

صفا خوانند انجا نیز بخواند ششم انکه بیاده سعی
کند مگر انکه بترسد که بواسطه تعب نتواند بتوجه تمام
بدعا مشغول شود هفتم انکه در اول هر شوط و
اخر ان تند براه نرود مگر در مابین منار و کوچه
عطاران که انجا تند رفتن اولی است خواه بیاده باشد
وخواه سواره واین تند رفتن مردانرا سنت است
وزنانرا سنت نیست هشتم انکه در اثنای سعی
این دعا بخواند اللهم اغفر وارحم وتجاوز عما
تعلم انك انت الاعز الاجل الاكرم يا ذا المن
والفضل والكرم والنعماء والجود واغفر لي
ذنوبي انه لا يغفر الذنوب الا انت مقصد چهارم
در بیان احکام تقصیر واحرام حج بدانکه بعد از فارغ
شدن از سعی باید که تقصیر کند یعنی از ناخن چیزی
بگیرد خواه ناخن دست وخواه ناخن پا یا از موی
بدن چیزی ازاله کند اگر چه سه مو باشد

خواه بمقراض وخواه بکندن وخواه بنوره
کاستن و تراشیدن همه سر جایز نیست
اما تراشیدن بعضی جایز است و نیت چنین
کند که تقصیر میکنم در عمره تمتع از برای آنکه واجبست
تقرب بخدا و مقارن نیت بتقصیر مشغول شود و
چون تقصیر بفعل آید جمیع آنچه باحرام حرام
شده بود حلال میشود و تقصیر آخر افعال عمره است
و سنتست که تقصیر بر مروه واقع شود و مکروه هست
طواف خانه کعبه بعد از سعی و قبل از تقصیر و واجبست
که بعد از تقصیر باحرام حج اشتغال نماید و جمیع
آنچه در احرام حج معتبر است مذکور شد آن
مقدمات و غیر آن در احرام حج معتبر است و
میقات آن احرام شهر مکه است و نیت چنین
کند که احرام حج تمتع بجا می آورم از برای
واجبست قربة بخدا و نیت را مقارن تلبیه

سازد و سه امر در این احرام سنت است **اول**
آنکه در روز هشتم ماه ذی الحجه واقع شود **دویم**
آنکه مسجد الحرام باشد و افضل است که زیر ناودان
خانه کعبه واقع شود **سیم** بلند گفتن تلبیه
در مکانی که آنجا احرام بسته اگر پیاده باشد
و اگر سواره در وقتی که شتری که بر آن سوار است
از جا برخیزد و واجبست که بعد از احرام بستن
بعرفات رود و از وقت پیشین تا وقت شام در
عرفات توقف نماید و چون شام شود بمشعر الحرام
رود تا طلوع آفتاب آنجا توقف نماید و بعد از آن
بمنی رود و آنجا روز عید میلی را که آن را جمره عقبه
گویند هفت سنگ ریزه بزند و بعد از آن قربانی
کند و بعد از آن سر بتراشد و بلکه مراجعت
نماید بجهت طواف زیارت و سعی طواف بعد از آن
بمنی عود کند بجهت بودن آنجا در شبهای تشریق

در منی جمرات ثلاثه و این اعمال در چهار فصل
تفصیل مذکور میشود انشاء الله تعالی فصل اول
در بیان احکام وقوف عرفات بدانکه مراد از
وقوف عرفات بودن دران موضع شریف است
از پیشین تا شام خواه ایستاده باشد و خواه
نشسته و خواه تکیه کرده باشد و خواه نرو
خواه سواره و خواه پیاده و پیش از دخول عرفات
هفت امر سنت است اول انکه رفتن از مکه بجانب
عرفات در روز ذی الحجه باشد نه قبل از ان روز
و ان روز را یوم الترویه گویند اما اگر بیماری
باشد یا از کثرت ازدحام مردم در راه ملاحظه
نماید قبل از یوم الترویه یک روز یا دو روز
یا سه روز از مکه بیرون رود قصوری
ندارد دویم انکه چون متوجه عرفات شود
این دعا بخواند اللهم الیک صمدت

وایاک

199

وایاک اعتمدت و وجهک اردت اسئلک ان
تبارک لی فی رحلی وان تقضی لی حاجتی وان تجعلنی
ممن تباهی به الیوم من هو افضل منی سیم انکه
چون در راه عرفات بمنی رسد این دعا بخواند
اللهم هذه منی وهی مما مننت به علینا من المناسک
فاسئلک ان تمن علی بما مننت به علی انبیائک
فانما انا عبدک وفی قبضتک چهارم انکه ظهر
و عصر و مغرب و عشا را در منی بگذارد پنجم
انکه در شب نهم ذی الحجه که شب عرفه است
در منی تا طلوع فجر توقف نماید ششم انکه تمام
صبح را نیز در منی بگذارد و افضل است که تا طلوع
افتاب توقف نماید و بعد از ان از منی متوجه
عرفات شود هفتم انکه خیمه خود را در بیرون
زمین عرفات بزند در مکانی که بعرفات متصل
است و ان مکان را نمره گویند واجبست که اول

وقت پیشین نیت وقوف عرفات کند باینطریق
که وقوف میکنم در عرفات از این وقت تا شام
حج اسلام حج تمتع برای انکه واجبست تقرب بخدا
و بر حکم نیت بماند تا وقت شام و بعد ازان
دخول عرفات دوازده امر سنت است که در
اثنای وقوف بفعل اورد **اول** غسل جهة
وقوف و نیت چنین کند که غسل وقوف عرفات
میکنم از برای انکه سنت تقرب بخدا و باید که این
بعد از ظهر در اول وقت وقوف واقع شود **دوم**
بر وضو بودن **سیم** ظهر و عصر را در اول
وقت باهم جمع کردن بیک اذان و دو اقامت
چهارم برپا ایستادن او وقت ظهر تا وقت
شام **پنجم** رو بقبله بودن از اول وقت
تا اخر وقت **ششم** خاطر را بهیچ چیز مشغول
نساختن مگر بتوجه بدرگاه الهی

هفتم

١٣٥

هفتم انکه میانه او و اسمان حایل نباشد
مثل خیمه و غیر ان **هشتم** از برای برادران مؤمن
دعا کند و باید که از چهل نفر کمتر نباشد **نهم**
انکه صد نوبت الله اکبر و صد نوبت سبحان الله
بگوید **دهم** انکه قل هو الله احد بخواند **یازدهم**
انکه این دعا بخواند اللهم انی عبدک فلا تجعلنی
من وفدک وارحم مسیری الیک من الفج العمیق — احیب صح
اللهم رب المشارق کلها فک رقبتی من النار
واوسع علی من رزقک الحلال وادرا عنی و لا
تند رحمنی اللهم انی اسئلک بحولک وقوتک
وجودک وکرمک ومنک وفضلک
یا اسمع السامعین یا ابصر الناظرین و یا اسرع
الحاسبین و یا ارحم الراحمین ان تصلی علی
محمد وال محمد وحاجت خود از خدای تعالی طلب نماید
و بعد ازان رو بجانب اسمان کند و بگوید

انکه صد نوبت ... صح
وصد نوبت لا اله الا الله

اللّهمّ حاجتي اليك التي ان اعطيتنيها لم يضرّني
ما منعتني وان منعتنيها لم ينفعني ما اعطيتني اسئلك
خلاص رقبتي من النّار اللّهمّ انّي عبدك وملك
يدك ناصيتي بيدك واجلي بعلمك اسئلك ان
توفّقني لما يرضيك عنّي وان تسلّم منّي مناسكي التي
اريتها خليلك ابراهيم عليه السلام ودللت عليها
نبيّك محمّدا صلّى الله عليه وآله اللّهمّ اجعلني
ممّن رضيت عمله واطلت عمره واحييته بعد الموت
حيوة طيّبة لا اله الّا الله وحده لا شريك له له
الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حيّ لا يموت
بيده الخير وهو على كلّ شيء قدير الحمد لك الحمد
كالذي نقول وخيرا ممّا نقول وفوق ما
يقول القائلون اللّهمّ انّي اعوذ بك من الفقر
ومن وسواس الصدر ومن شتات الامر ومن
عذاب القبر اللّهمّ اجعل في قلبي نورا وفي سمعي

نورا

نورا وفي بصري نورا وفي لحمي نورا وفي دمي وعظامي
وعروقي ومقعدي ومقامي ومدخلي ومخرجي نورا
واعظم لي نورا يا ربّ يوم القاك انّك على كلّ
شيء قدير وبدانكه دعاهاي روز عرفات كه
از حضرات ائمه معصومين صلوات الله عليهم اجمعين
نقل شده بسيار است وافضل اين دو دعاست يكي
دعاي حضرت امام حسين عليه السلام كه مشهور است
وديگري دعاي حضرت امام زين العابدين عليه السلام
كه در صحيفه كامله مذكور است وچون هر يك
از اين دو دعا بغايت طويل بود درين مختصر مذكور
نشد ودر احكام وقوف مشعر الحرام چون
وقت مغرب داخل شود پيش از نماز مغرب از عرفات
متوجه مشعر الحرام شود وچون اراده بيرون امدن
كند از عرفات اين دعا بخواند اللّهمّ لا تجعله
اخر العهد من هذا الموقف وارزقنيه ابدا ما ابقيتني

واقلبنی الیوم منلحاً مسجحاً مستجاباً لی مرحوماً
مغفوراً بافضل ما ینقلب به الیوم احدٌ من وفدک
علیک واعطنی افضل ما اعطیت احداً منهم من
الخیر والبرکة والرحمة والرضوان والمغفرة
وبارک فیما ارجع الیه من اهل او مال او قلیل
او کثیر وبارک لهم فیّ و باین که وقت رفتن
بجانب مشعر بتأنی رود و در کمال خضوع وخشوع
و در اثنای راه رفتن بطلب خلاصی از آتش دوزخ
مشغول باشد و چون بمشعر الحرام رسد واجبست
که نیت کند باین طریق که ازین وقت تا طلوع آفتاب
توقف میکنم در حج تمتع از برای آنکه واجبست تقرّب
بخدا و در آنجا نه امر بفعل آورد اول آنکه قبل
از بار فرود آوردن نماز مغرب و عشا را بیک
اذان و دو اقامت بگذارد دویم آنکه نافله مغرب را
بعد از عشا بگذارد سیم آنکه آن شب را که شب عید

قربان

قربان احیا بدارد چهارم آنکه تا صبح بذکر و دعا و
تلاوت قرآن مشغول باشد و از جمله دعاها
این بخواند اللّهمّ هذه جمع اللّهمّ انّی اسئلک
ان تجمع لی فیها جوامع الخیر اللهم لا تؤیسنی
من الخیر الذی سألتک ان تجمعه لی فی قلبی ثمّ
اطلب الیک ان تعرّفنی ما عرّفت اولیائک فی
منزلی هذا وان تقینی جوامع الشرّ پنجم اوّل
شب غسل کند و نیّت چنین کند که غسل بودن
در مشعر الحرام میکنم از برای آنکه سنت است تقرّب
بخدا ششم آنکه طلوع آفتاب طاهر از حدث اکبر
و اصغر باشد هفتم آنکه اگر حجّ اوّل او باشد پای
کوهی که در مشعر الحرام برود و آنجا ذکر الهی
بجا آورد هشتم آنکه هفتاد سنگ ریزه را که بجهة
رمی جمره مقرّر است از مشعر الحرام بردارد واجبست
که آن شب تا صباح در مشعر الحرام باشد و چون فجر

طالع شود اولی است که نیّت علیحده بجهة وقوف
مشعر بکند باین طریق که توقّف میکنم در مشعر الحرام
در حجّ تمتّع ازین وقت تا طلوع آفتاب ابتدای آنکه
واجبست تقرّب بخدا و سنّت است که بحمد الهی و
صلوة فرستادن و دعا کردن اشتغال نماید
و از دعاها این دعا بخواند اللهمّ ربّ المشعر
الحرام فكّ رقبتی من النّار واوسع علیّ رزقك
الحلال وادرأ عنّی شرّ فسقة الجنّ والانس اللهمّ
انت خیر مطلوب الیه وخیر مسؤل وبکلّ
وافد جایزة فاجعل جایزتی فی موطنی هذا ان
تقیلنی عثرتی وتقبّل معذرتی وان تجاوز عن
خطیئتی ثمّ اجعل التقوی من الدّنیا زادی وچون
آفتاب بر آید بجانب منی رود و جایز است زنان را
و شخصی را که ضروری باشد مثل آنکه قبل
از طلوع فجر از مشعر الحرام بجانب منی رود فصل پنجم